

A close-up photograph of a person's face, showing their eyes, nose, and mouth. They are smiling broadly, revealing their teeth. The lighting is warm and focused on the face. A dark, textured object, possibly a book or a cloth, is visible in the foreground, partially obscuring the left side of the face.

Ketabton.com



اعلیحضرت غازی نادرشاه شوید که وطن را زیک بحران داخلی نجات دادند.



بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم موقیعه دنگتاش رهبر ترکی زبان های قبرس را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند و با او صحبت می نمایند.



بناغلی رئیس دولت و صدراعظم هنگامیکه فضانوران ایالات متحدة آمریکا را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.



بناغلی رئیس دولت و صدراعظم موقیعه بناغلی بیترسن آمر عمومی بروگرام انکشافی ملل متحد را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

## اخهصار و قایع هم هفته

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم

ساعت چهارونیم عصر دگروال ستیوارت ان روزا دگروال ویلم ریدبیوگ کیهان نوران امریکایی را در قصر ریاست جمهوری برای ملاقات پذیرفتند.

بناغلی محمد نعیم و بعضی از اعضا کاینه عصر روز شنبه فلم های مسافت های اپولوی چارده و سکای لاب چارم را در تالار رادیو افغانستان مشاهده نموده و توضیحات کیهان نوران امریکایی را براهمون مسافت های

در داخل

• • •

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت یازده قبل از ظهر ۲۲ میزان بناغلی روف دنگتاش رهبر ترکی زبانیای قبرس را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

بناغلی روف دنگتاش رهبر ترکی زبانیای قبرس که بسلسله مسافت یکده کشورها برای بازدید دوسته ای از افغانستان بکابل آمد بود ساعت هفت و نیم صبح روز ۲۳ میزان از کابل عزیمت کرد.

بوهاند دکتور نوبن وزیر اطلاعات و کلتور، معون تشریفات وزارت امور خارجه، عدهای از اعضا انجمن دوستی افغان و ترک و سفير کبیر و بزرخی از اعضا سفارت کبرای ترکیه مقیم کابل بناغلی دنگتاش وداع نمودند.

• • •

بناغلی محمد داود رئیس دولت و صدراعظم ساعت چار و نیم عصر ۲۲ میزان بناغلی بیترسن آمر عمومی بروگرام انکشافی ملل متحد را در قصر ریاست جمهوری پذیرفتند.

• • •

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خیر داد، به تعداد ۳۵ نفر بلوچ دیگر نسبت ظلم و تعدی حکومت پاکستان و حملات بی رحمانه قوای عسکری آنکشور بخاک افغانستان پناه آورده اند.

• • •

موسسه کشور عای صادر گننه نفت (اویک) اکنون مشغول مطالعه درباره تاسیس یک صندوق وجبی اهدادی پنج میلارد دالری برای کشور های رو به اکشاف قادر نفت میباشد.

وزرای عدیله، معارف، صحیه، اطلاعات

و کلتور، رئیسه میرمنو تولنه و رئیسہ زیزتون بالتویه بیاناتی از طریق رادیو افغانستان باین مناسبت ایراد خواهند کرد.

## خبرنگة

• • •

بیش از ۲۴ میلیون افغانی و هفتصد هزار دالر غایریکه سمت جبل السراج در شش ماه اول امسال افزایش سنت در داخل و خارج کشور بدست آورده است.

یک منبع آن غایریکه گفت: از شروع امسال تا خیر سنبه ۱۸ هزار تن سمنت در غایریکه تولید گردیده است. منبع اضافه کرد: در شش ماه اول امسال ۱۶ هزار تن سمنت در داخل کشور ... ۲۴۴۵۰۰۰ افغانی بفروش رسیده، همچنان ۱۰ هزار تن سمنت در هفته بخارج صادر گردیده که از فروش آن هفتصد هزار دالر بدست آمده است.

منبع مذکور شد: در فروش سمنت شش ماه اول امسال هشت هزار تن سمنت تولیدی سال گذشته نیز شامل میباشد.

• • •

کمپانی غایریکه پنه و رونخ نباتی هلمت از فصل جدید پخته دیروز آغاز گردید. یک منبع آن موسسه گفت: خریداری پنهانه دار از فصل امسال شروع شده و انتقال آن غایریکه ادامه دارد. منبع اضافه کرد: در شروع امسال ۱۸۵۶ تن تخم بدیو پخته به زارعان ولایت هلمت، قندمار و فراه توزیع گردید، که ۱ بن مقدار برای ذرع بیش از ۱۸۹ هزار جریب زمین کفايت نموده است.

منبع حاصلات پخته را اطمینان پخش خواهد اثبات امید گرده حاصلات امسال به ۲۸ هزار تن بالغ میگردد.

• • •

صدویکمین سالگرہ تا سیس اتحادیه بین المللی پستی شام ۱۷ میزان سمن مخلی در کابل تجلیل گردید.

جمع آوری پخته از مزارع ولایات کندز، تخار و بلغان شروع شده است.

عملا در واژه های فرهنگ و معارف را بروی مردم بست و در کار های فرهنگی و کلتوری بطور و اضطر و مشبود رکودرونها گردید. استعمار میخواست ازین راه یکبار دیگر ذهنیت هارا دگر گو نه ساخته و بطرف فساد و نفرجه سوق دهد. ولی آنها این بار نیز اشتباه میکردند و راه خطأ می بسوردند و از در سی که مردم ما در گذشته باین قوه مغورو داده بودند عبرت درست نکرفته بود.

استعمار فرا موش کرده بود که مردم تر قیخواه و وطن بر سرت افغانستان فریب همچو نه نیز نگ استعماری را نمی خورند و با یعن آسانی ها زیر بار نمی روند.

باين اساس مردم ما یکبار دیگر هو شیارانه برای زدودن این بحران داخلی قیام کردند و در همین موقع حساس و نازک بود که اعلیحضرت محمد نادرشاه شبد فرزند فدا کار افغانستان که او ضایع کشور را از خارج بررسی و مطالعه میکردند، برای رهایی کشور ازین بحران مسبب داخلی به افغانستان آمد و بهمراهی کمک مردم شتافتند و بهمراهی ترقیخواهان و طبیر سرت دست بکارشده و پس از یک مبارزه مملکت را از گشمشها و بحران دا خلی نجات بخشیدند.

بارهایی کشور از چنگال ۱ یعن بحران داخلی دو باره نقشه های عرفانی و عمرانی و انکشافی برای ترقی و پیشرفت طرح گردید و روح تازه در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور ما دیدن گرفت.

از همین سبب است که روز ۳۳ میزان در تاریخ کشور ما در و ز شکوهمند و نقطه بر افتخاری است. روز نجات و رهایی مردم ما از یک اختناق داخلی است. روز رهایی از جبل است و رهایی از آشفتگی های گو ناگون اجتماعی و فر هنگی. روی این ملحوظ ما باتذکر ازین مملکت ما از نظر اقتصادی و اجتماعی دچار آشفتگی گردید و تأثیرات منفی این آشفتگی چون طرح های تازه مملکت را در جبهت از جبل و رفاه سوق دهند، که یکبار افکند و اثرات این بحران و این دیگر دیو استعمار با حیل و دسایس اش شو میکه همزاد اوست، دست به تو طهه زده و مملکت ما را بطریق تأثیر ناگوار نمود، زیرا استعمار نظام خجسته و متر قی جمهوریت تمدن میکنیم.

## سپکْ تِرَندُون

سپکار بزرگ ملت افغانستان در برابر تجاوز استعمار کواه بز و ک و انتقام ناید بر یست از فدا کاری وطن دوستی و عزم شکست ناید بر مردم ما.

از بیانات رئیس دولت و صدراعظم

پنجشنبه ۲۴ میزان ۱۳۵۴ - ۱۱ شوال ۱۳۹۵ - ۱۶ اکتوبر ۱۹۷۵

## روز نجات

مردم افغانستان پس از سپکار بزرگ و مبارزات متداول علیه استعمار، استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را بدست آورده و سر نوشته مملکت را بدست گرفتند. مردم از همین سبب است که روز ۳۳ میزان در تاریخ کشور ما در و ز شکوهمند و نقطه بر افتخاری است. روز نجات و رهایی مردم ما از یک اختناق داخلی است. روز رهایی از جبل است و رهایی از آشفتگی های گو ناگون اجتماعی و فر هنگی. روی این ملحوظ ما باتذکر ازین مملکت ما از نظر اقتصادی و اجتماعی دچار آشفتگی گردید و تأثیرات منفی این آشفتگی چون طرح های تازه مملکت را در جبهت از جبل و رفاه سوق دهند، که یکبار افکند و اثرات این بحران و این دیگر دیو استعمار با حیل و دسایس اش شو میکه همزاد اوست، دست به تو طهه زده و مملکت ما را بطریق تأثیر ناگوار نمود، زیرا استعمار نظام خجسته و متر قی جمهوریت تمدن میکنیم.



بناغلی محمد داؤد رئیس دولت و صدراعظم و حامی بزرگ جمیعت  
افغانی سره میاشت

## پیام بنای اسلامی به محمد داود رئیس دولت و صدراعظم بدنهای سبب هفته مخصوص جمعیت افغانی سره میاشت

تمدن امروز بشر و پیشرفت علم و تواند فعالیت خویش را بیشتر  
تحنیک اگر بسا دشواری‌ها را از ازیش بافعالیت این سازمان نهاد  
محبوب مارا توافق نصیب گرداند تا  
با عزم متین وصفای نیت در صلح  
خواسته اما باز هم نتوانست توحید بخشد.  
و سلم زندگی کنند وبارو حیه ای  
خواست سماوی و مصائب طبیعی نویع می‌رود آمال بشر دوستی  
از قبیل فقر، مرض، و دیگر خواست و نتایج حاصله از کنفرانس صلح  
تریتی ملی وتعاون اجتماعی که از  
نیاکان و پدران شان بارت برده‌اند  
نگوار را جلوگیری نماید با فهم جهانی جمیعتی صلیب و هلال  
از همکاری مثمر و همدردی با  
احمر بین المللی متعهد بلکه راد  
این واقعیت هایک عده از مردم مان  
صلح پسند جهان در صدد تشکیل  
در جلسات بورد گونه‌های اتحاد یه  
هموطنان بینوای خود دریغ ننمایند  
و با وحدت نظر و عمل جمیعت افغانی  
صلیب احمر بین المللی که قرار  
و توسعه انکشاف انجمنها و مجا مع  
خیریه برآمدند نابتوانند درمودا قع  
تبنا کارکنان و مربو طین جمیعت  
سره میاشت را با کمک مادی و معنوی  
بروز خواست نگوار از آسیب  
افغانی سره میاشت را بیش از پیش  
متوجه و جایب انسانی شان می‌  
دیدگان دستگیری نمایند و از الام دایر شود بیش ازیش مورد تایید  
کرداند، بلکه فرصت آنرا میدهند  
تامیر دمان نوع دوست و با عاطفه  
آنها بگاهد.  
دولت جمهوری افغانستان مسامی و سفاق جای خود را به تساندوتعاون  
دین می‌بین اسلام و پرنسیپ‌های  
جماعیت‌های صلیب احمر بین المللی و حسن نوع پروری گذاشته کنله‌های  
ما درین ایام فرخنده و خیریه سبیم  
اساسی سره میاشت و صلیب احمر  
شوند و روحیه تعاون شانرا بیش  
بین المللی خدمات مؤثر و ارزش‌دهنده  
علال احمرها و شیر و خورشید.  
بشریت در سراسر جهان بانیک  
از پیش که از سجایی عالم اسلامی  
سرخ را درگذشت و آینده می‌بیند  
تری به همنوعان بینوای و مستمند  
از پیش که این است که مؤسسه افغانی  
ولازمه حیات اجتماعی است دریک  
خویش در ساخته ملی و بین المللی  
امیدوارم خداوند مردمان صاحب نظر، انجام دهد.  
و من الله توفیق

خواهران و برادران کرامی:  
مسرت دارم از اینکه هفته  
مخصوص جمیعت افغانی سره میاشت  
تحت لوازی رژیم جمهوریت جوان  
وطن عزیز مطابق به تعالی جمیعت  
های جهانی که بارو حیه دین مقدس  
اسلام و شعایر ملی ما مطا بقت  
دارد آغاز می‌گردد.

هفته مخصوص سره میاشت نه  
تبنا کارکنان و مربو طین جمیعت  
بروز خواست نگوار از آسیب  
دیدگان دستگیری نمایند و از الام دایر شود بیش ازیش مورد تایید  
کرداند، بلکه فرصت آنرا میدهند  
تامیر دمان نوع دوست و با عاطفه  
ما درین ایام فرخنده و خیریه سبیم  
شوند و روحیه تعاون شانرا بیش  
از پیش که از سجایی عالم اسلامی  
سرخ را درگذشت و آینده می‌بیند  
ولازمه حیات اجتماعی است دریک  
سره میاشت بیشتر تقویه نمایند.  
سطح عالی تری تقویه نمایند.

## پامنخوانندگان

تاریخ خود را بخوا نید ، یعنی  
تاریخ افغانستان را مطالعه کنید  
و آنگاه بو-ذناحت خواهد دید روزی  
که این ملت یکدست و یک زبان  
بود هرچه و پیروز بود . و فقط به  
وحدت عهل و اتحاد فکر تمام ملت ،  
پیشرفت میسر شده میتواند و این  
یگاه کلید سعادت افغانستان  
شمرده میشود .

اما حات اجتماعی یکی بسند  
دیگر عملی خواهد شد امید وا درم  
که نتایج آن برای آینده ملت افغان  
مفید ثابت شود . بار دیگر یاد آور  
میشویم که ما نمی خواهیم برای  
عدة خاص و محدود و یا برای یک  
جهیت خاص گذاشت کنیم . بلکه  
میخواهیم هر قدم ما و اهداف ما  
از تر از همه متوجه اکثریت هر دم  
از افغانستان باشد .

در ظرف یکسال و چندماه سعی  
کامل بعمل آمد تا از نگاه اقتصادی  
و اجتماعی به لطف خوازند قدمهای  
نهایی برداشته و برای آینده گشود  
و نسلهای آینده آن کاری انجام  
دهیم .

ونیز پلان هائی برای بیرون و پیش  
اجتماعی روی دست بوده که یکی  
بعد دیگر عملی خواهد شد .

قانون اساسی افغانستان بهینه ن  
خواهد آمد و در افغانستان حزبی  
نیز بوجود خواهد آمد .

یک نظام و یک حکومت و قوه  
استوار و زنده بوده میتواند گه  
ملت آن زنده باشد و در عقب آن  
با تمام قوت خود بایداری کند .

## دین شماره

دینی سوغات	ص ۲	دسرور زوی ذباده
صنایع افغانستان در ...	ص ۸	دایور از : م - م
گیلان نوران امریکایی در کابل	ص ۱۲	دایور از : ن.
نوشین آواز خوان نازه در آسمان هنر	ص ۱۴	دایور از : غ. ز
بهران گرسنگی	ص ۱۷	ترجمه : حبیب الله فرهمند
سرزمین گل و گلاب	ص ۲۴	ترجمه : عزیزالله، گهکدا
ماجرای اختطاف آدولف هایشن	ص ۲۵	ترجمه انجیر حبیب
زنان بیروز میشوند	ص ۲۷	نوشه : راحله راسخ
دره سیوری	ص ۲۸	لیکونکی امن افغانیور
درس زندگی	ص ۳۰	ترجمه : جمال فخری
فریاد عای هرگ	ص ۳۶	ترجمه : دکتر شیروار
نوجه خس بول کره	ص ۴۶	دالف ، الک ذباده
بهترین و نخستین مسابقه باسکتبال	ص ۴۴	دایور از : ب، ز
چهره های از جهان سینها و هنر	ص ۴۸	ترجمه : رسید بور
واکسین وادمه حیات	ص ۶۲	ترجمه: گوهری
درزیر خواب های آرام	ص ۵۲	ترجمه : رهیو
اینجا گل هامیشگاند	ص ۶۰	ترجمه : زرف بین

عکس روی جلد از نوشین خوا ننده جوان عکس های نوشین از بحیا صفحه

جمهوری افغانستان AFI



از شفیع «راحل»

# تعاهدم ایتالیا

## یو گو سلاویا

وقایع

مم

سیاسی

مفت

در حدود نیم میلیون نفوس دارد  
بندر ساکن گردیده و دلیل هو جه  
برای ادعای حاکمیت بندر تو سط  
ایتالیا تعلق گرفت و اداره حوزه  
(بی) که در حدود یکصدو پنجاه هزار  
نفوس دارد و شصت فیصد آن  
سلوواک می باشد به یو گو سلاویا  
سپرده شد .  
اما این تقسیم برایهم را حل  
نمود . ایتالیا در ادعای خود برای  
ضم ساختن حوزه (بی) تریست  
پافشاری نمود و از آن تاریخ به بعد  
وقتاً فو قنا مو ضوع تریست بحیث  
یک مناقشة داغ عرض اندام نموده  
است .

### فصله :

البته علاوه بر تأثیر عمیق معاہدة  
هلسنتگی و روحیه دیانت بین شرق  
و غرب دلایل دیگر نیز وجود دارد  
که روم را وادار به قیو لی یذیرفت  
تقسیم تریست نموده است .  
بحیث یک عضو ناتوانی ایتالیا نمی  
خواهد موقف آزاد و بیطری فانه  
یو گو سلاویارا تغیر دهد .  
یو گو سلاویارا تحت رهبری مارشا!  
تبتو تقسیم فعلی را یذیرفته است  
اما امکان داشت یو گو سلاویاری  
بعد ازمار شال تبتو به این تقسیم  
تن در نهاد و تمام تریست را  
بخواهد .

علاوه بر آن نفوذ روز افزون  
جناح چپ در سیاست داخلی ایتالیا  
امکان داشت باعث بروز اشکان  
جدید در موضوع تریست میگردید .  
گذشته از همه این دلایل نه ایتالیا  
ونه یو گو سلاویارا حاضر بودند جنگ  
سرد شانرا بر هو ضوع تریست  
بکدام محاذیه خوب نین که شاید به  
هو فقیت هیچ یک تمام تمیشند مبدل  
سازند .

و فرانسه حاکمیت ایتالیا را بر تریست  
یذیرفتند . معاہده (را بالو) که در  
ختم جنگ عمومی اول منعقد گردید  
این حاکمیت را با وجود مخالفت  
امریکا که ادعا داشت تریست جزوی  
از خاک یو گو سلاویارا است  
تبیین نمود .

مگر در ختم جنگ عمومی دو م  
تحت معاہدة صلح پاریس (فروزی  
۱۹۴۷) ایتالیا حصة از تریست را  
از دست داد و نه تنها منطقه ۱ خیز  
الذکر بلکه تمام حوزه (ایستر یا)  
بعیض مناطق آزاد اعلام شد . منطقه  
تریست موقتاً بدروزه تفسیم  
شد :

حوزه (ای) که شامل شهر  
تریست بود تحت حکومت نظامی  
امریکا و بر تائیه قرار گرفت و حوزه  
(بی) یاجنوب تریست که تحت  
اداره حکومت نظامی یو گو سلاویارا  
قرار داده شد . دول غربی در  
(۱۹۴۸) پیشنهاد کردند تا تمام

حوزه را به ایتالیا واگذار شوند اما  
در همان موقع یو گو سلاویارا از  
بالک شوروی خارج شد و دول غربی  
دو باره تغییر عقیدت دادند .  
تحت یک برو تو گول تفاهم که  
بتاریخ پنج اکتوبر ۱۹۵۴ عقد  
داشت از یک قریب ما هیگیری  
یو گو سلاویارا موافقه کردند تا به  
سلوواکی بیک بندر مهم در دا خل  
امپراطوری آستریا ، هنگری مبدل  
سا خته شد . تجار ایتالیا در این  
ترتیب اداره حوزه (ای) که ۱ هر روز

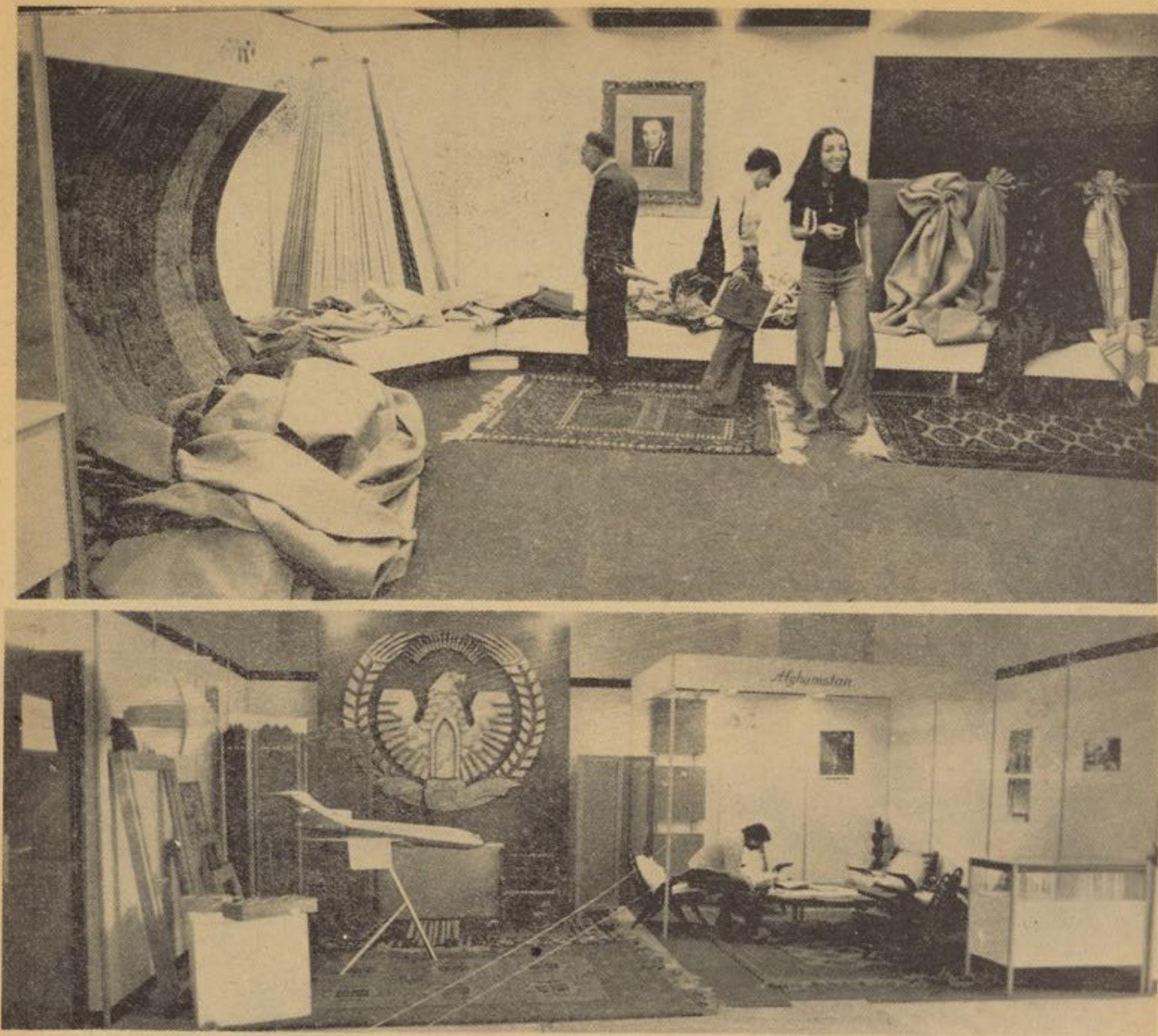
بعد از (سی) سال مناقشة سیاسی  
که چند مرتبه نزدیک بود منجر بجنگ  
خونین بین ایتالیا و یو گو سلاویارا  
گردد بالاخره این دو مملکت در هفته  
جاری تصمیم گرفتند مو ضوع مورد  
اختلاف شانرا که (تریست) باشد  
بکلی حل و فصل نمایند .  
صدراعظم ایتالیا (الدو هو رو )  
و وزیر خارجه آن مملکت (مارینورو -  
مور) در هفته جاری رسماً اسلام  
کردند که یو گو سلاویارا و ایتالیا  
تصمیم گرفته اند هو ضوع تریست  
را که برای سی سال کامل مانع  
توسعه روابط حسنی ذات البیینی  
بوده از طریق مسا لمت آمیز حل  
کنند .

یگانه اعتراف در مقابل  
این اعلامیه از حزب (ام . اس . آی )  
یا نیوفاشیست های ایتالیا برخواست  
آنها حکومت را متهم بخیانت  
نمود . ۱۰۰۰ اکثریت مردم و احزاب  
دیگر موقف حکومت را تائید کرد  
زیرا این احساس بشکل روزافزون  
در ایتالیا قوت میگرفت که بتا سی  
از موافقنامه هلسنتگی و دیانت  
عمومی جهانی که مخصوصاً در  
اروپا باعث تشیید صلح و سلم  
گردیده لایحل ماندن مو ضوع  
تریست مفید نمیباشد .

تاریخچه :  
تریست یکی از بنادر مهم و آزاد  
(مانند جینووا و مار سیل) بو ده  
و درد هانگر ادریاتیک قرار دارد این  
شهر بندری در (۱۸۴۰) تو سط  
یک (بارون) آلمانی که بر روك نام  
شده امریکا ، بر تائیه ، ایتالیا و  
یو گو سلاویارا موافقه کردند تا به  
حکومت نظامی خاتمه بد هند . باین  
مو فقیت هیچ یک تمام تمیشند مبدل  
سازند . تجار ایتالیا در این



نمای از شهر غزنی با سtanان که از فراز کوه عکاسی شده است .



غرفه های نساجی و صنایع دستی افغانستان

کزارس از: هریم محبوب افسری (تهران-ایران)

# صنایع افغانستان در سویم نمایشگاه بین‌المللی آسیا

سومین نمایشگاه بین‌المللی تهران باشرکت که ناکنون در محل دایمی نمایشگاه های تهران ۴۴ کشور جهان بروز بیست و دوم میزان تشکیل شده است . قبل از اینکه تماساجی وارد محوطه نمایشگاه در تهران افتتاح گردید تأسیسات این میشود، از فاصله های چند متری بیرق ۴۴ داخل محوطه مملو از هیاهوی تماساجیان نمایشگاه بر مساحتی بوسعت ۱۳۰۰ متر کشور دنیا بازبود و عرگونه وسایل ارتباط جمعی، برای سبولت در کار و جلوگیری بیننده را جلب میکند. برق افغانستان باعث نمایشگاه بناه صدای دلنشیز



دروازه دخولی نمایشگاه صنایع افغانستان در تهران

## صمت دستی افغانستان باد دیگر علاقمندان بیشتری کسب کرد.



بیرق های کشور های اشتراک گذشته



نمایشگاه بین المللی تهران

مهستی فخار اصمیمی تر می‌سازد و دل ها را شادتر، بسوی نمایشگاه می‌کشند. این جا و آنجا به فاصله های هر چند قدم، غرفه های کشور های گوناگون قرار دارند که با آرم مخصوص کشور ایران هزین گردیده است. بداخل هر یک از این غرفه ها دخترها با خنده پرورش مردم رسید. هر دم تلاش میکردند، ملیح خوبی از تعاشی این بذریابی میکنند و باجین باز به سوالات شان پاسخ میگوید.

در این محظوظه بزرگ و بی سرو با همه چیز مساعد است. تماشاجی هیچ زمانی چیز اشکال نمی شود و به خوبی میتواند به گمک راهنمایی هورد نظر را پیدا کند.

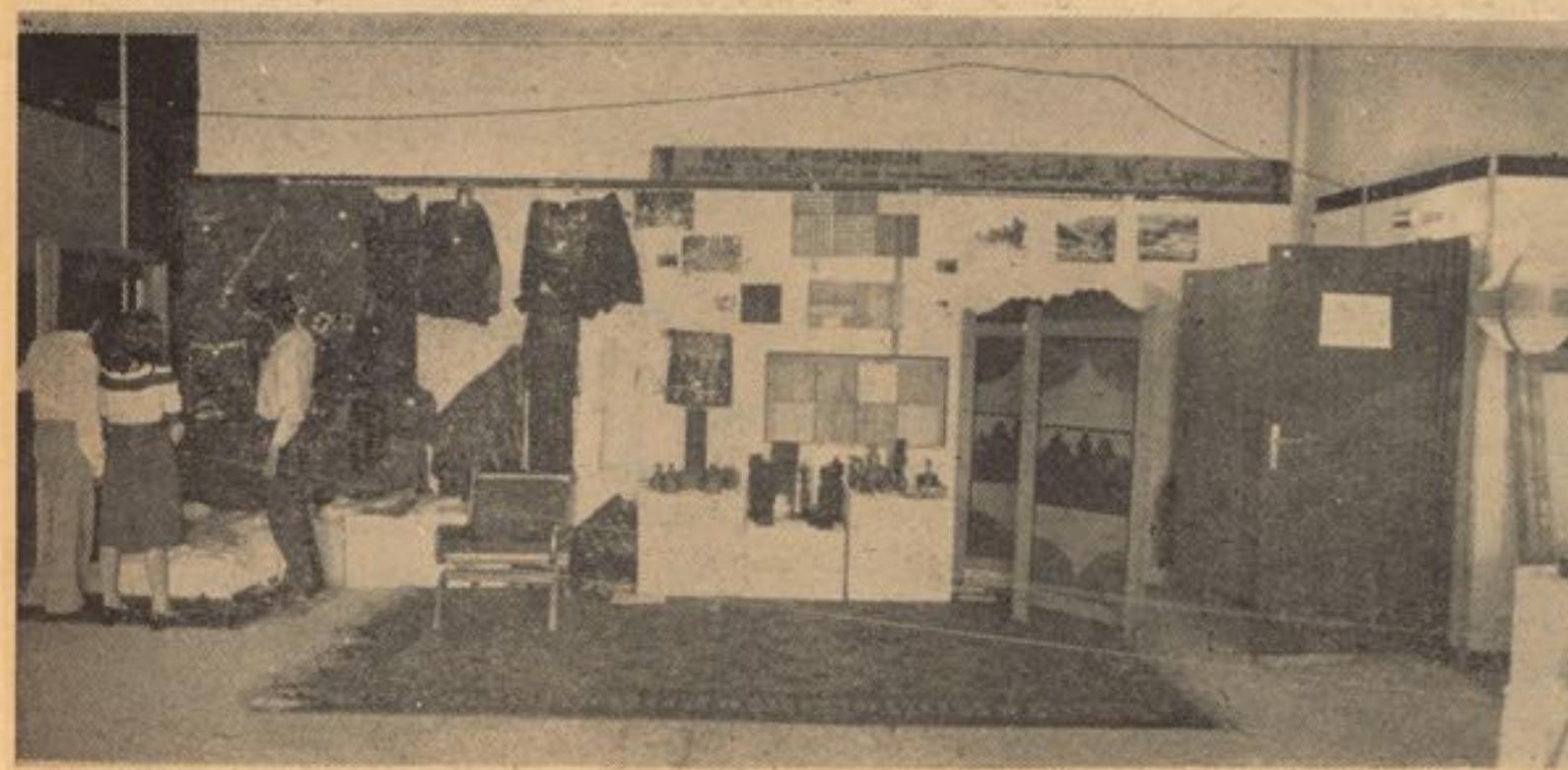
من بالاخره بعد از دیدن جند غرفه کشورهای مختلف موفق میشوم از غرفه صنعت دستی افغانستان دیدن کنم. این جای باز هم غرفه افغانستان و ایران ردیف هم قرار دارند. ازدحام تماشاجی در هردو غرفه زیاد است. مردم بلاوجهه در رفت و آمدند. به مشکل میشود راه را باز کرد و داخل غرفه شد. صدای گرم افکند بعد گفت: لطفاً ورق بزنید

احمد ظاهر فقاء سالون را باشته بسود.



قالین های افغانی علاقمندی عمده‌ای تماساً جان را بخود جلب نموده بود.

## پوستین افغانی بازار گرمی داشت و خانم‌ها با خود خوش این گرمی را در چندان ساخته بودند صدای هوش افغانی بار دیگر در گوش‌ها طنین انداز شد و علاقمندان خوش را به اطراف جمع کرد



صنایع دستی و سوزن دوزی افغانستان

- والا... صنعت دستی افغانستان خیلی  
قشنگ است. اما خیلی هم کران.

بعد گفت :

شاید حقشان باشد که قیمت گزافی بالای  
جنس گذانسته اند.

بررسیدم :

کدام یک از این ساخته های دستی را  
می‌بینید؟ زن که تقریباً چاق هم بود، خواست  
باستخ بدد که ناگهان یکی از آن دختر ها صد ازد.

- قشتکتراز همه لباس های بلند و زیور  
آلاتی است که عقب و پرین ها اویخته شده  
است.

بعدار مکش ادامه داد :

- البته هر چیزی که با دست ساخته می‌شود  
قابل احترام است، ولی یعنی از آنها



عده ساله در ماه سپتامبر نمایشگاه بین‌المللی در تهران بر گزار می‌گردد



غرفه نمایشگاه بین‌المللی در تهران

خصوصیات فوق العاده تری نسبت به بعضی کارهای دیگر دارند که این میتواند، برای جلب مشتری بطور کلی موثر باشد.

بعد از این کارهای گردیده گردیدن نقره می‌کند که با نیکیتنه های سبزه زین شده بود و گفت:

- این گردیدن قشنگ است، اما اغراق ندارد، ولی آن دیگر که تعداد نیکیتنه هایش کمتر است و در ماختش ظرافت زیادی به خرج رفته که میتوان امتیازش را در همین دانست. خانمها چند دست لباس خریدند و بعد فرستند سراغ دیگران.

هنهم فرصت را مساعده نمود، وقتی با آقایی که پشت هم میخواست قیمت پوستیش را پائین بیاورد.

با او داخل گفتگو شد، او در مورد سوال گفت:

- من علاقه وافری به صنعت افغانستان دارم. به خصوص پوستین هایش زیاد مورد توجه ام است.

پرسیدم:

- خرید پوستین آنهم در نمایشگاه برای این قیمت تمام نمیشود؟ لحظه بی متردد ماند.

نقیری به پوستی سفید و نیک انداخت. بعد دستاش را به هم گره کرد. شاید میخواست با خودش محاسبه بی بکند. ناگهان گفت:

- چون زیاد علاقه دارم مجبور می‌خرم. ولی آنقدر ها هم قیمت نیست. فقط چند تومان به قیمت اصلیش افزوده شده.

گفتم:

چه چیزی باعث شد که شما پوست افغانی را پیشنهادید؟

خنده ای بلند کرد. سرش را آرام آرام تکان داد و گفت:

از نظر جنسیت و داشتن یشم خوب توجه مرابه خود جلب کرده است. و این نه تنها منم که پوست افغانی را می‌پیشتم، بلکه همه ایرانی‌ها آنرا می‌پسندند.

چون وقت خیلی کم بود، ازاوخدا حافظی گردم و بادوستانم به غرفه‌ای که صنعت چو بی افغانی قرار داشت آمدیم. دسته‌گلی زیبا و سطح غرفه بالای هیزی که کناره هایش ظریف کاری شده بود قرار داشت. مشتریان اینجا هم جمع شده بودند. چندیست چوکی، دو دروازه پرده هائند، با شبکه کاری های ظریف. البته این نمونه صنعت چوبی افغانیست. نمونه‌یی از آن دسته‌ای که با سختگیرین افزار کار چین چیزهای ظریفی به مردم عرضه می‌کنند. راستی سخت توجه هارایه خود جلب کردند.



غرفه پوستین و پوستینجه



شاغلی ویلیم بوگ کیهان نورد امریکایی که اخیرا به کابل آمده بود

\*\*\*\*\*

بورد کمیته سپورت های مردم بمردم ویتنام از بیلوت های سابقه دار تجربیات امتحانی بوده که قوماندان سفینه ایلوی ۱۴ در سال ۱۹۷۱ بود. وی در مدار ماه پرورگت دوامد و یک عدد عکسها ای از آن برداشت و تجربیات بعدی را در حالیکه کیهان نوردان دیگر در روی ماه بیاده شده بودند انجام داد.

دگروال روزا نظریه موقتی های چشمگیر خود در سال ۱۹۷۰ برداشت مدار خد مان بر جسته (ناسا) موفق گردید. وی در حدود ۱۰۰ ساعت ریکارد پرواز دارد که ۴۰۰ روز آن به پرواز های طیاره چت از سال ۱۹۵۳ باشتر صورت گرفته است.

تجاریش منعیث یک بیلوت منجر به انتخابش بعیث بیلوت سفینه مادیول برای مأموریت های ایلو ۱۷ و ۱۶ گردید.

همچنان دگروال بوگ بعیث یک پیلو ۵

# کیهان نوردان

## امروزکایی در کابل

### قراردادن بزرگترین سامان آلات

به مدار ماه

بیش از ۴۸ روز پر واژد در مدار زمین

دگروال سپورت روزا و دگروال ویلیم گفتند.

دگروال سپورت روزا و دگروال ویلیم ریدیوگ که تحت پروگرام سپورت های امریکایی که تحت پروگرام سپورت های ایالات متحده امریکا از تاریخ ۱۷ میزان ۲۱ دو روز اقامت شان در کابل ساعت سه و نیم بجه (مردم بمردم) بکابل آمده بودند در دویسن افغانستان اقامت داشته واژ بعضی مناطق باستانی دیدن خواهند کرد.

کیهان نوردان تحت اداره کمیته سپورت های مردم بمردم نظریه موقتی های فضایی چشم دید شان ازین سفر معلومات مطلع از این نموده و فمن نمایش فلم های ازابولوی و علاقمندی شان به سپورت به این پروگرام خواهند کرد.

دگروال بوگ که بتاریخ اول سپتامبر از ۱۴ وسکای لاب ۴ هر کدام برای مدعیون دد انتخاب گردیدند. اطراف فعالیت هایشان و تجربیاتیکه کسب نموده بودند روشنی اکنندند.

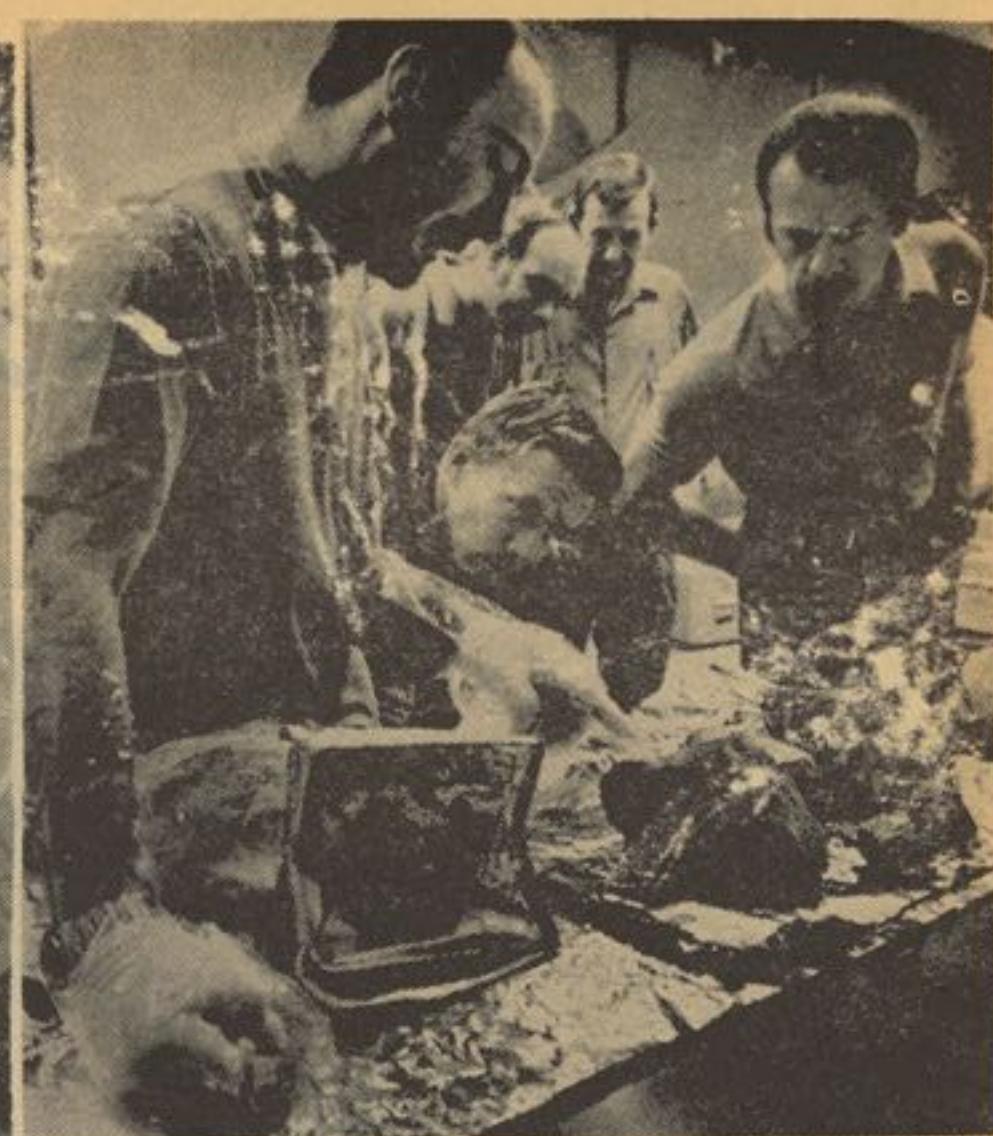
دگروال سپورت روزا گفت: ماتبا به کشور ایالات متحده امریکا تعلق نداریم بلکه

ما بروط به تمام جهان هستیم. دگروال بوگ گفت: من فکر میکنم هارکوبیلو و عکس هایی را که توسط سکای لاب از افغانستان ونیبال اخذ گردیده بعرض نمایش کاری بزرگتری از ما انجام داده است. متنها ماقسمت های بیشتر زمین را مورد مطالعه قرار داده ایم. مطالعاتیکه نمیتوان آنرا از سطح زمین انجام داد.

پس از ختم کنفرانس و نمایش فلم های دادند.

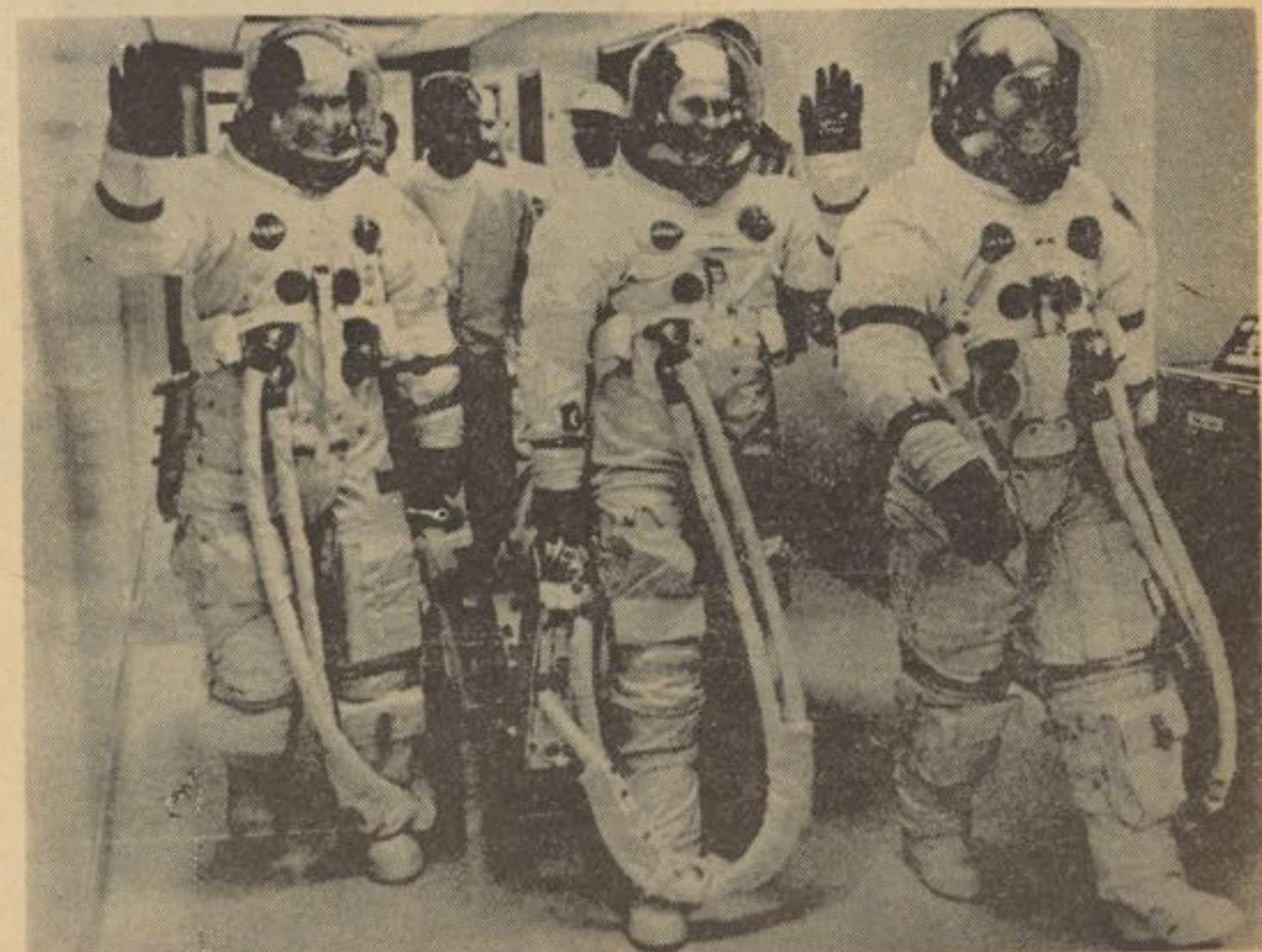
ازابولو ۱۴ وسکای لاب ۴ دگروال روزا و هشت تن از اعضا کمیته سپورت های دگروال بوگ به سوالات یک عدد از مدعیون یک انصری و تاجر میباشد درین سفارت جواب گفتند.

متغابا دگروال روزا و بوگ در کنفرانس با کیهان نوردان همراه بود. کمیته وسائل اعلام مطبوعاتی اشتراک نموده و به سوالات نمایندگان سبورتی رابه تیم های مختلف و مداربای مردم روزنامه ها، مجلات و رادیو افغانستان جواب



کیهان نوردان ابولوی ۱۶، الن شیرد ستوارت روزا و ادگر میجل حینکیه در مجلس درفوتو بیلوت محفظه فومانده ابولوی؛ ستوارت روزا با ادال اپولو در پس منظر نمایندگان براهمون سفرشان در فضای معلومات میدعند.

بعربوی امتحانی قبل از اینکه کیهان نوردگردد دست آورد .  
عضو انجمان تحقیقاتی امریکا میباشد. در سال برای اینکه از نگاه فریبکی سالم بماند راسکار و ماهیگیری تشکیل میدهد .  
خانم دکروال روزا با شوهرش درین سال میگردید .  
مسافرت همراه بود .  
کمیته سپورت مردم بودم برای نخستین  
بار در سال ۱۹۵۶ توسط ایزنبراور رئیس  
جمهور وقت اساس گذاشتند شد. مقصد از  
تأسیس کمیته آنست تاساکنی امریکا تلاش  
های حکومت را برای توسعه تفاهم و دوستی  
بین ایالات متحده امریکا و مردم دیگر نقاط  
جهان امکان بدیر سازند. از راه تاسیس  
موسسات سپورتی پروگرام های این کمیته  
روی پیشرفت سپورت عالمی غافل شده است.  
این کمیته مسؤولیت ارسال هیات عاراده  
خارج جبهت شمولیت در سپورت عالی از قبیل:  
باسکتبال، فتبال، تنس، آب بازی، بوکس تک  
هاکی وغیره به عهده دارد .  
این تروپ همچنان اهدای وسائل و سامان  
سپورتی را که از راه شرکت های امریکایی  
به گروه های جوانان در خارج صورت میگیرد  
تشویق مینماید. و در حدود هزاران بسته های  
سپورتی را به بیشتر از ۴۰ مملکت از راه پروگرام  
اهدای وسائل سپورتی توزیع نموده است .



کیهان نوردان حینکه جانب اسیانه فضایی خود روانند و با مردم زمین خداحافظی میکنند تا بطرف ماه بروند.

صاحبہ کنندہ: احمد غوث زلمی

عکس ها: نجیب آمند

# نوشین آواز خوان تازه در آسمان هندو

دانستم . اهسته آهنتک های مکملی در تیپی نسبت کردند، بعداً آنرا بدقش شنیدند و اویین آهنتک را که (به توای فرشته) شعر را با خود زمزمه میکرد و در مطلع های خانوادگی و مراتسویق نمودند و برایم کف زدند تا یعنی که من نام دارد و شعر آن از طبوری و آهنتک از استراک میتمودم روزی آواز دادریک مطلع در برج تور امسال به رادیو مراجعت کردم بدرم است نسبت نمودم و تا حال ینچه پارچه آوازش شباهت بسیار به مهوش دارد.



\* نوشین میخواهد در بیلوی آواز خوانی ستاره سینما شود.

## معرفی شویم

نامش نوشین سور انگلیز است، و تازه در آستانه شانزدهمین بهار زندگی کش قدم نمیاده، در صنف هشتم لیسه‌آمده فدوی درس میخواند و سخت علاقمند به هنر موسیقی و آواز خوانی است .

نوشین در یکی از بروگرامهای مسابقات ذهنی رادیو افغانستان کنسرتی اجرا نمود، و فردای آن نامش سرزبانی افتاد . بخطاب اینکه آواز گرم و پر تموجی دارد و برخوردار از نارگست هاست که احساس ترغیب کننده رادر وجود آدم بیدار مکنند . آوازش شبیه مهوش است . مهوش که هم اکنون در اوج شهرت قرار دارد و شاید هم بینین سبب نوشین توجه همه را بخود جلب کرده است .

روی همین انگلیز که آواز نوشین را یکنده از مردم مخصوصاً جوانان یستدیده اندخواستم با نوشین صاحبہ ای انجام دهیم تا این چهاره جدید هنری را خوانندگان مایشتر بشناسند و با نظریان و طرز کارش آشنایی بیشتر حاصل بدارند .

وقتی با ای صحبت نوشین می‌نشینیم بنی تعارف و بدون تشریفات معمول سوالات را مطرح میکنم چون اوییز دختری بنی تکلف و خود مانی به نظر میرسد.

از او می‌پرسم :

- چه مدت می‌شود که به آواز خوانی پرداخته ای و هم یکوکه تا حال چند پارچه آهنتک در آرشیف رادیو داری؟ نوشین که دختر معبد و آرام ولی کمی جدی به نظر میرسد . بلافضله میگوید : من در یک معیطه هنری بزرگ شده‌ام، بدرم و مادرم خود از هنرمندان کشور عستند، موقعیکه بدرم در رادیو آهنتگی‌های می‌خواند، من درخانه آنها را زمزمه میکرم، آنوقت در حدود پنج باشش سال

- به آواز گدام یک از هنرمندان ما علاوه  
- پیش آمد کارکنان رادیو مقابله چکونه  
داری؟ خنده ده رو بطرف پدر خود میکند و  
میگوید: کدامش را بگویم، مداخله نموده میگویم،  
- خیلی عالی، خصوصاً از همکاری مدیریت  
هر گدام را که خودت می پسندی، فکر میکنم  
پدرت در اینباره بیطرف باشد همینطور نیست،  
- وقتیکه آوازت را باراول ازورای امواج  
رادیو شنیدی چه احساس کردی؟  
- خیلی خوشحال بودم، از خوشی در پیوست  
نه گنجیدم، حتی باورم نمیشد که این آواز  
از من باشد. آنوقت فرمیدم که میتوانم همکار  
خوبی برای رادیو کشودم باشم.  
- آخرین آهنگ را که در رادیو تبت کرده ای  
گدام است؟  
- آخرین آهنگم، (منکه از غصه به جان  
آمدام، بازپرس) نام دارد و آهنگ آرامش روز  
ترتیب نموده است که در همین نزدیکی ها  
آنرا خوانده ام.  
- از جمله آهنگها کدام را بیشتر  
می پسندی؟  
- همه آنها داشتم دارم و فرقی بین شان  
قابل شده نمیتوانم.  
- از جمله آهنگها کدام را بیشتر  
می پرسم - استاد دراینراه گیست ...  
حرف راتمام نکرده ام که فوراً میگوید: ذوقم  
استادم است، میگویم: خیلی خوب، مشوقی  
هم دراینراه داری باشکه مشوق هم خودت...  
بلی، همان کیفیت خاصی که در موسیقی  
که همه مدعیون از شنیدن آن بیزار شده  
بودند و نمیخواستند دگر اضافه نر از آن  
شنوند.  
- چرا، میتوانید علتش را توضیح کنید؟  
- بله، همان کیفیت خاصی که در موسیقی  
وجود دارد، شنونده نمیتواند، آنرا بصورت  
قدم اول مادرم و بعداً پدرم و دیگر افسارب  
ام باز هم تعداد انکشاف شمار این گروه ها  
نژدیک هاکه به موسیقی علاقه دارند هستند.  
- شماکه فعلاً متعلم مکتب هستید، در اینده  
در پیلوی این هنرستان میخواهیدچه و شنیده اینها  
بالایش حساب کرد، به شرطیکه افراد را در  
خواندن های بیگانه به سرحدان نرسانند...  
و سمرده سمرده میگوید:  
- میخواهم تنها و تنها رشته موسیقی را در  
اینده دنبال نمایم و تحصیلات عالی تری درین  
رشته داشته باشم.  
- حالا ازت میخواهم تانظرت را در باره  
موسیقی افغانی بگویی؟  
- موسیقی افغانی که مورد پسند همه  
هنرستان مخصوصاً خارجیان است، فکر  
میکنم، خوانندگان فعلی بطور شاید و باید  
نمیتوانند آنرا انکشاف دهند و در پیروزش  
آن بگوشنند.  
- چرا؟ - ازسبی که یک تعداد از خوانندگان  
های ماتوجه بیشتری به موسیقی دیگران دارند  
نمیخواهند خودمان.  
- بس برای بیشتر و انکشاف بهتر آن  
چه عقیده داری؟  
- والله، تاجاییکه عقل من قدمیده، باید  
اوای خوانان ماموسیقی اصلی افغانی راهیشه  
و در هر چاکه اوای میخوانند، بسرايند و در  
انکشاف بیشتر آن سهیم بگیرند. آهنگها ری  
محلى را که زاده همین مرزویوم است، آنرا  
کمیوز نموده در رادیو، محاذل و مجالس  
خوانند، ضمناً به نظر من مکتب های موسیقی  
و ناسیس انسنتوت های آوازخوان نیز نمیتوانند  
دراینرا کمک های شایانی نهاید.  
لطفاً ورق بزنید.



دختران باید دنبال مود برستی هارا گذاشته درین تحصیل علم و دانش باشند.

بنده توین درباره موقف زن در اجتماع چنین نظر دارد:  
زن سازنده اجتماع است، باید به مقامش احترام ناچیل شد و آنرا ارزشمند شمرد.

- به نشرات کشور علاقه میگیری؟  
 - بله رادیو را خصوصاً بروگرام های از هرچند سمعنی، زمزمه های شب هنگام، کودنی زوند و رادیویی مجله رامی شنوم. بعضی از روزنامه ها و مجلات و از جمله مجله زوندون را میخوانم.

- هنکه از شما قبلاً یرسیدم که در خانه چه مصروفیت دارید، و شما هم جوابم را دادید، امادر جواب تان تکفیر که رادیویی شنودید یا مجله میخوانید، پس کدام وقت را بدست گرفتی با اینها تخصیص داده اید؟

- میگوید: غفو میخواهم اگر در جوابم ذکر نکردم، اما من راست میگویم.

- جراحتی از آواز خوانان هازود مشهور میشوند و همانقدر هم زود از شیرت من استند؟

- کمی امام کرده، بالاخره روی طرف بدرخود میکند، فکر میکنم از او مشهوره میخواهد اماده باره بطریق دیده میگوید: فقط یك چمنه میگویم و شما هم آنرا بتویسید...

- بسیار خوب!

- بنویسید که، ذخیره هنری یا بهتر بگوییم، اندوخته هنری اینسته کم میباشد و نهیتوانند ذخیره هنری خود را بالا برند و ماجه خوب یك ضرب المثلی داریم که میگویند: (چانته خالی میشود). فکر میکنم همین ضرب المثل، جواب سوالتان را حل کرده باشد!

- میگوییم فقط من نظر تانرا خواستم، شما عذر حجّه که بگوید هیتویسم، می پرسم.

- تا حال چند کنسرت انجام داده ای؟

- فقط یك کنسرت آنهم بناینحو رادیو افغانستان در یکی از مسابقه های ذهنی رادیو در تالار کابل نتداری.

دراخیر از نوشن میخواهم تا اگر بیامس برای خوانندگان عزیز مجله زوندون و علاقمندان اوازش داشته باشد، بگوید تا آنرا نیز نشر کنیم.

... و اینطورا ظهار نظر مینماید: ازینکه چندبارچه محدود مرآ شنوند گسان رادیو افغانستان استقبال نیکی نمودند و همیشه توسط

تلفون و مکاتیب مرآ تشویق نموده و هم نهایند یک عالم شکر نموده واژ ینكه خوانندگان سازنده اجتماع، پس گفته میتوانم که زن سازنده اجتماع است، باید به مقام احترام بدرس جیزی بگوید که حرف یک خود را گرفته نمود و آنرا ارزشمند شمرد. من در حالیکه جواب میدهد: درخانه به تدبیر هنری میبردازم و همراه هادرم در کار های خانه گذاشتیم. به این سال انتخار میکنم. امیدوارم همیشه زنان و دختران ماهصدۀ خدمات نیکی به جامعه دعم درس های مکتب و کار های خانگی را که واجتماع و کشور مانسوند تا این خاک مانند به مأموریّه میدهند انجام میدهم در خلا ل بیکاری موسیقی من شنوم و موسیقی مشتق نشان میدهد و می نهایند که زن سازنده است، زن سازنده فامیل است و فامیل و خانه سوده گند.

نوشین خواننده خوب آواز علاقه دارد در بلوی هنر موسیقی ستاره سینما باشد.



- از سال زن یاداوری گردید، لطفاً در بیماره سازنده اجتماع، پس گفته میتوانم که زن سازنده اجتماع است، باید به مقام احترام کمی بیشتر صحبت کنید.

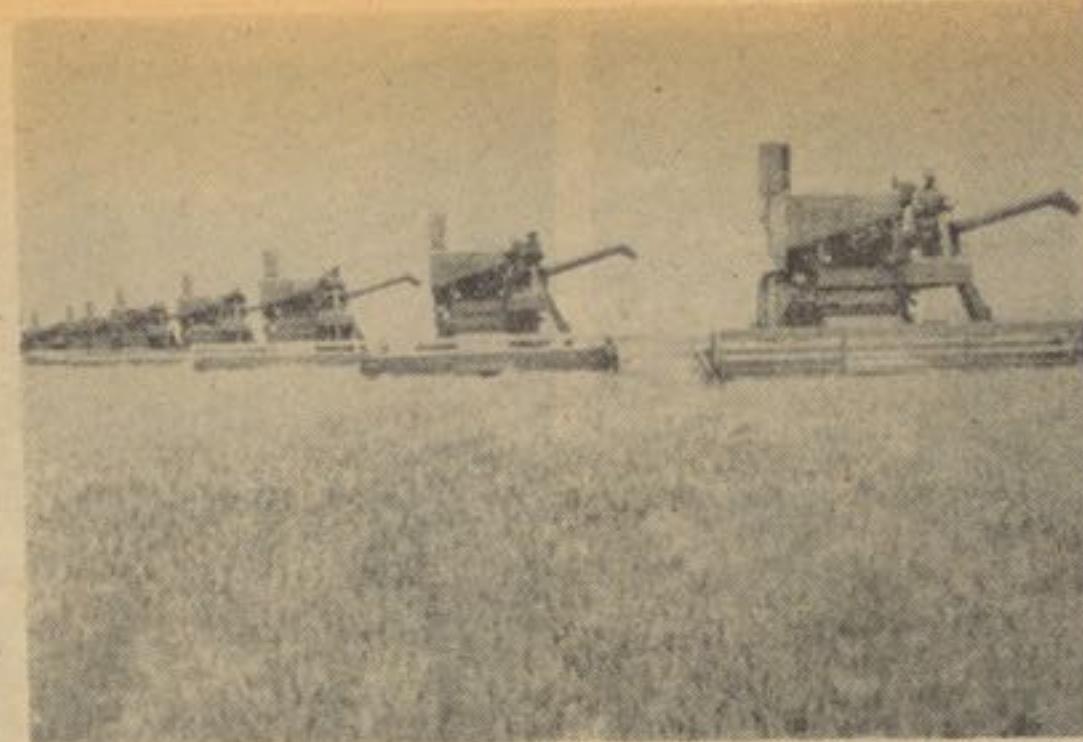
- سال زن که امسال تجلیل میشود، از انتخارات تمام زنها در سراسر دنیاست، چه همین تجلیل از مقام موقف آنرا در اجتماع نشان میدهد و می نهایند که زن سازنده است، زن سازنده فامیل است و فامیل و خانه سوده گند.

این حقیقت واضح گردید که افزایش نفوس در نخستین مرحله، تنها یک برآبلم بیو لو زیکی نبوده بلکه حاصل عوامل متعددی چون اقتصادی، کلتوری، اجتماعی و سیاسی نیز می باشد که تا حال کمتر زیر تأثیر انسان آمده است. بین عرضه و تقاضاً مواد غذائی در مالک رو به اکشاف خلای بزرگی وجود دارد، مردمان این جهان با بحالت کمبود غذا و گرسنگی بسیار می برنند و یا اینکه حوايج شانرا بوسیله واژدات تکافو می بخشند.

اگر تعداد نفوس و رشد نفوس در این جهان طوریکه بیش بینی می گردد، افزایش یابد، ضرورت تولید مواد غذائی مالک رو به اکشاف از ۲۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۰ به ۱۱۲ میلیون تن در سال ۲۰۰۰ بلند خواهد رفت و ارزش بولی این مقدار از ۲۵ میلیون دالر به ۱۸ میلیون دالر بلند خواهد رفت. مالک رو به اکشاف از دو تاچیه به تو زید مباردت میورزند: واردات تجاری و کمک های غذائی چون مالک رو به اکشاف از نگاه ذخیره اسعاری مشکلات دچارند و نمی توانند نیاز مندیهای غذائی شانرا از راه واردات تجاری مر فوج بسا زند. کمک های مواد غذائی خیلی ناچیل بوده و کمکهای مذکور بمقایسه امداد های تختنیکی و سر ماپیوی برای کشور های روبه اکشاف زیان های اقتصادی بار می آورد.

مگر مهمترین نقش کشور های پیشرفته در مو رد حل معضله گرسنگی جهان اینست که حجم کمک های تختنیکی و سر ماپیوی را برای کشور های که برو گرام های بلان گذاری فاصلی را روی دست دارند، افزایش بد هند و تحقیقات و مطالعات شانرا در رشته های دیموگرافیک، بیولوژی ولادی و سو سیو کلتوری وسعت بخشند و صرف حقایق و دبت هارا بدسترس کشور هارو به اکشاف بگذارند و لی تباید در زمینه فشاری وارد نمایند.

مالک رو به اکشاف باید مبارزه علیه گرسنگی را تکشاف بد هند و در بی طرح برو گرام های بلان خانواده باشند و هر کشور بالانهای ملی را در این ساخته طرح و تطبیق نمایند وهم انقلاب سبز را تقویت بقیه در صفحه ۵۱



اضافه تولید در جهان صنعتی و گرسنگی در جهان سوم:

## بحروان گرسنگی

بصورت سر سام آور بلند میرود و نیمی از نفوس جهان یا از مواد غذائی کافی محروم اند یا به سوء تغذیه و کمبود آن دچارند. نفوس جهان رو به اکشاف اکثرآ در تلاش معاش و در جستجوی غذای لازم برای ادامه حیات بسر میبرند مگر این نفو س بیو سته خسته، ضعیف، دستخوش هریضی ها و اسیر این دور و تسلسل هستند که ضعف جسمانی آنها هم رشد از همین سوء تغذیه، کمبود و قلت آن بوده و باعث کا هش سطوح مولدیت کار از حد متوسط میباشند. سوء تغذیه، کمبود و نا کافی بودن مواد غذائی عدهای زیادی از کود کان را تا ۱۲ سالگی بکام مرگ می کشاند و آنده که از این مرحله جان بدر می بردند اکثرها به کتدی رشد جسمانی یا عقلانی یا هردو دچار میشوند اگر با به رشد گرسنگان بهمین سطح دوام داشته باشد در سال ۱۹۸۵ تعداد گرسنگان در جهان به ۷۵۰ میلیون خواهد رسید. نظر به تحقیقات سازمان ملل متحده در سال ۷۵ تا ۸۰ میلیون نفر یعنی روزانه ۴۰۰۰۰۰ نفر بر نفوس جهان افزوده میشود و در سال ۲۰۰۷ بصورت مجموعی در سیاره ما ۷۷ میلیارد انسان زندگی خواهد داشت که همه آنها باید برای خود غذا تهیه بدانند در ختم کنفرانس جهانی نفوس در اگست سال ۱۹۷۴ در بخا رست

میزان قلت و ذخیره مواد غذا ثی از بیان چنگ جهانی دوم به بعد هر گز مانند سالهای ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ نبوده است.

مازاد مواد غذائی که در خزان سال ۱۹۷۴ ذخیره شده بود صرف حوايج ۲۶ روز نفوس جهان را کفایت میکرد در حالیکه ذخیره جبو بات سال ۱۹۷۲ در حدود ۶۶ روز و ذخیره سال ۱۹۶۲ تقریباً برای ۸۸ روز نفوس جهان کافی بود. در عرصه جهان قیمت مواد غذائی



شیوه تولید کهنه در جهان سوم سطح تولید را پائین میاورد.



# سوزهین بهترین گل گلاب جهان

## کشور یکه عایدات ملی خود را از تور بزم بدست می‌آورد

### بهترین مملکت توریستی

### جمهوریت مردم بلغاریا

سواحل زیبای دانوب در شمال، بندر فعال بقایه تعمیر پند و انبار افتاد. بلغاریا یکانه کش و آتابی اروپاست وارنا در بعیره زیبای اسود، و شهر بورگاس از این رو دولت کوشید تا فیصلی مذکور را به که در ضمن از شهر های تاریخی و اماکن دیدنی بیمانه بیشتری بلند ببرد در ۱۹۵۳ بیمانه محسوب می‌شوند منائر زیبای طبیعی بلغاریا محسوب می‌شوند منائر زیبای طبیعی زراعتی تماماً زارعین کشود و با تاسیس ذخایر در دامنه کارپات و رودوب، مرکز تاریخیان و غلبه هفتی رسیدگی باعلاف مسلمین، عقد و طلاق می‌باشد. اداره هفتی دروست شیر صوفیه تابستانی در سواحل دریای سیاه، بالکا و قوریه آبی هدایت نمود تایرانی زمین های خویش در عمارت ۴ طبقه‌ای می‌باشد. این دنیس روحانی های گلاب درودی هر ترا، چشم های آب معدنی ذخایر آبی تاسیس کنند از این رو در قسمت و سنا توریم های طبی عده دیدنی و قابل اول سال مذکور ۱۲۲۲ بند و ذخایر آبی ساخته شد که در اثر آن ۳۰۴۶۰ هکتار ساحه را تحت استفاده اند.

آبیاری قرار دادند تا آنکه در سالهای اخیر در ۱۹۳۹ بلغاریا یکی از جمله کشور های ۲۵ در سطح آبیاری جنوبی محسوب می‌شود که ساحه زراعتی کشور را تحت آبیاری قرارداد. در پیلوی آبیاری موضوع کوئیز مرد بحث بود و دولت مجبور شد تا فابریکات کوئیمیا اوی را تاسیس و احتياجات دهائین را رفع کند با این اساس تولیدات کوئیمیا اوی ۱۷۰ کیلو گرام در هر هکتار ازه ر هکتار آن به ۱۳۱ خرمن بالغ می‌شود در نتیجه سوسیالیستی زمین های زراعتی به تفاسیات کوچکتری در آمده و به عنوانی در اتحادیه حاصلاتی ۱۵۱ شرکتی دولتی ۸۶۶ یادگاری از دوران سلطه ای اتریشی ها و درآمد که ساحه هر اتحادیه تولیدی بطور اوسط ازه ر آن سر زمین است با مساجد یا درآمد که ساحه هر اتحادیه تولیدی بطور اوسط ازه ر آن میدان معروف (استقلال) از بپریس به ۳۹۰۰ هکتار و حاصلات آن ازه هکتار به ۳۰ خرمن ارتقاء یافت تا آنکه دولت بلغاریا اکادمی زراعتی تاسیس و در پیلوی آن جهت کارهای علمی (۲۶) استیتوت و ۲۶ استیشن

بلغاریا یکی از کشور های جمهوری اروپایی است که در جنوب جزیره بالقان کنار بحیره عالی اسلامی و بپریس ارکتیک می‌باشد تمام سیاه موقعیت دارد و با جمهوریت های رومانی ترکیه اروپایی، یونان و یوگوسلاوی اهمیت حداست از شهر های بزرگ و معروف آن باواندیف، وارنا روزی و سیلون می‌باشد. زبان رسمی این کشور بلغاریایی و بول رایج آن (لو) مساوی بحد استوتیک می‌شود. هشتاد و پنج فیصد اهالی این کشور دا بلغاریایی، ۶۶ فیصد راترک، ۶۲ فیصد راسکین و ۶۲ فیصد متفاوت را سیدونها تشکیل میدهد. قسمت اعظم نقوس بلغاریا در زیارت ۴۳۲۴ فیصد مشغول اند منجمله ۶۶۲۷ فیصد در صنایع ۳۷ در ساختمانی و ۲۰ در ترانسپورت اشتغال دارند و در حدود ۴۵ درصد مردم در شیر ها حیات بسر می‌برند. روز ملی این جمهوریت سوسیالیستی ۹ دسامبر که روز آزادی کشور مذکور بوده واژ ۱۹۴۴ باین طرف هزار اعیان می‌باشد. صوفیه پایتخت و بزرگترین شهر مملکت و استامبول مه م خط آهن اوریانت اکسپرس بوده اهمیت حربی نیز دارد. بر علاوه صوفیه مرکز مسلمین بلغاریا بوده دارای مساجد عالی نقاط دیدنی صوفیه محسوب می‌گردند.

مهماز و یاتوریست در میان گلها مقبول گلاب  
خود را محظوظ می‌باید.

گندم، جواری و گل آفتاب بروست قسمت  
شمالی بلغاریارادر برگرفته است باگان ،  
کردهای سبزیجات و تاک بالغها در قسمت های  
مرکزی پنهان و تباکو در جنوب کشور آفتابی  
کشت میشود . از مهمترین تولیدات زراعی  
این کشت میتوان گندم، جواری، چو، ارزن،  
تباقو، بلبلو و کچالورانام بردگه گندم، جواری  
و بلبلو در مقام اول قرار دارند .

کباب و سلات بادنجان با مرچ سرخ تراشه  
از غذای درجه یک و عمومی بلغاریا بشماره شده  
در هتل و رستوران و حتی در کنار جاده ها  
بیاده روها و پارکها بکثرت دیده میشود .

خوردن چنین خوراکه آرزوی هر سیاح و  
مسافر است در پیلوی این خوراکه سب  
انکور، ناک و شفتالو از میوه های واخر و خاص  
بلغاریا میباشد .

بلغاریایی ها نسبت بکوشت و خوراکه باب  
گوشتی، سبزیجات و میوه ها را ترجیح میدهند  
هر بلغاریایی مخصوصاً بروز های یکشنبه  
صبح بخیریاری سبزیجات و میوه ها  
میبردازند که اکثر در هارکیت و یا همندوی که  
روز بازار شان همین روز میباشد صورت  
میگیرد این خریداری در پیلوی عبادت (کلیسا)  
خاص گلها گذاشته شده که بینند را محو  
جمال و عطر خود میسازد . رستوران و هوتل  
(پیلوی) که از بهترین هوتل های این کشور  
محسوب میشود در دیوار آن با انواع (بیش  
از ۱۰۰ نوع) یته های گلاب یوشیده شده  
بقیه در صفحه ۲۴



#### صحنه اوپرای معروف صوفیه بنام ویدا

کشور فوق العاده بلند بوده شده بهترین  
نوع غله جات اصلاح شده و نسل حیوانات  
تحت تربیه گرفته شده است .

بلغاریا یکانه کشور گلاب و هرسن بوده که  
انواع و اقسام مختلف آن در سراسر کشور  
میباشد در هتلز، باخ یا پارک بلغاریا  
گلاب یکانه گل زیست آن بشمار میسرود و  
گذشته از همه گلاب در اسلام صادراتی بلغاریا را  
مهمی را بازی کرده بازار های اروپا از گلها

مقبول و رنگارنگ بلغاریا مملو و بقیمت خوبی  
پیروزی میرسد . مردم این کشور آنقدر مهارت

و طرقی از خود در نسل این گل بکار بوده اند که

میتوان در یک بته آن چندین رنگ از گلاب

را یافت و یا یکه گل برگهای دورنگه ای را در

یک گل سراغ کرد از قبیل زرد - سرخ - سفید

سرخ و غیره عطر گلاب از صنایع خوب بلغاریا

محسوب میگردد وادی هرتزایگانه محل غشی

این گل میباشد .

یکانه تحفه جوانان، مراسم مذهبی، اجتماعی

و عنعنی بلغاریا همین گل زیبا و مقبول است .

یک عدد گل گلاب سرخ بهترین تحفه اهالی

این سرزمین بشمار میرود نباید فراموش

گردد که بمجرد ورود درین کشور اولتر از همه

بدوکان گل فروشی شفاته چند عدد گلاب را

بدست آورده تا به محل مطلوب آنرا هدیه

گرد . یک گل گلاب بزرگترین امور را در ادارات

هوتلها، بالکنها و هوسات تجاری سهل و

بوچه حسته اجرا میدارد . تقدیم گل سرخی

از گلاب بدوشیزه جوانی آنقدر وی را مسروز

میسازد که میباشد قصری از همه برایش بشنا

گردد باشیم . اهالی بر علاوه وظایف ای که دارند

بیشتر شغل شان را در منازل، احاطه دوایر،

های تعبیری بکار انداخته شد تاسطح تولیدات  
زراعی کشور به بیمانه خوبی بلندبرده شود  
و در حدود ۵۰ هزار تنخیکر و کارگران زراعی  
بکار و فعالیت آغاز کردند تا تولیدات زراعی  
بلند بوده شود، جنسیت گندم و جواری عالی  
گردد که ۹۵ فیصد ساحه زراعی بلغاریا را  
دوغله مذکور احتوای نکند و نسبت به ۳۵ سال  
قبل در اثر طرق جدید زراعی و استفاده از  
کودکیمایی و لالات زراعی تولیدات زراعی



یکانه تحفه جوانان بلغاریا در مراسم مذهبی و اجتماعی گل عای زیبا و مقبول است .



بادگار هیروستو بوتف شاعر و مجاهد انقلاب

بلغاریا در شهر و داشا

شماره ۳۰

داوبو دله نظره تيراوه نو داور ته  
تابته شوه چه ددغۇ ېولو گدو چىسو  
او نا آرامىيۇ يوازىنى علتىد «پىرسو»  
مېننى ور ته پىدا كىرىدى نو پە ھەمدە  
احساس ياندى يى دىستەر گونە خسۇ  
خاخىكى او بىنكى راتو يى شۇي ، او  
(سوپى) يىداسى حال كى چەپە گوتە  
بە يى پاكولى نودى ملاامتى يە لەھەجە يە  
يى خانتە ويل :

— پنهانه نور به دا کافی وی او سترگی په داره مارانو و نېښتلی په که چیری دغی وضعی ته دوام ورکړي ویره کې شوه، نهه وهیده چه خه نود لیاري په منځکی به دېکر، او وکړي او چانه اطلاع ور کړي خه تصادف سره هم مخامنځ شی باید په چه تقدیر ور ته لیکلی و تدبیر ور ته نه ياد بی ولري چه تهدخو ور خود خصتی جوړیده ددد موږ یه ډیری سختی ایرولو دپاره دکور نه راو تلى بی، سره داره مارانو چالان کړ او ده ګه کوره چه خومره پنکلی ورخی ور ته خای نه ووتل دوه ته نور چه خپل په انتظار کې وی زیار وباسه چه په موږ ته پاتی شوی وو دسوی خنک بی خایه فکرونو بی له لاسه ور نه ته ورغلل اوورته بی وویل : کړي، ته باید دلوی خدای «ج» شکر — او س ددی خای دی چه ناسی هم دا کړي چه دی تهدی پامشویدی چه مهربانی وکړي او زموږ موږ ته کلې، دی چیری اینې بی ده که چیري ته راو خټۍ :

دایره پوزی تهه واحتم .  
موتیر ودر اووه اود موتیر نه پلی شوه . او موتیر چلاوه ؟  
سالون ته نتوتله . دسالون تولی خواوی  
تیماره کی او مطلقی خا مو شی سره  
نجلی بهوی خوبی دخه او خنگه نه بی  
خامنخ وی سو فی بی له دی چه  
خپل موتیر ته حرکت وزر کپیدی . له  
جراغونه رو بشانه کپری د خپل کار  
دغه خبر و روسنه بی ور ته دتپیک  
خونی ته چه دسالون به غایره بر ته وه  
خوله و نیوله او ورته و بی ویل :  
وانه شوه او کله چه دخپل کار دمیز  
- دخپرو وخت در ته ندی پاتی  
فورا حرکت و کره او که ددغه امر سره  
نه خنگ کی و دریده نو و بی لید ل  
چه کلی هم غسی دمیز په سر اینسی  
مخالفت لری نو بیرینده چه مو نیز  
، کلی ، بی دمیز دسر نه را پور ته  
خپله نقشه عملی کرو .

لره اود خپل سفر لیاره يسی، سوفی يه آرامی سره خپل مو تر ته  
نیو له .  
ددی دنگ راتک مو ضوع دومره،  
خت نهۇنیو لى او داچە كلى يى يەلن  
يداکرى وەچىرە خو شا لە معلومىدله  
خت كى بى دكۆمى سر گىدانى ته  
راوتلو پە حال كى يى خپل ئاظنر  
يامغازى ته واچاوه ېول شىيان ور ته  
رتب او منظم معلومىدلى خو كلە چە  
كلى پە گوتە باندى خر خو لەپە  
خایى تو گە پە دروازە كى ودرىدە  
بە واپى چە يوغىبى حركت د پېشىو  
غورزو لى وي اوئور ور ته دسقە  
كە بىم ورسىء ناسىتە ور تە با :

عورزو سی وی او تور ور و دسفر  
لی بی ورسره فاستو ورنهوویل:  
جازه ور نه کپری . که خه هم ددی  
— ته باید دگر ندی حر کت بهخای  
دلی هلى خلی او میل لدی املهوچه  
دورو حر کت خخه کارواخلی دا خکه  
سفرته ملا وتری او خوشبی ور خی  
که چیری به گر ندی تو گه لیاره ووهی  
خبلی کرو نده کی تیری کپری .

## دہینی سو گات

یو پولیسی داستان دسرورزی ڙپاره

سونه اوس ور نه بهوی منو جهشتوی سو فی پو هید له که چیری ددوی  
او کله چه هفه هدف ته رسید لی امر پرخای نه کپری نوبنایی چه دمر ک  
وی او بیا پوهیدلی وی چه کلی دی له په لوری روانه شی په چیری وارخطایی  
یاده و تلی ده نوخومه به داندی پشنو سره موتیر ته و ختله اودشا په سین  
کی ویرجنه کیناستله خود داره -  
مارانونه یوه وویل :  
داخو دویری نه مری! دی خنگه  
موتیر چلاوه؟  
دو هم نفر وویل، که خه هم یوه  
نجلی بهوی خوبی دخه او خنگه نه بی  
خپل موتیر نه حرکت ور کپریدی. له  
دغه خبر و روسته یی ور تهدیویک  
خوله و نیو له او ورته وی ویل :  
- دخیرو وخت در ته ندی پاتی  
فورا حرکت و کره او که دده امر سره  
مخالفت لری نوبنیده چه مو نز  
خپله نقشه عملی کرو.  
سوفی یه آرامی سره خپل مو ته  
حرکت ور که دسته کو درب سره یو  
تن یه دوو تنو تبدیل شوی و سوفی  
مجبوره وه چه دنا آشنا سیری امرو نه  
یه آسوده زره داجرا لاندی و نیسی او  
حوالی یی دوهره په خای وو، چه  
موتیر دواوری د پاکولو و سیلی یه بی  
هم پکار اچولی. سوفی په چاده زره  
لیاره و هله خود مرک اوژوبلی کوم  
خطر یی په زره کی نه گرزیده کله چه  
به سو فی خپل گرندی حرکت تهدام  
ورکاوه نو هفه داره مار چه په خنگ  
که بی ورسه ناسیته ور ته با :

سونه اوس ور نه بهوی منو جهشتوی سو فی) پداسی حال کنی که خپل دوبه ولویده خو دی کارزیات وخت  
ورخنیو چاروستیری کپری وه غو بنته به کار در لوده چه «پرتو» دی په  
بی چه دخورخو ساعتییری دباره د عمومی تو گه له یاده وباسی  
بنار نه لیری لاره شی او په عفه او با وی تری نه خپل خان را تبول  
خای کنی یو خو ور خی په آرامی غوندی کپری .  
او هوساینی سره سر نه ور سوی  
نو کور ته راغله اود خپل سفر تکو  
بیک یی برابر کپل دبرینتنا گروپونه  
بی مه کپل اود تشنا او به یی  
و تپلی تر خوددی دغیابت به وخت کی  
کوم جنجال ور ته نه وی بیداشوی  
ددی د مسافری یوازینی علت داوجه  
په خپل کور کی یوازی پاتی شوی  
و د اوددی دو سست (پرتو) په تازه  
تو گه تری نه مرور شوی و سو فی ته  
که له یوی خوا یوازی وا لی خوندنه  
ورکاوه نو له بلی خوا «پرتو» بیلتون  
و گرذی او کلی دی داپار تمان نهوا خلی  
خکه داوریه یادو چه کلی یید مغازی  
او جدایی زیاته زورولی هم وه پدغه  
راز ددوه اه خیزو مشکلاتو کی ورته  
دانبه بنگاره شوه چه بسیار پرین دی او  
خووزخی یه آرامی سره په خپل  
کروند کی زوند و کپری او که چیری  
ورته دسفر چانس نه میسر شوی  
نو نزدی وو چه د «پرتو» د بی برای  
له مخی ددی دکار تولی نقشی گلوده  
له مخی خپل زوند ته پلته ووهی او بیه  
زره شوه چه د مو تر تا نکی یی هم  
نده د که کری نود خان سره یی  
تبه وایی چه یوغیبی حرکت د پنسو  
نه غورزو لی وی اونور ور ته دسفر  
یوه اورده استراحت ته اره لرم» .  
سره بی ویل :

- زه هم لیونی غوندی یم نه دی چه خکه چه ددی یتولو فرامو شیویوازنی اجازه ور نه کمی . که خه هم ددی خان می ندی و تلی ! علت ستر یاده ) .

خو کله کله چه به دیر تو مینهور او بیا په ناخایی تو گه «برتو» ور سفرته ملا و تری او خوشبی ور خنی که چیری به گنندی تو گه لیاره و تو هم به زره شوه نوبیابه په غمونو کښی به یاد شو او گله چه یی دعفه یاد به خیلی کرونده کمی تیری کمی .

سونه یو مزاجم سپری ساتی دا موئن  
لړ زیده ، داوهه هار سپری چه د «سوفی»  
ددي مشکلاتو خوابونه وواپي او نقشه  
وضع ولیده وېي خندل او ورته يسي  
يې داوه چه کله موئر دتيلو اخیستلو  
وویل :  
کړیم .  
— لکه چه موئن درنه سادګیان  
بیکاره شو گه چیری تا خوشی کړو  
نو په دی باور لرو چه زیات اطلاعات  
به یولیسو نه ور په گونه کړي .  
— زه قول در گوم چه داسی ګاربه  
ونه کړم او زه نه پوهیم چه نامسی  
نهاد تا ته گوم خو ته هم که گوم فکر  
په اولني ټانک کښی به توقف کوي  
او زیات تیل به اخلي به دی خبره خکه  
افسوس گوم چه زه دغه راز پیشنه  
نهاد تا ته گوم خو ته هم که گوم فکر  
په سر کښی لري هغه باید دسته  
وډراوه بیا یې هم دافیصله وکړه چه  
په دی لیاره یاندی چېری عرادی نک  
وباسی کله چه ټانک نه و رسیدو  
اورانک کوي گه کوم ونې راغي نه  
«جو» به پلی شن او دتيلو نه په  
هم به تیل رانه راکړي او هم به ده غوري  
ټانکی دکه کړي خو ته به زه په  
دېرېلیو په مرسته داداره ما رانو  
خنک کښی پانی وي او دېنکته  
دزجر او تکلیف تخته خلاصه شوی یم .  
کیدلو اجازه به نه لري هیله لرم چه  
په همدغو چېریونو کښی زیاتی عرادی  
موئران یې یو خوا او بل خوا تیرېدل  
که دوی به هری عرادی نه لاسن موئن نه دمشکلاتو حبیب و ګرځی  
ورکاوه خو همقوی به دخان دویری نه  
اهید واری علامی ور په زړه شوی  
نوږی دموټر به اکسلتر پنه ورز  
ورکړه او په زیات ګپندي حرکت یې  
موئر یه کار واجاوه ، داوه هار سپری  
چه په خنک کښی ورسه ناست و  
ورته وویل :  
پانی په ۶۳ مخ کښی

کړغیر نه هوا به به نزدی وخت کښی  
دده خنک ټانک کښی درو ی نو  
دهغه خلکو نه یه مرسته غواړي چه  
دټانک به خنک کښی راټول شوی دی  
«سوفی» تانک نه ورسیدلو نه تومنځه  
په امتحانی توګه دتيلو دخلا صیدو  
خبر دوی ته ورکړ که خه هم تیل یې  
در لودل خپل موټری یه لیاره کښی  
وډراوه بیا یې هم دافیصله وکړه چه  
په دی لیاره یاندی چېری عرادی نک  
اورانک کښی چه ده دهه شوی وی په خنک  
عنه سپری چه ده موئن یې  
کښی ناست و په جیرانیا سره هورته  
وکتل بیا یې زیا ته کړه :  
— زیستیا چه دېره تابع او ټوھه  
نجلی یې .  
دېرې پنه ده ! ته به دوات به او لنى  
سر کې ودرېری تو خو زموئن یو تن  
دموقر نه یې شو خو یدی با یې  
وېو هیږی چه که گوم غیر عادی حرکت  
وکړي تویه همه خای کې بدی وینې  
تویی شوی وي . خو کله چه زموئن  
یوتن ده تو نه یېلی کېږي ته به بیا  
چېل عادی حرکت به دوامور کوي .  
دېرې سو فی دامر تابع وه خه به چه  
دوی وویل نو همغمسی به یې کول ، یوتن  
بی دوات به لمیری سرک کې یې کړو  
بیا یې خپل عادی حرکت ته دوامور کړ  
خو یدی نه یو هیډه چه دکوم سر —  
نوشت سره به مخا منځ کېږي او یا  
به دخه مقصد دیاره لیاره وهنی اوس  
نود سو فی دزړه نه دویری مخه کړي  
و ه خوزیار به یې ایست چه ته شی  
ونه کړي دیوه مناسب قر صنعت به  
انتظار ګی وه تر خو خپل خان دد غو  
مسافرو داوه هار انو دمنګلو لو نه  
خلاص کېږي داخکه چه د دی احساس  
ورته پیداشوی وو چه په نزدی وخت  
کښی به دغه فرستور ته رسیدلی  
وی ، یو خو کیلو متراه لیاره لاپاتی  
و ه او هغه یو هید له چه دغه و این دو هله  
سونه سم دموټر تیل هم پای ته  
رسیږی . تو کله چه تیل پای ته  
ورسیږی بیا به هغه وخت خیله نقشه  
دعمل لاندی نیسي .  
په خنک کښی ناست سپری چه په  
لوړ آواز به یې سندري ویلسی  
د «سوفی» اغصاب یې زیات خراب  
کړي وو او بل سپری چه دموټر شاته  
ناست و سکرت به یې خکول چه  
دموټر داخکه هوانۍ زیاته کړغیر نه  
کړي و ه باران هم یه شیبو شیبو  
اور یده خو «سوفی» فکر کاوه چه دغه



# لر دلگی امروز



داده یوست کیزید و به پارچه های حسون درآورید . این ورقه هارا در اطراف دسته گشید . دین آرا یاگرد پخته شده زینت دهد . گرده گوسفند بادنجان رومی :

مواد لازم برای هشت نفر :

یک کیلو گرده گوسفند ، نیم کیلو بادنجان رومی ، ۲۵۰ گرام ییاز ، مقداری روغن ، یک دسته خورد گشیز ، هرج ، نمک و سیر به قدر ضرورت .

طریق پخت :

بادنجان هارا نصف کرده بامرج ، نمک گشیز و سیر ریزه شده در طرف محتوی روغن داغ بریزید و سر طرف را بیندید تا بخار کند . گرده را بپست کرده و دودونیم کنید و بالای پیاز سرح شده بریزید و بکار بینید تا پخته شود . وقتی آماده شد آنرا در دیشی ریخته بادنجانهای بريان شده را اطرافش قرار دهید و ساس ویاپ بادنجان یافی مانده در دیگر را روی گرده بریزید .

گرده باچلو

مواد لازم :

یک کیلو گرده کو ساله یا گوسفند ، نیم کیلو بیاز نیم کیلو بادنجان رومی ، یک عدد هرج بزرگ شیرین ، مقداری روغن ، مقداری هم سیر ، نمک و هرج سیاه ، برجی به اندازه کافی .

طرز تهیه :

هشت عدد گرده گوسفند ، نیم کیلو کجalo، گرده هارا پس از پست کردن چار قسمت کنید . بیاز هارا را ریزه کرده در روغن برویان کنید . پیاز هارا ریزه کرده در روغن برویان نماید و گرده های خوردشده را با آن علاوه کنید و آن را تفت دهید .

بادنجان رومی را از هاشمین گوشتم کشیده با سیر میده شده ، هرج سیاه و نمک روی آن بریزید و بکار بینید بريان شود . هرج دلمه ای را پس از خم کردن حلقه های آن را بریزید و بکار بینید بريان شود . هرج دلمه ای را پس از خم کردن حلقه های آن را بریزید و بکار بینید بريان شود .

تفصیل در صفحه ۶۱



## شیک پوشی در زیاده روی نیست

کویند لباس یوشنی است برای تن و خیلی خوب و بجاست مضر و مضر بده اینکه موقع شناس و ظاهری و تجملی که هیچ ربطی به باطن و ضمیر انسانی ندارد واژه لباس و ظاهر آدمی نباید دوی آنها قضایت کرد و شخصیت و علمیت شانرا یعنیش نمود . این گفته به این معنی نیست که از آزمته بودن ظاهر لباس و پاکیزگی سر و وضع یکلی چشم یوشنیده با شکل و شما بیل زولیده و بی ریخت به انتشار ظاهر شد و یا خسی به نظافت تن و بدنه نیز نبرداخت .

بخاطر باید داشت که در اولین برخورد و قبل از آنایی با ظرفیت اشخاص ، این ظاهر و سر و وضع آنهاست که شخصیت شان را اعترض میدارد و از چکونکی کرکش شان سخن میزند .

بنابرین رسیدگی به ظاهر و مراعات نظافت امریست لازمه حیات امروزی که دهن نباید از آن خالل بود و یا آنرا سرسرا شمارد .

برای اینکه در اولین برخورد با اشخاص ذهنیت خوبی درباره خوبی درآذهان ایجاد کنیم ، قبل از همه پالیست ظاهر پاکیزه و شیک داشته باشیم چه یک ظاهر نامرتب هر قدر هم باطن زیبایی در آن شفته باشد از جیعت و وقار شخصی میکاهد .

فراموش نماید که همان اندازه اینکه ظاهر نامرتب از شخصیت آدمی میکاهد افراد قدرین اهرمیز کرکش و وقار را خورد و خمیز میسازد .

شیک یوشنی درزیاده روی و دنبال کردن کوزکورانه مود نیست .

شیک یوشنی هنر طریقی است با تکات شهاست باریک و شکننده که هرگاه این تکات بدققت و سراسر مراعات گردد علاوه بر اینکه ظاهر را مرتب و آزمته مینماید ، به شخصیت و وقار نیز هیچزاید .

آزمته و مطابق مود روز بودن دوامشیاز ازین قابل حرفها زیاد ... لکن اگر خود وقت اکثر گفته و شنیده شنده که مود و بیرونی از آن عمل شایسته و گار خانهای رسیده نیست ، زنان را شفکر گفت و فکر مود لباس اند و ازین قابل حرفها زیاد ... لکن اگر خود وقت

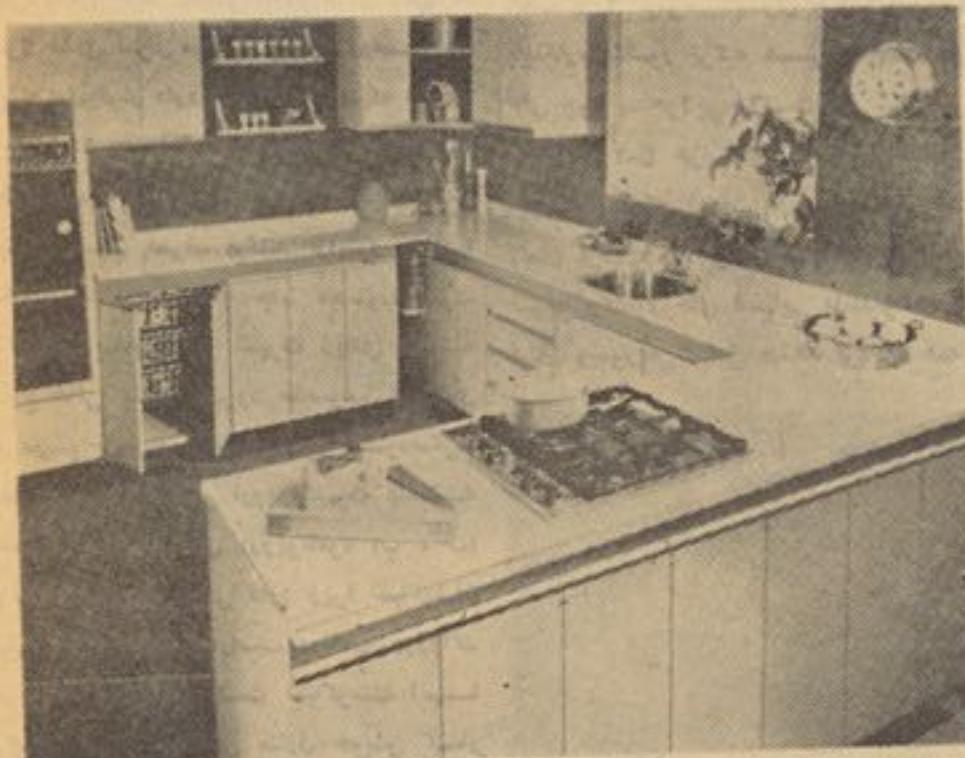
# آشپز خانه همه مه رین محل در منزل



احتساط!

## ندا نسخن گروپ خون خطر حیاتی دارد

یک آشپز خانه منظم و آرامسته نه تسبیح است دقت و توجه بسیار کنید .  
نمایانگر سلیقه و خوش ذوقی خانه خانه است  
بلکه خانه را کمک میکند تادرخین کار کمتر درنظر گیرید تا در وقت ضرورت به آن دچار مشکل و سردرگمی دچار گردد .  
منظور از آشپزخانه مدرن و منظم این نیست  
که حتماً باید سامان و لوازم مدرن و قیمتی دوکور آشپزخانه فراموش نکنید .  
۴- آشپزخانه جای خیلی حساس است .  
شما بالوازم ساده و ارزان هم میتوانید یک درین صورت نظافت و تمیز نگهداشتن آن را آشپزخانه منظم و مرتب داشته باشید . برای که شرط اول است هیچگاه از یاد نبرید .  
داشتن این چنین آشپز خانه بایست این ۵- ازبکار بردن اینکار و سلیقه خوب خود  
نکات مراعات گردد :  
۱- اشنا و لوازم ضروری آشپزخانه را در در ترتیب آشپزخانه دریغ نورزید .



یک آشپز خانه منظم و مرتب

شاپیعات کالوری در اندازی خوابیدن یکنفریکه وزنش ۶۸ کیلوگرام است در هر دقیقه ۱۵۳ کالوری تشییت گردیده است .  
درج‌دول ذیل انواع خوراکه هایها مقادیر کالوری آنها و میعاد معرف شان اشاره شده است :

	مقدار تشییت پیاده روی با ایسکل سواری آب بازی دویدن خوابیدن	خوراکه ها	شدت کالوری
۷۸	۵	۹	۱۲
۲۴۰	۱۹	۳۴	۴۶
۶۸	۴	۸	۱۱
۱۷۸	۱۲	۲۱	۲۸
۶۰	۴	۷	۱۰
۲۶۲	۱۸	۳۱	۴۳
۳۲	۲	۲	۵
۱۲۸	۹	۱۵	۲۰
۹۲	۶	۱۱	۱۵
۳۰۵	۲۰	۳۵	۴۸
۱۳۸	۹	۱۶	۲۲
۸۰	۶	۱۰	۱۳
۱۸۱	۱۲	۲۱	۲۹
۲۷۴	۱۸	۳۲	۴۳

خونش را معلوم نموده و آنرا یادداشت کنید  
و این یادداشت را همیشه با خودش در چیزی  
و یادستکول داشته باشد تا درین چنین موقع  
به داکتر کمک نموده باشد .

شناختن گروپ های خون لازمه  
حیات امروزی است  
در زندگی ماشینی امروز که حوادث و واقعات  
ناگرانی و تصادمات تراویکی روز افزون است  
هر آن بیم آن میرود که بازوبرو شدن با چنین  
یک واقعات دچار خونریزی گردیدم و احتیاج  
به گرفتن خون ییدا کنیم تا جریان کم خونی  
گردد و از خطر برهمیم .

اگر شخص گروپ خونش (آ) باشد  
میتواند بتمام گروپها خون بدد .  
افرادی که گروپ خون شان (آ - ب) باشد  
از همه گروپها خون گرفته میتوانند لیکن به  
عیچیک گروپ خون داده نمیتوانند .  
کسانی که دارای گروپ خون (آ) هیبایند  
میتوانند به همه گروپها خون بدنهشند ولی از  
عیج گروپ غیر گروپ خود نمی توانند خون  
بگیرند .  
دوین حالات عریگاه گروپ خون ممیش قبلاً  
شناخته شده باشد امکان رفع خطر به هر اثرب  
بیشتر است . ذیرا تشخیص گروپ خون وقت  
لازم دارد و از طرفی در واقعات ناگرانی و  
خونریزی شدید وقت آنقدر میل نمیدهد .  
بنابرین لازم است تا هر فردی خودش گروپ  
 فقط با گروپ خودخون داده میتواند .

دکتور جین مایر

ترجمه : الجنیر صدری

صفحه ۴۱

## سه هتلرین طریقه برای لاغر شدن

درین اوخر علمای طب به ادبیات رسانیده اند که فعالیت جسمانی و حرکات سپورتی رول خیلی حساس را در لاغر شدن جسم اشخاصیکه به هریضی زیادی وزن بیتلاند بازی میکند  
و این عقیده که میگفتند فعالیت جسمی بالای کم کردن وزن تا تیر نمایند شکل انسانی  
بغود گرفته است . انسان میتواند ذریعه فعالیت های جسمی و ادمان ، پیاده روی ، شنا  
و غیره به قدر کافی وزن بیازد .

اگر بطور اوسط یک آمر شعبه که در پشت میز دفتر نشسته ۲۴۰۰ کالوری ضرورت دارد  
و یکنفر دهان ۳۵۰۰ کالوری به مصرف رسانیده برای خانهها نظر به وظیله از ۱۶۰۰ -  
الی ۲۸۰۰ کالوری در یک روز ضروری بینداشتند میشود .  
درج‌دول آتی واضح گردیده است که در وقت خواب ، پیاده روی ، بایسکل سواری ، شنا و

غیره چه مقدار کالوری به مصرف میرسد .  
شاپیعات کالوری در اندازی بایسکل سواری یکنفریکه وزنش ۶۸ کیلوگرام است در هر  
دقیقه ۸۲۶ کالوری تشییت گردیده است .

شاپیعات کالوری در اندازی آب بازی یکنفریکه وزنش ۶۸ کیلوگرام است در هر دقیقه ۱۱۵۶ کالوری تشییت گردیده است .  
شاپیعات کالوری در اندازی دویدن یکنفریکه وزنش ۶۸ کیلوگرام است در هر دقیقه ۱۹۰۴ کالوری تشییت گردیده است .

شاپیعات کالوری در اندازی دویدن یکنفریکه وزنش ۶۸ کیلوگرام است در هر دقیقه ۱۹۰۴ کالوری تشییت گردیده است .

# سروزهاین بهترین

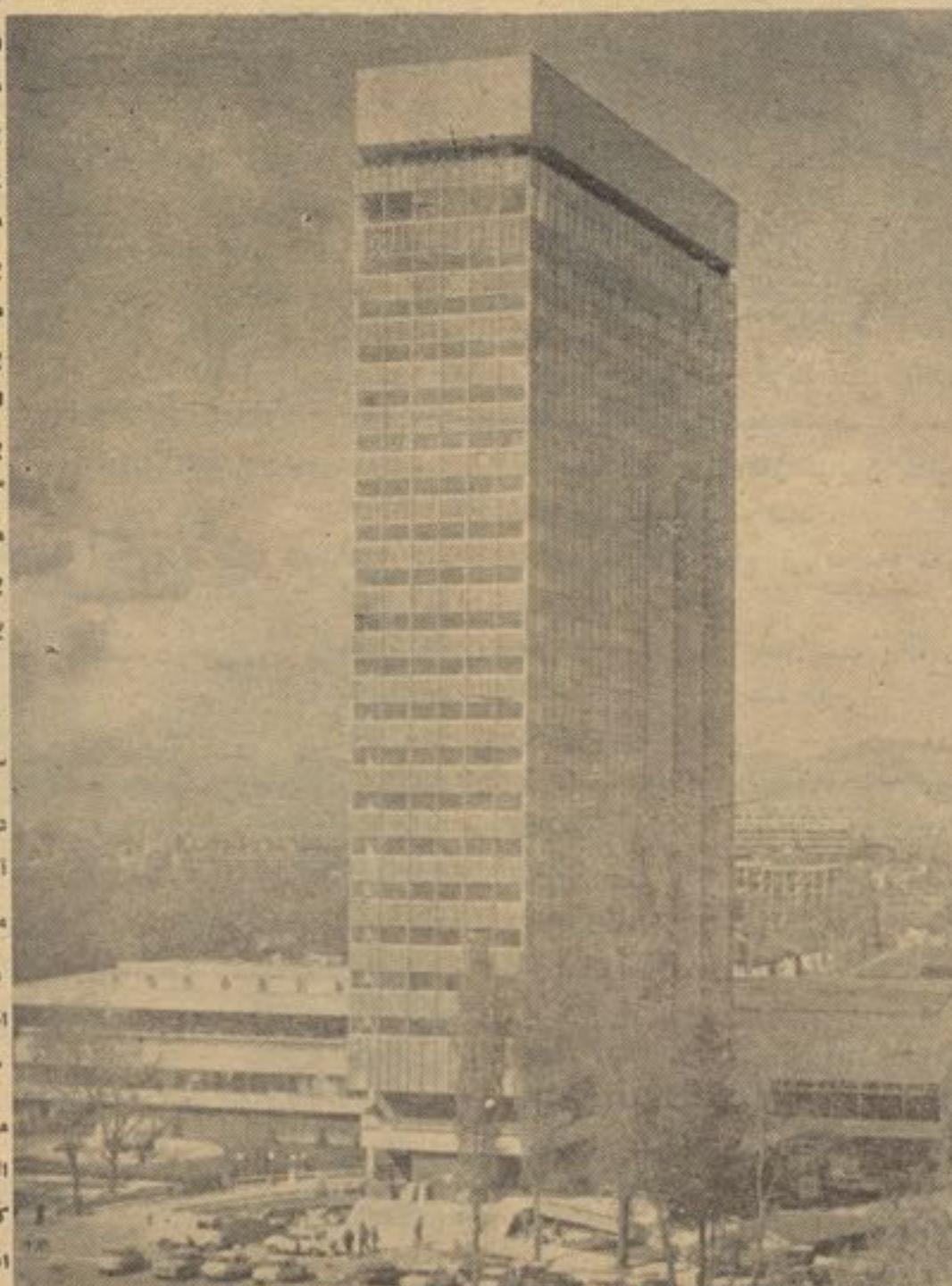
## گل و گلاب

از شهر مذکور بزرگترین هوتلهای سیاه شهر های عصری درسواحل بحیره سیاه شیر های عصری بسوی غرب و شرق عبور می کنند. و مدرن ، فروشگاه های لوکس ، با رها و دربار گینگ های این شهر به تعداد زیادی رستورانات، هوتلهای و بالاخره هنالز نشیمن موتور های خارجیان و در رستورانات عالی و طرح و بناء گرده است که از جمله عجایبات قشتگ (کارگان) ۲۴ ساعت هجوم سیاحین عصری ساخته ای این کشور حساب می شود و مسافرین دیده می شود . این شهر با انکه برعلاوه سنا توریم (وارنا) بالغات میوه مزادرع طلایی گوچک و دارای چمیت کم است ولی از خیلی گوچک و دارای چمیت کم است ولی از رهگذر زراعت، صنعت و ترانسپورت اهمیت خاص داشته توجه همه را بخود جلب کرده است .

شهر وارنا یکی از جمله شهر های تاریخی هیکنده . هفده کیلومتر از (ساحل طلایی) شهر بلغاریا بوده آثار تاریخی زیادی ازین شهر بددست آمده است که تاریخ کشور مذکور داروشن می سازد چنانچه درین اوآخر قبرزنی راکتیف کرده اند که ۵۰۰ سال قبل دفن و ازین رفتہ بودالته این دوره طویل نمایندگی از شخصیت هم زن مذکور هیکنده . زیرا همراه باوی زیورات ، طلا، نقره و هم چنین سنگها و دانه های قیمتی وسایر اشیای گرانبها دفن شده بود. چهره شهر شکل مخصوص بخود داشته سیاحین معتبری را از دورادور جهان بخود جلب کرده است .

ساخته ای این شهر میوه می باشد، چون و تداوی سنا توریم بلغاریا می باشد، سرمهایه داران بزرگ اروپایی ازین محل استفاده و جست خلف سلامتی خویش به کنار سواحل آفاتایی (البانا) می آیند از این رو بلغاریایی ها آخرین قدرت هندسی و ساخته ای بوده بلکه بهترین نتارتوں بین المللی بوده بلکه بهترین تشکیل می دهد برعلاوه همه روزه ساخته ای وارکتیکت عالی بلغاریا مخصوصاً

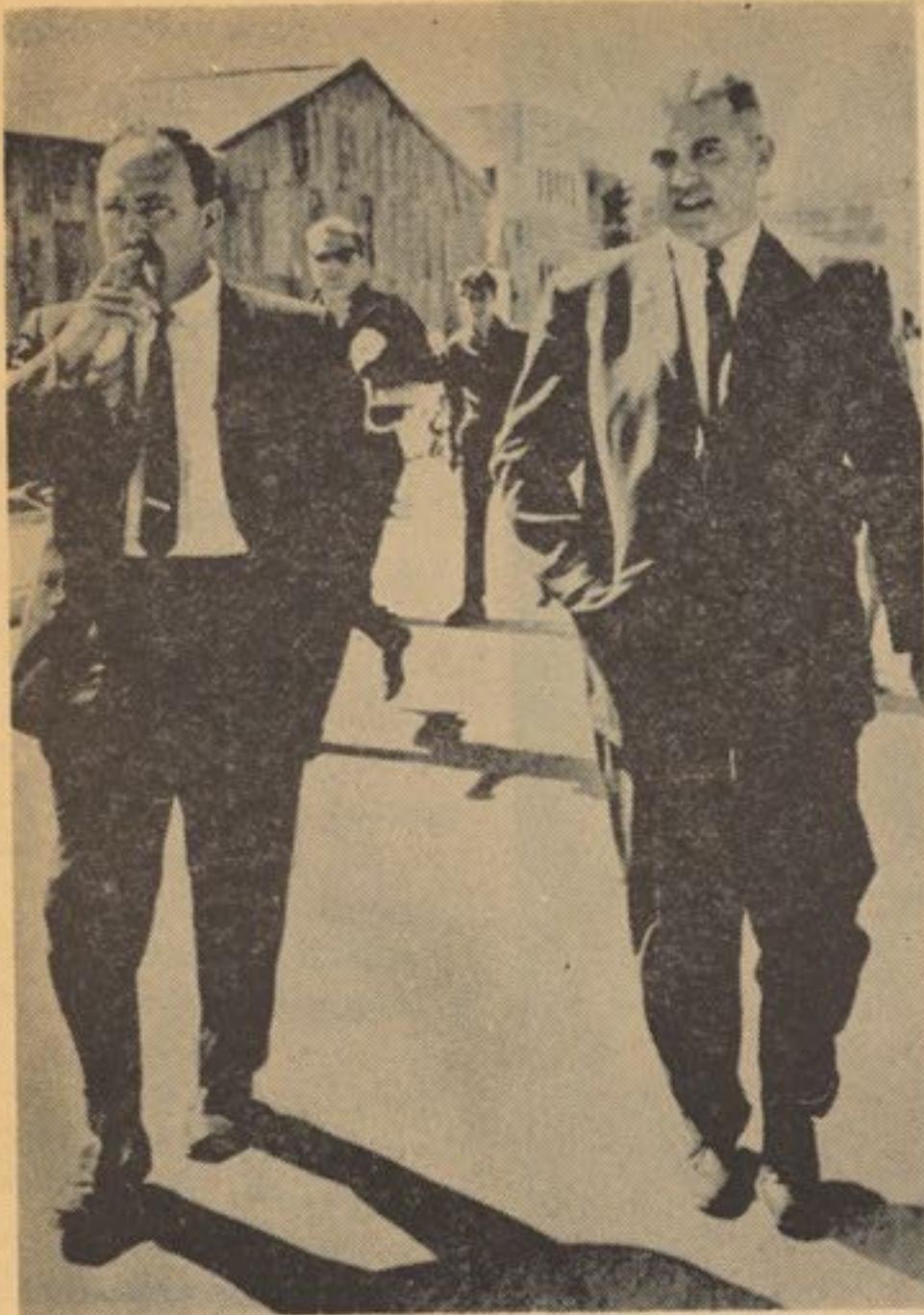
ویلازمهبول یک تعداد رستورانت های یک هتل راهی و وجود دارد که با بهترین ارکتیکت امروزی بنا شده اند و بنام رستورانت های ماهی بریان یاد می شوند از اسم آنها هویداست که بهترین ماهی بریان با مرغ سرخ و آب جو بصورت بسیار تمیز و عالی به مشتریان خویش عرضه می ارد در پهلوی آن کشته بزرگ چوبی که بشکل بسیار قدیمی ساخته شده هتو قفس است که بنام اربیلا یاد می شود این کشتی بدن خود برای سیاحت در امواج بحیره سیاه گردش یا باد بروی نبوده بلکه بهترین باد عصری می باشد که در داخل آن هر نوع خوراکه بباب با نوشابه های سرد و شربت ها بفروش می سند برا سنتی فضای دلکش و منظره خاصی دارد . چون درین شهر چشم های آب معدنی خیلی زیاد است از این رو یکانه آب نوشیدن سیاحین ، توریست ها و اهالی آنجارا آب معدنی در بر می گیرد و هر یک چه در هنر و فضای آزاد بوتی از آب مذکور در دست و بکمال میل می نوشند این آبها برعلاوه اینکه طعم خوش دارد دارای بوی خوش و گوارا می باشد که استیاق بستر نوشیدن آن حس می شود . طوریکه فضای شهر (روزگار) داتبا کو معطر ساخته است همین طور فضای شهر البانا را خوشبویی آب معدنی پوشانده است که در هر کجا بمشام می سند یکانه خوراکه اهالی که با آب معدنی البانا صرف می شود نان مدور بلغاریایی و گیاب می باشد .



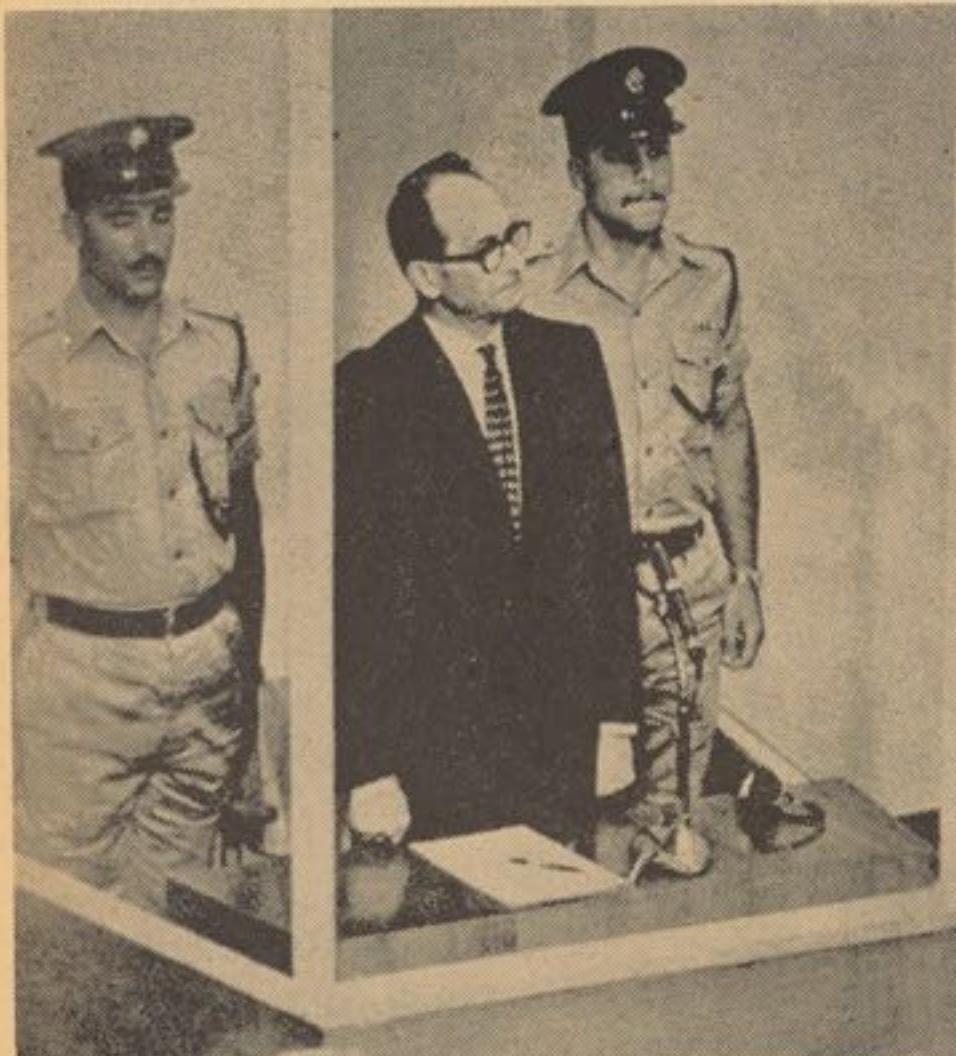
شهر کوچک ارمنیا با منازل چند طبقه ای از شهر های مقبول بلغاریه محسوب می شود.

انکور و بادنجان رومی میدهد . انکور بلغاریا در اتحاد شوروی ، یولنده، رومانیه، هنگری ، اتریش والمان شرق عمومیت داشته بمقدار کافی سالانه پیروزی میرسد حاصلات بادنجان رومی چمپوریت مردم بلغاریا در حال حاضر ۲۰ مرتبه بیشتر از جنگ چهانی ارتقا یافته است بادنجان یکی از سبزیجات خوش خورد و عمومی اهالی این سرزمین محسوب می شود در غذای سه وقت مردم بلغاریا بادنجان رومی چنمی شاهد است مخصوصاً در غذای شب که عمولاً غذای سرد می باشد بادنجان رومی در دیگر اوقات دارد اکثر مسافریتیکه فاصله طولی را ذریعه قطار و یاسو ویس طی می کنند در طول سفر کم از کم یک کیلو بادنجان رومی را بشکل سبب صرف می کنند از این رو بلغاریا صادر کننده درجه یک بادنجان محسوب می شود. تماکو بلغاریا نیز شهر زیادی داشته از نوع عالی بشمار می رود مخصوصاً تماکوی که در سواحل بحیره سیاه زرع می شود سرمهای در سراسر اروپا شهرت داشته مخصوصاً سرمهای (روپوتامو) (ب - ت) و (کوم) مشتریان خوبی دارد زیرا تماکوی آن خیلی نفیس و خوشگوار است در ناحیه روزگار که پیشه اهالی آن گشت تماکوست آنها برگهای تماکو دامقابل منازل خویش کنار پیاده رو هادرینجره های چوبی آویزان و خشک می کنند اکنون که عایدات های بلغاریا نسبت به سالهای ۵۰ پنج چند اضافه گردیده از این رو باشندگان آن عایدات خود را سه چند بلنده برده اند .

در شهر کوچک می سیدونیا که یکی از نواحی های بلغاریاست تماکو ۵۰ فیصد عایدات آنها را تشکیل می دهد که از نوع بهترین تماکوی سرمهای بوده و بنام (نیوکروپیسک) می باشد و عیناً غانه تماکوی می باشد که یونانی هادران ایونیه گشت می کنند بوی خوش تماکوی خشک تمام فضای شهر را فرا گرفته است . شهر کوچک ارمنیا چند صد هنالزی کوچک و سفید رنگ خود را از شهر های صنعتی بلغاریا است که چمیت آن در حدود بیست هزار نفر میرسد . سی درصد اهالی بزرگ است و بین از ۶۰ فیصد در صنایع مخصوصاً صنعت تیل کشی از گل آفتاب پرست همراه است . گل آفتاب پرست دیپلوی تماکو و گشت آن مصروفیت اهالی این ناحیه محسوب می گردد در هر سال این نبات مزارع همه مانند محمل زردی فرش و منظره هایی را تشکیل می دهد تا اینجا فابریکات منظم و جدیدی



پیلوت طیاره ایکه هایشمن را به اسرائیل نقل داد



آدولف هایشمن عقب میز محاکمه

میبردیم دونفر دوپرف اورا قایم گرفته او به پای خود میرفت.

ایفیضی در ترمهیل میدان عملیات را نسجام میدهد دربارک ترمهیل عمله اصلی طیاره در دوموتور انتظار هیباشتند ایفیض هدایت هیدهد که هیچکس نباید از هوترها پیاده شود بوده ساعت ۱۱ شب بود که یک تن از اعضا گروپ عملیات خودرا به میز منزدیک ساخت او گفت: موتوراترا رسیده من فورا از رستوران خارج شده به طرف یارک رفت.

در هوتر آدولف هایشمن در یونیفورم عمله طیاره در سمت غربی در حالیکه در یارک طرف آن دوکتور و در طرف دیگران یک جاسوس دیگر نشسته بود دیده هیشد انسان نکر می گرد که اورا خواب برده.

در یارک ترمهیل سه هوتر آمده و فتن به طرف طیاره بودند من به پیلوت طیاره هدایت دادم که حین عبور هوتر او از دروازه کنترول آنها باید تا حدیکه ممکن است با ماموریت کنترول شوخی کنند تا آنها متوجه دیگر هوتر هاشوند.

هر سه هوتریکی به تعقیب دیگری از یارک ترمهیل خارج گردیده به طرف دروازه کنترول روانه شدند در هوتری که آدولف هایشمن بود دوکتوریز خودرا مثل آدولف هایشمن به خواب زد. یوسف گفت بعدا جریان را برایم چنین تعریف گرد:

موتوراول در دروازه کنترول توقف گردیده اور کنترول نزدیک هوتر آمده فورا راگبین هوتر به سخن گفتن عمراء او انغاز کردند بعد از چند جمله مسخره آمیز اور دروازه را باز گردید بدن اینکه هوتر دوم و سوم را کنترول کند هرسه هوتر خودرا به طیاره رسانیدند آدولف هایشمن از هوتر پانیز گرده شد اورا محکم گرفته سریا استاده گردند و درین عمله اورادر زینه هابالا بردن.

روشنی انداز زینه هارا روشن گرده بسود اما هیچکس متوجه نشد که یک نفر عمله را کمک میکند آدولف هایشمن به چو گس نشانیده شد و در پیلوی او دوکتور نشسته سه نفر دیگریز هانند او خودرا به حالت خواب برده کنی فرار دادند خوشبختانه داخل طیاره کنترول نگردید.

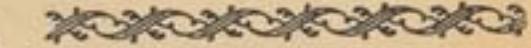
من در یارک رستوران دیگر ترمهیل رفته و در آنجا کنم انتظار من بودم هردو خاموش نشسته بودیم چند لحظه بعد آواز دلخراش پروندهای ماشین به گوش هارسید کیدم یعنی گفت این طیاره هاست چند لحظه سیری گردید که طیاره ها از میدان به هوا بلند شد.

اعفای گروپ عملیات که با هایشمن پرواز نکرده بود و باید هرگدام از راه های دیگری پرواز میکردند خودرا به سالون ترانزیت رسانیده منتظر پرواز طیاره های خود بودند

به یقینه در صفحه ۵۱

بیوسته بگذشته

# ماجرای اختطاف آدولف هایشمن



در تیرا برای آدولف هایشمن چاشت آنقدر زیاد غذا داده نشد زیرا باید اورا نرگوس داد. چهاره اورا تاجانیکه ممکن بود تغییردادند و به سیشیرانی قرین گردانیدن پیلوت عمله طیاره راهداشت داده بود که باید پوره ساعت هفت شام در ترمهیل میدان حاضر باشند.

یوسف گفت نیز ساعت هفت وسی دقیقه شام خودرا نزدمن رسانید گفت باید ازینجا هوتری را با خود به تیرا میبرد که در آن آدولف هایشمن به میدان هواپیم آورده میشود.

ساعت هشت شب یوسف گفت رستوران را ترک گفته روانه تیرا گردید.

یوسف گفت ساعت نه شب به تیرا میرسد درین وقت آدولف هایشمن یونیفورم عمله طیاره را به تن دارد دوکتور آمادگی میگیرد که اورا نرگوس بدهد آدولف هایشمن میگوید که لازم نیست اورا نرگوس بدهند او آرام میباشد اما گایی به گفته او اعتناء نگردد به دوکتور میگوید به گار خود آدایه بدهد.

به آدولف هایشمن نرگوس داده میشود این نرگوس به اندازه خلیف است که او صرف نمیتواند حرف بزنند اما وقتیکه ما اورا به هوتر

ترجمه و تکارش خلیل عنایت

# به استقبال کا نگرس جهانی زنان



زن سمبول هم و محبت عطوف و فداکاری است.

بغاطر تعیین و حلقه صلح، خلع سلاح عاموتام اعلام گردید.

بغاطر نامه ازوم مبارزة خلقهار بخاطر جنبش واصلاحات بنیادی و عمیق اقتصادی برای تحقق بعن ترتیب کنفرانس های بین المللی زیاد های رهانی بخش ملی و حق حاکمیت ملی پیشرفت های اجتماعی زنان تائید نموده و پرابلم در بسیاری از مالک به متأثث سال زن دایر و مبارزه بر ضد امیر بالیزم، کسلونی بالیزم و های اساسی تساوی حقوق زن و مرد را در گردید که همه به منتظر احیای حقوق زنان نیوکلونی بالیزم، صربو نیز و همه انواع تعیین درست آوردن خالک دیگران به اعمال اجتماع مساوی اعلام نمود.

در فیصله نامه های دیگری که درین کنفرانس صادر نموده اند.

اکنون برای آمادگی و برگزاری کانگرس بعمل آمد حقوق تأمین صحت طفل و مادر، در فیصله نامه کنفرانس اعلام گردید که وضعیت زنان دردهات، تأمینات اجتماعی مناسبات بین مالک باید به اساس زیست خصوصا برای زنایکه کار کرده نمیتواند کانگرس دایر گردید که ریاست کمیته جلسه باهم قطع نظر از ستم اقتصادی و سیاسی به وغیره خصوصیات نیز مورد بحث قرار گرفت. درختم کارکنفرانس عربستان و ابراز هر را فریدا بر اون و سمت معاونت آنرا ایلزا ایلا

زور تائید نمود. در فیصله نامه کنفرانس اعلام گردید که وضعيت زنان دردهات، تأمینات اجتماعی مناسبات بین مالک باید به اساس زیست خصوصا برای زنایکه کار کرده نمیتواند باهم قطع نظر از ستم اقتصادی و سیاسی به وغیره خصوصیات نیز مورد بحث قرار گرفت. درختم کارکنفرانس عربستان و ابراز هر نوع کمک مادی و اخلاقی به زنان و یتام، بحقوق حاکمیت ملی یکدیگر باشد.

در اعلامیه همچنان مبارزة تمام مالک را افیقای جنوبی وزنان فلسطین و عرب و جلس دریافت دستمزد مساویانه مطابق زحمت شان

مساوات، اکشاف و صلح: در عصر هاتحق بخشیدن این شعار ارزشمند زیادتر آن طبقه راعلاقه هند میسازد که در طول اعصار و قرون در شدید ترین شرایط و محکومیت اجتماعی قرار داشتند.

بالآخره اجتماعات بشری به این تفاهم رسیدند که هوقف و موقعیت زنان را در اجتماع ارزس نموده دول و موجودیت حقیقی زنان را برای نیل به اعاده اجتماعی و ضروریات مادی و معنوی بشری تحقیق نمایند.

حالا این حقیقت به اثبات رسیده که بدون فعالیت اجتماعی زنان و اشتراک ثبت آنها درین امر پیشرفت نخواهد توانست در راه پیشرفت و ترقی قرار گیرد.

بغاطر بزرگداشت از مقام والای زن سال ۱۹۷۵ بعیث سال بین المللی زن در سراسر جهان شناخته شد که تا حال در طول این سال در عمه ممالک جهان فعالیت های ارزشمند و مفیدی بخاطر احیای حقوق زن صورت گرفت که مادریتگار از کنفرانس های بین المللی این سال که تا حال به عقیاس بزرگتری هم صورت گرفته بیاد آوری مینمایم.

از تاریخ ۱۶ جون الی دوم ماه جولائی در مکسیکو کنفرانس بین المللی بمناسبت این سال دایر گردیده بود که در آن هیات عسای زنان ۱۲۳ مملکت اشتراک ورزیده بودند درین کنفرانس اعضا نهایندگان دولتی و غیردولتی و موسسان چیز های آزادی بخش ملی اشتراک نموده بودند.

درین کنفرانس روی مو فسوعات عمده بین المللی و تعیین صلح جهانی مباحثان زیاد صورت گرفت و درختم کار کنفرانس اعلایه به نشر سپرده شد که در آن مساوات، انتکاف و صلح را برای همه زنان جهان اعلام نمودند.

مباحثان که داخل آجندای این کنفرانس بود همه موردنی بررسی قرار داده شده و مورد تائید شده اعضا کنفرانس قرار گرفت درقطع نامه که درختم کنفرانس بنشر سپرده شد حقوق و برای بری زنان در فامیل و اجتماع، تحصیل و کارگردان و دریافت دستمزد مساویانه مطابق زحمت شان

به مناسبت سال بین المللی زن

نوشته: راحله راسخ

# زن پیروزه شد

اما زنان پایین همه رنجوارمان و  
مشقات زندگی از آینده نا امید  
نیستند و به امید رسیدن به پیریزی  
امیدوارند و بخاطر از میا رزه  
دست نمی گشند.

زنان جهان که در شرایط کوئی  
برای احراق حقوق تلف شده خویش  
جدوجهد دارند تنها نیستند بلکه  
مردان ترقی پسند و منور و گروه  
های اجتماعی با سازمانهای گونا-  
گون اجتماعی در سراسر جهان درین  
تبرد بازنان همسنگند. چنان این  
سازمان ملل متعدد که اکثر یت  
فاطع آنرا مردان تشکیل میدند  
چنین تجویز نمود تأسیسی را بنام  
سال بین المللی زن تخصیص دهد  
و سریعاً اعلام نمایند که تاکنون  
در حق زنان ظلم و تعدی سریع  
صورت گرفته و از حقوق انسانی  
بهره کافی نبرده اند و با محرومیت  
های فروزان دست وینجه نرم نموده  
اند، پس بایست درین جهت به  
اقدامات و سیع دست زده شود تا  
باشد که برای احیای حقوق تلف  
شده زنان کاری انجام گردد.

وبه تعقیب آن (دنه انکشاف)  
در همه ممالک بر گزار می گردد و  
امیداست طی این دهه، عدالت،  
بسندان جهان به خاطر آراء می و  
رهانی زنان از تعیض و سایر  
مشکلات حیاتی متعدد برای ساختمان  
جواب فارغ از تناقضات اجتماعی  
ورفاه همکانی در جهان بکو شند  
تا در آینده زنان با مردان اعضای  
متساوی الحقوق جامعه بوده و فارغ  
از تعیض و امتیاز زیست نمایند.  
زیرا عصریکه مادر آن زندگی می  
گشته خواهان شر کت همه افراد  
اجتماعی چه زن و چه مرد به صورت  
دسته جمعی در مبارزات به خاطر  
صلح و آراء می همگانی و بهبود و  
وضع زندگی نوع بشر است و این  
امر از خواسته ها و خصوصیات  
عصر ماست و حکم زمان ما.

وقتی صفحات زرین تاریخ  
بشریت را ورق بزیم می توانیم  
زندگی زنان را در ادوار مختلف  
به اشکال مختلف مشاهده کنیم.  
مثل از مانی او را گل اختیار و  
وهمچنان گویای خوبی از اشکال  
گوناگون قربانی ها، ایثار و  
ذدگاری های زنان دلیر و بسا  
شہامت در سراسر جهان بوده و  
خواهد بود.

وزهانی ایشان از محکومیت هاست  
که انتیک زنان بخاطر صلح و آزادی  
در سالهای اخیر به سرعت قابل  
ملاحظه اوج گرفته و گستردگی تر  
گردیده، مخصوصاً جنگ های  
ویتنام، تجاوزات اسرائیل در  
حاکمیت اعراب، بروبلم ها، بحران  
عمیق و کشیدگی های ممالک و کشورهای  
جهان همدو همه عواملی بود که تغییر  
عمیق و احساسات انسانی زنان  
سراسر دنیا مخصوصاً روش تفکران  
ومبارزان را بخود جلب نمود تا  
انگیزه های این بروبلم ها و مشکلات  
را نه تنها به خاطر بهتر شدن  
و وضع زندگی فاصله های شان  
در یابند بلکه بخاطر مساعد شدن  
را برای بود و باش انسانهای دارای  
شرایط زندگی اجتماعی مرفع تر  
نمایند وهم در جهان نسون که  
برای نوع بشر به مجا هده و مبارزه  
پیکر و دوامدار آغاز نمایند.  
هنر مردم چه زن و چه مرد به  
ترقبات و پیشگامان نهضت  
زنان آگاه و پیشگامان نهضت  
تایل می شوند چه جهت دارد که  
در برخی از ممالک جهان نیمة از  
بیکر اجتماع بشری از حقوق  
حقه خود محروم اند و در عقب دیوار  
های یاسن و نا امیدی زیست می  
گشته واز کلیه مزا یای انسانی بی  
تمهه اند.

زیرا سیستم های نا برابر  
اقتصادی و اجتماعی جوامع طبقاتی  
زن را عملاً در ملکیت مرد در آورد  
و موقف و موقعیت ممتازش را در  
اجتماع بشری محو ساخت.  
مکر زنان آگاه و مبارز اتحاده  
آرام نگرفتند و چون امواج خروشان  
یکی عقب دیگر طا هر شدند و ته  
تنها برای آزادی خود بلکه برای  
آزادی همنوع و نسل های بشر از  
یوغ استعمار و بر دگر، دا خل  
میدان تبرد شدند، شجاعانه مبارزه  
گردند و افتخارات بسیار با ارزشی  
برای خود، عالم بشریت و جهان  
زنان کمای نمودند.

که تاریخ بشریت تعجب داشته و  
منعکس کشیده همه این مبارزات  
وسیع و بیکثیر زنان برای نجات

مین افغا نپور

# د ۹۵ سیه‌ه ری ۰۰۰

سپریتوب دعواوی کولی دری واره گلبت سره‌ه دیره ورانه وه. گلبت به خبلو کتو پسی سمو او بکلیوالو یو وخت دده بزکرو. خو وزو وزو پسی به بی سبکی سپوری هم ویلی. داسی وزخ هم را غلی وه چند گلبت کلیوال جه کری ورخ په خبلو کارونو له کوره به دبیری گره شپرومی ور پسی سم وو. ددوی به ویناووسی تملی خو بخشی به بی نه ورته ویسل نه تمل اونه بی غوب پسی گراوه. جه شپرومی له گومه را غلی ده. ببری به چه له سهاره زاغی نو گلبت یواخی دوه چربیه به بی دکانی یه خوا نانو به بی بد ویل. او دزلود. خو وزو وزو بی دوه چربیه چه اور یدل به بی دبلا نی کلیوال پتی هم به خبلی «شفی» کی له ببری زوی له بسوونخی خخه خلاص شوی خخه هم اخیستی و. سره لدی چند او بکار لکیدلی نوبه بی داسی خبله پتی به اخستو کی هم ببری له گلبت کر که بسودله لکه چه دسر دشمن بی سره ناروا کری وه. گلبت دوه زامن وی دزلودل چه بی به بی به بیار کی له کار دیاز گل خو زوند چرسو وزبر لکیاو او بدل بی به کلی کی سبیق باد کپی واو چینجی خورلی تسوت واوه او هم بی له بیلار سره نه کرونده ته ورنه و چه یواخی و حی خنگی کی کار کاوه. دبیری خو له گلبت وریانی وی سره له بی خوا بدی دشمنی و چه پنخه چربیه پتی بی گرو واو دعفه بزکر واو بیایی دهنه دبلارنی یواخی بیه چمنی خمکدور پاتی و چه هر کمال به بی ویل چه سر لی شمی نوزه به بیسی بور کرم مردوران به هم کیدله. اوله بلی خوا دگلبت زوی چه خبل بسوونخی بی خلاص کپی و به بتار کبی نه گومه نوکری لکیدلی واو داخبره ببری ته دیسر دردونکی وه چه دگلبت کلیوال زوی دی به سپریو کبی کنیشی، باخی.

او ساروان بدی کلی کی دسپیزی ببری چه همانگی دکلی ددوکان باندی به توزونو او تو متنو بیل و کر به خیر زوند کاوه. عفه دکلیوا لو مخی ته ناست و دلمر سترگی ته چه: پلانی هی بیسی خورلی، بیستانی به کالیو او بوتکو کی زوند کاوه. نه و کتل او بی حالی سره بی باز گل می بخوانی بور نه را اداء کوی او بی پتی واو نه بی بوله وه. خو له ته کتل او بیایی دیوی خولی نصارو پلانی تهمی چه حای به بور ور کپی خبلی کوچنی هتی نه بی بیسی خرسته ترینه و کپه. باز گتل ودادی ددرمندو وخت هم تیر شو خو ایستلی. چای شکره. تیل، رخت دتصارو کدوگی ددوکان له دی خوا زما قرض نهرا کوی. او ببری به دخراج پلته، پتاسی، گوره، ما لکه. خخه ور خطا کپ. ببری دکدوگی رنداهه تو گه بوه شو چه ساروان دده قار. ستن او داسی نور، هفته خوله خلاصه کپه سه بی دخبل کیم لخبره خخه خبلو غمتو دزبلو شیان و چه خر خول بی او بیسی بی لام زغوبی ترینه دل کپ او بیا بی استفاده کوی. داوار بی باز گل ته به اخیستی.

خو چه وزو وزو بی پتی به بیار ته نصوارخولی نه واجول او کدو بی وویل:

ـ نه یواخی داجه هیخ شم کی اخیسته او بیوه به لسنه به بی پسنه وریانی وه. او هومره چاپه مخورو خو شیبی غلی ناست. دزبی گته نده باتی، همداشان هم چل او کلیوالو باندی بلووله. تو خکه دعفه کی نه شمعیره. سره لدی ببری دزوف پیخ بی له سوی سره تختنده او بیه نکی زیانه شویده! دکه خو له بی ددوکان خمینه ته جه ساروان نومیده وویل:

ـ هلکه ساروانه به هیخ شم کی خواب کی بی خو نامفعه‌مه خبری کپی. دری واره به له سهاره تسر چهزدی بی نه کیمی نو بیادی ته اه کیه نده باتی!

ساروان چه تر او سه بوری غلی او بیته غلی شو. عفه دچرسو ناست. دوی به بیو تر بله دخبلو خای ودریده. او بیوه وخت داسی هم بام نه، رز دخبل زره حساب کتاب تبه بیادرس له گومه کوی. شول چه ببری بیا واده هم نشو بریسند او خواب بی ور کر: ببری، باز گل او ساروان دری ته له کاروایی کانو خخه خو بی داسی کولی او بخبله هم کروب شمی و داده تکاریده چه بیوه هم بی زره اودا رن تولی عفه وجی وی چه له ببری خخه

ـ همدا سی ده ببری آکا! گته به ملکری وو چه له سهاره تر ما بسامه نه که بیاته وی زه نیم من بوره زاویم به بیه همده دوکان کی سره ناست

ـ نه وی او بدینه سپری جوی کپی و دلته بی کلیوال به بور زا خخه وواو خبری به بی سره کولی دهفوی زامن وو او بیه زرور تبا کی تر تولو هفه شته هم خه به غنیمه خرخونه خه زمی. ولاکه به بیه بیسیم بی همیم بهزاده کی نور غابنونه، نه و باتی. ختلی اومنلی وو.

ـ خو به دوی کبی دبیری دیسر شمی وو. زه شین و. او شپیشتر نه بی عمرونه او بستی وو. اوله سهاره به چه دا دری واره او بدهی خبری سمی بی به کلیوال اس خوسره لدی چه ددی واره د بهه دعفه به تیره بیا دخبل کاو نهی ملکری سره کیناستل تر ما بسامه

بوری بدی یه خلکو پسی سپکی کولو موظف گرخولی دی، خبری و کپری کی خپلوی او خینپسی. آخر انصاف شد او داسی بی نتیجه واخیستله چه تر شی دی! سپوری ویلی او خلک ټول دوی ته خیل دبستان ایسیدل. خو سازوان له لرن خه احتیاط سره، هسپی نه چه او بی دی لوی او پنه کار نه وی هغه هم چه خلمنی بهه هنک، پوه او د سپری سره کور ته راغی. کلیوال بی خبرشی او بیا سودا ترینه گاوندی وی. دانو دز غم ور نه دنکری. خو دبیری او باز ګل خولی ودا! دبیری کر که او نفرت هغه وخت چانشوی نیولی.

بیرونی داخبره سر بیره پردی چه دخینو نورو کلیوالو په مرسته دخره و نه منله ملاته بی مخ ورووا په اوه او غایبه ګلبت او د هغه یه زوی با ندی ډادی ور کړ چه ډغلت یوشل زره واپوله. او په حکومت کی بی عرض روپی په ما باندی دی. زه به هغه هم بی وکر. ګلبت حیران پانی ټچه نن سپا کی له هره خوا چه وی ورته بېری ولی داسی کوي.

برابری کړم نوری دی دا خبری ما ته خو ګله چه حکومت ته سره ور ګل نکوی. په پړه اور باندی تیل ور وشیندل او زموږ ګاونډیتوب نشو کیدی پاتی بېری باندی ور کړه چه:

پاتی په ۵۸ هځ کې



— «یو دوه واره دگلبت ماند ینسی  
دالخبره ماته یاده کپری هم ده!»  
نورزغم نه و بکار. آخر داشتم یسی  
چیر نه و پیشی وای چه گلبت. دده پرونی  
بر گر دی پاچخی، او دده سیالی دی  
و کپری. دی چه له پلار او نیکه نه  
مخورو. به سپریو کی حسا بیده! دا  
هیچجری نشوه کیدلی. خو دا خبری  
یواحخی دبیری خبری وی. هلتنه دده  
به کور کپنی دوازو بیخو او دری  
وازو لوز گاتو یی دگلبت زوی مایو  
ته به بنه نظر کتل. خکه چه هغه به  
یوی ته تار سنتنی بلی ته گلا بتون.  
دریمی ته دری او همداسی نورو ته  
له بنیاره سودا گانی او سو غا تونه  
راچلول .  
او یولو دمایو به بنه سپ یتوب  
باور درلود .

او ببری پدی خبر و نه پو هیده.  
ببری پدی هم نه پوهیده چه منخوا  
لور بی، گلابه، ماپو ته گندیونه اود  
بوزی دوسما لونه ور گننه! او چه  
ماپو هره جومه کور ته راخی نو  
گلابه ورته لکه پوکه کیزی او خبری  
حوالی سره کوی .  
خونه بی خبری !  
دجومی یو ماختستن و چه دروازه  
و پکیدله. ببری ور خلاص کر. آها  
— «دگلی دجومات ملا صاحب!»  
لایی له ملاسره جویر تازه نه و کپری  
چه شانه بی گلبت ولید یه ستر گو  
بی توره شبه شوه. دگو تو یه  
خوکو اود شو نیو یه سر بی ستری  
مشی ورسنر و کره. خو خیر کورته  
وزدننه شول. چای های، خبری هبری  
بوینتنی هوبینتنی هر خه و شول. او  
ملاصاچ خو واره و تو خیده او بیا  
بی دخیر دکار به باب او پدی باب  
چه شریعت یکول مسلحانان به واده

بحث تربیوی

ترجمه: میر جمال الدین فخری

# درین زندگی

هر جاییکه قدم شان برسد به این  
امر مبادرت میورزند .  
عشق چیست؟ در سابق عشق -  
چگونه تلقی میشد و امروز عشق با  
کدام مفهوم تلقی می شود؟ عشق  
کدام برابر هارا در برابر انسانها  
قرار میدهد ؟

ماعلمینیکه در صنوف بالاتر  
مصلروف تدریس می باشیم دیر  
مدتیست متوجه شده ایم که بعضی  
از سرناوی و دختران درمورد زندگی  
آینده خانوادگی بصورت منحر فانه  
ای تصوراتی دارند .

دخترها به این فکر اند که قبل  
از همه باید حیات خویش را اوقاف  
کاروبار رشته و مسلک خویش باید  
نمود مسائل خانوادگی و فامیلی،  
طفل و شوهر را باید در نظرداشت  
و هرگاه از مسلک مورد لاقه (سخن)  
در میان میاید مسائل دیگر تمامان -  
باید تحت الشاعع قرار گیرند.  
پسران هم این عقیده را بیدامی  
کنند که خانواده و زندگی خانوادگی  
سدنی برای بیشتر فت کار است و  
مانعی برای رشد در ارتقاء .

همجو عقاید طبیعتیست که  
محصول زحمات تربیوی می باشد .  
کار و موافقیت را ما هیچگاهی با  
مناسبات خانوادگی و زندگی  
اجتماعی مربوط نمی سازیم و کلمه  
(وظیفه) را همچو قتن شامل وظایف  
یدری و مادری نمی سازیم . دوزی  
گفت که هدف او در زندگی ابعاد  
یک یک انقلاب درساخه تعلیم و

تربیه است یعنی او نمی تواند تا  
هدف اصلی خویش را بست  
نیاورد به همچو مسابیل خانه  
خانواده حتی بیند یشند او به این  
موضوع صادقانه و قلبانه اعتراض  
کرد ولی کوچکترین یقینی نداشت .  
پسران می برسیدند : خانه  
یعنی چه؟ برای چه مثل این بود که  
شاید بدون آن همه کارها روپرها  
خواهد شد .

با وجود این هم آنها در مورد  
آنها یکه بی اندازه به وظایف و کار  
های شان علاقمندند . بصورت قاطع  
اظهار نظر کردند .

- من این چنین زنی را نمی  
خواهم من زن رانمی گذارم کار  
کند ، بگذار امور خانه را وارسی  
نماید و از اتفاق لسر برستی و -  
تربیت کند .

به این موضوع علاقه گرفتم و  
بررسیدم :

بهتر است در کنج های تنها ی  
هم راجع به سعادت و خوشبختی  
خود فکر کنیم .

و اگر او خودش نخواست  
آنچنان زنی خواهم گرفت که  
در خانه بنشینند و این کار را قبول  
کنند .

خواسته های زیاد از حد بیش  
از همه زاده ایجاد خود خواهی ها و  
عدم مواضع است که روی عادات  
«هسته محیط خانواده باید با شم»  
استوار است . و هرگاه این آرزو  
ارضاء نگردد هما نجاست که عدم  
توافق یک بادیگر ایجاد می گردد .  
علاوه از آن با همچو کرکرهای کار  
مشکلتر میگردد و لازم است تا علاوه  
از ایجادیک فضای عشق و محبت  
(عشق با حوصله و فدا کاری) -  
چیزی را هم به مقادیر طرف مقابل  
باید قربان کرد . همین، جاست که  
فضای برای مباحثه و مشا جره آماده  
میشود میدان برای دوبل حاضر  
میگردد و حاصله آن به هر کسی  
دوندن

جوان بیست و پنجساله ای وقت لازم است تا آنها را اصلاح برای  
خودش را به میز نزدیک ساخته زندگی آماده بسازیم؟ میگویند :  
گفت: هر قدر بیشتر بشهتر و من اضافه  
میکنم که هر قدر معقولتر خوب  
ای اراد نمودید ولی .. فکر نمی  
کنید که این لکجر را قبل باشد

چرا این مسائل را اکنرا در -  
ساعت ادبیات و یا مضماین اجتماعی  
که آنچه شما فرمودید من مجیور  
بودم سالها قبل آنرا میشنیدم .  
عنگامیکه مکتب درس میخوانند واضح  
باید این مختار را می فهمیدم .  
در صنوف نهم و دهم با این  
مطلوب باید آشنا بی میدا شتیم  
در آنصورت شاید چلو بسیاری از  
اشتباهات را که مر تکب شده ام  
می گرفتم . ولی حالا دیر است .  
زمان رانمی توان مغکوس چرخاند  
دختر م حال بزرگ شده و بزرگتر  
شده میرود ..

لکجری که ایراد کرده بودم در  
مورد رسوم خانوادگی و کلجر حیات  
آموزانیم خودشان نیز به آنچه  
احتیاج و علاقه دارند به انجاء -  
فamilی بود .

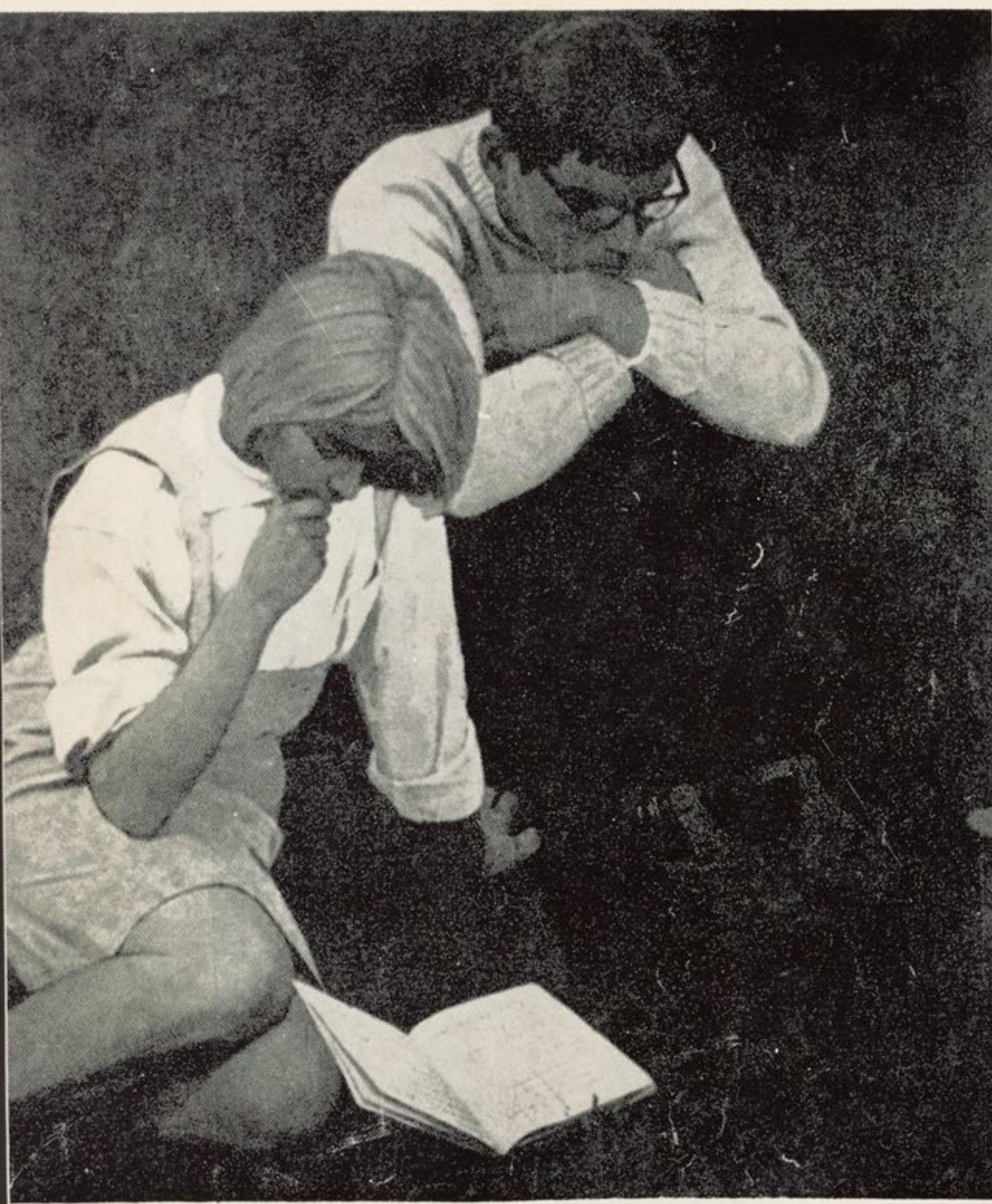
لازم است که از همان وقت  
جوانان را برای ادامه حیات زنا  
شو هری آماده ساخت و چه  
جائز فرا میگیرند . نه تنها در

مخالف فرا میگیرند . بلکه در محیط

خانه در جاده هادر اجتماعات و در



چرا زندگی را مغلق تصور کنیم



### بهوغایف آینده ما باند یشیم یا بهزند گی آینده ما

اعضافه تربیت می آوری) و لی  
بعضی ها اند که آرزو دارند بدون  
داندز حمایت اورانمی نکرد و هر  
چه فدا کاری از زنش سر می  
زندبه این عقیده می باشد که  
(وظیفه اوست) و این امر را  
طبیعتیست.

ایشار و فدا کاری روز مرد زن  
خواهد آمد. آنچه را بدست آورده  
ایم بی ارزش خواهد شد.

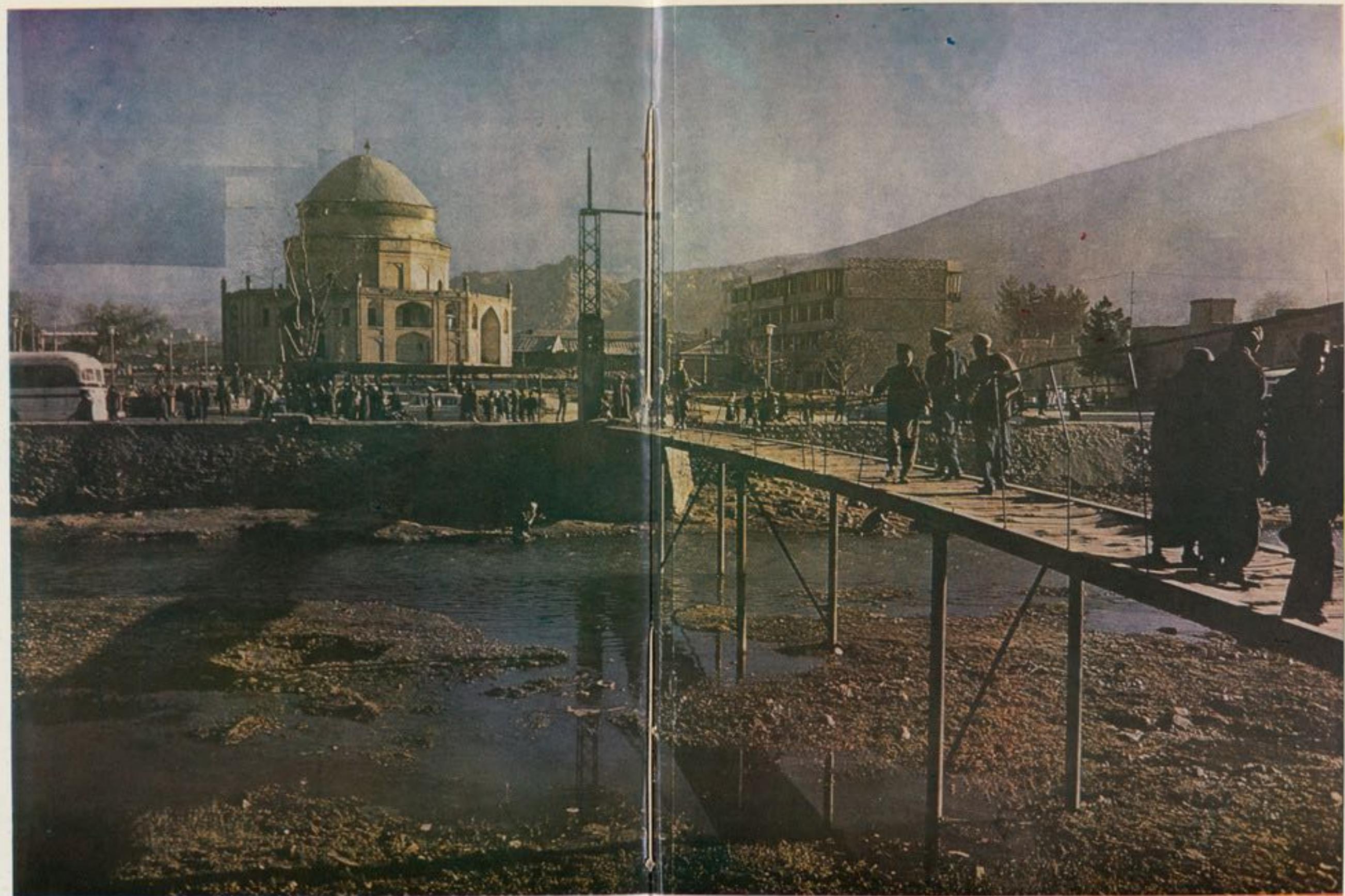
اعشق ها ییکه حاصله آن خوش  
بعختی خانواده ها را باز آورده به  
صورت عمومی بر خورد های  
اتفاقی بوده و در مرور زمان این  
درزندگی همچو حادثه ای نیز اتفاق  
نموده و تعکیم یافته است و باید  
بیفتند ولی بی دوام و ناپایدار است  
اذعان نمود که خوشبختی و بد  
بعختی ما انسانها به خود ما مربوط  
است و پس . زیرا خوشبختی ما  
محصول زحمت و فدا کاری خود  
ماست . هر چه بیشتر بپردازی

هویدا است بدین معنی که فاتح  
در بین هیچ یک نمی شود .  
وقتی دو نفر ( یک پسر و یک دختر )  
بهزندگی مشترک آغاز می نمایند.  
طبیعی است که آنها یکدیگر خویش  
را تربیه مینمایند . مثلاً دختر پسر  
را پاکیز گی و نظافت را باید میدهد  
و پسر به دختر دقت و ملاحته را می  
آموزاند . ولی اکنون آنها حدود  
امکانات خویش را فراموش می  
کنند و در این فکر می افتد که هر  
طوری هست آنچه را من می خواهم  
باید همانطور یکند . بدین معنی که  
هر چه می خواهم بکن ، هر چه می  
خواهم بخوا ، من بخوبی ، چو نکه  
من -( منم ) .

حکمت و خرد ، طاقت و هو صله  
بزودی حاصل نمی شود ، سا لمادر  
کار است تاهر کاری از روی دانش  
و تعقل انجام گردد و مقابل هر  
عملی از صبر و حوصله کار گر فته  
شود . و تاو قتنی با هم جنگی اند  
جار و جنال و نزاع های پوچ و لا  
مفهوم ادامه دارد این نزاع ها و قال  
و مقال ها تهدای زندگی فا میلهاي  
جوان را می شا راند .

امکانات این موجود است که  
انسانها در دوران مکتب را جمع به  
نزاكت های فا میلی و پسکو لوژی  
حیات خانوادگی قدری فرا گیرند  
در آنصورت است که اشتباها  
بعدی کاهش یا فته ونا ملا یما تی که  
در اثر آن چه خورد سالان و چه  
بزرگان رنج می کشند کمتر می  
گردد ممکن است برای طفلى  
تشريع این موضوع بسهو لیت  
میسر گردد که چرا پدر ش اینجا  
زندگی نمی کند و آنچا جاییکه -  
دخترک دیگری دارد با او بصورت  
دایمی زندگی می نماید و در نتیجه  
گفته شود آیا او انسان خوب و یا  
آدم بدی است ؟

و چگونه باید با او رفتار شود ؟  
یکی از علل اشتباها هات همانا  
عقیده داشتن به عشق های افسانوی  
است عقیده به اینکه عشق معجزه  
میکند وبصورت ناگهانی انسانی  
را استیلا کرده نوری از عشق بدلید  
میاید و آنچه هست و یا نیست -  
روشن میسازد و تمام این اعمال خود  
بخودی اجرا می شود بدین آنکه  
قوه ای در کار باشد . درینجا  
فرقی باید بین همچو عشقی و عشقی  
که ماخود ما میسازیم باید وجود  
داشته باشد .



دېنخې دېن المللی کال په مناسبت

# ای بندېخی!

ای بندېخی! نه دخبلی مبارزی زمینه سه دهلاي او میرمن زر غونی هغه  
مبارزی چه دوطن په لار کښی کړیدی فقط په دغه کال کښی چه نورو در ته  
تاکلني ده مه محدود دوه . مخ ته ولاړه  
شه، دکپ او نو زغمته وکړه او ددره راو ګرځه هلتله چه اسارت او قيد په  
صلو نو په رو پېنا يې (مساوات،  
انکشاف او سولی) سره په دیروتیارو  
کنجو کښی، په لیری کولو کښی  
دریا ساحو کښی نفوذ وکړه دوهمونو  
پردي خیری کړه او ستونزی لیری  
لپاره به ئى نوم باقی وي .

به ټولنه کې داسې بندېخی لکه  
محجو به هروي ، رابعه بلخی او نزو  
نامتو بندېخو نموني گئي لرو چه پېڅلو

زړه وړونکو شعرونو سره اي دخبل  
وطن سیواو او ټولنى ټلچر، عنعنات  
او بندېگنۍ ور بېژندلې دی .

او س چه ته دکار وانلا رسونه  
پر غاړه لري پر له پسي مبارزه وکړه  
استعدادونه را پیارو، دخیرو اونش

ویلوله سوزلی خخه دعمل په ډټر  
کښی ، دخرافاتو سره وجنگېره او  
هغه خنځیرونه چه دزیاتی مودی  
را هیسىستا دوړاندی تک مانع  
ګرځی و شلوه .

ننۍ ډیری پسی پدیدی غوره کړو  
زایه اونوی نسل دوطن پالو او مبارزو  
څوا نانو دیبوند خخه خان بېژندونکی  
رول لوړولی دي .

هوکې! پخوانیو دورو ته وکړه،  
افراد منځ ته را پر . پهلوان و روزه،  
دجنګ دستګ او جنګیا لیسو  
دشاعر پالنه و کړه او دېښتو میرمنو  
داحسا ساتو درا پارونکو په لته کښی دنههمت خخه دفاع و کړه .



زنان در همه نقاط جهان در امو رتولید با مردان همکار و وهپیکاراند  
اینها اندګه آینده داران اجتماع زا ریت می نما یند عهده دار امور  
منزل اندو بالاخره در مزارع وسا یرامور اجتماعی دو شا دوش مردان  
کار می کنند ورنجها زیادی رامتحمل می شوند

# شخڅيخته زن در آئينه مطبوعات کشور

## زرغۇزەانا زن شجاع و خردمند

۱۱۸۰-۱۱۱۰ هجری

کلمة مطعن و زبای «انا» که به خندق خان له غلیمه خوندی کوي!  
معنى مادر کلان را مید هد در طول پېښتون دخدای په مرسته او به خپل  
تاریخ توأم با اسم میرمن زر غو نه وچ موته خان او وطن ساتی .  
والدة ماجده اعليحضرت احمدشاه که ته پېښتون وي ، او په حقیقت  
بابا بوده است و مخصوصاً از کښی د پېستانه د غیر ته د کی ترتا  
روز گاریکه اعليحضرت احمد شاه پوری را رسیدلی وي نو په خپل  
درانی لقب «بابا» را دریافت نمود زنان پېښتنی همت او استقا مت به خان  
افغان نیز بمادرش «انا» خطاب کردن او پېښتون او وطن و ساتی ...  
وتاکتون در تاریخ زنان نا مدار خوبی دیوالونه او خند قونه مه  
کشور ما بهمین لقب یاد میشود . حوبوه !!

زر غو نه انا از مادران ممتاز و مرد پدی دیوالو به یواخی زه او ته  
آفرینی است که در آغوش پسر خوندی شو هغه پېښتنی وریندار گانی  
عطوفت خو یش شخصیت های او پېستانه ورونه چه ددی خند قو  
زمانه ساز را پروردہ اند . وی فرزند او دیوالو و ها خوا ته دی هغه له  
نابغه و برو مند خویش را از گهواره تا خخه ساتنه نه غواپی؟؟ او هم ته  
تاخت امیراطوری تعلیم ا د ب باشد دومره انتظارونه باسی چه دېښمن  
شجاعت و همت میداد چنا نسکه تربنده پوره را رسیپری !

معروف است در سال ۱۱۷۴ هجری میگویند اعليحضرت احمدشاه بابا هنکامیکه احمد شاه بابا در نتیجه  
مشوره با پسرگان واراکین قوم د ر دل شنید واز تصمیم خو یش باز  
گشت و یک دز معمولی آباد کرد .

زمینه اعمار شیر جدید قند هار تصمیم گرفت چنان شهری ا عمار  
نماید که دارای هفت حصار و چند خندق باشد تا از حمله دشمن محفوظ  
باشد . چون زر غونه انا از این نظر و تصمیم آگهی یافت فر زند  
تشجیع ور هنمائی او سخت کوشید  
وحتی در اغلب موارد که افوا هات  
نصایح سودمند و اندرزرا باو گفت:  
زوجیه! دا خبره یېنګه په غو د در محیط پخش می نمودند . شجاعانه  
کښی و نیسه ... چه پېښتون هیڅکله قد بر می افراشت و بایبانی شیوا  
د خاورو دیوالو نه پنا نه پری او نه آن افواهات خصمانه رارد می گرد .

# مسئولیت‌های اجتماعی زنان

چند براگراف از نوشته آمته جلال



صفحات روزگار و تاریخ بشریت مشحون از سر سپردن ها و جانبازی ها و فدا کاری ها مادران در راه خو شیختی قر زندان شان است

## تصنیف مادر

توستی «نازو» و تو «حوتا»ستی  
مریم «عنزا»ستی «مایا»ستی  
یک سخن تو وارت حواستی  
مادرم ای مادرم ای مادرم  
خاک پایت سرمه چشم ترم

### زن همپایه | نیشتماین

بسیاری از شخصیت‌های علمی و اکادمیک  
جهان، براین عقیده اند که بزرگترین داشتمدند  
فریبک جهان خانم (جیان چیونک وو) می‌باشد.  
این زن که در تعولات دانش فریبک عصراتم،  
سهم بسزای دارد، در جهان از شیرت فراوانی  
برخوردار است. و همه داشتمدندان بزرگ جهان

از او به احترام یادی کنند و بزرگترین مجلات علمی  
جهان باعلاقه و افروال تغفار فراوان صفحات خود  
را برای درج نظریات علمی و اکتشافات فریبک  
در اختیارش گذاشتند.

و اکنون، در مقابل علمی، این زن را بالبرت  
انشتناین و مدام گیوری مقایسه می‌کنند.

این زن عالی‌مقام یعنی (جیان چیونک وو)  
بروفیسور دانشگاه معروف کلمبیا و استاد بزرگ  
فریبک ائمی بود.

ائز شاعر بدیله سرای وطن محمود خارانی

مادرم ای مادرم ای مادرم  
خاک پایت سرمه چشم ترم  
دامن پاک تو برتر از بهشت  
مهر تو افتاده هارا در سرنشت  
خط پیشانیت نقش سرنشت  
مادرم ای مادرم ای مادرم  
خاک پایت سرمه چشم ترم

رشته جان جهان در جنک تو  
عزم مردان جهان - آهنگ تو  
برتر از او رنگها اورنگ تو  
مادرم ای مادرم ای مادرم  
خاک پایت سرمه چشم ترم

از قدمت شدزمن ارزنه تو  
ماه و مهر از روی تو تابنده آر  
جرخ تاریخ از تو شند گردنده تو  
مادرم ای مادرم ای مادرم  
خاک پایت سرمه چشم ترم

مادرم ای مادر دانای من  
مهر تو روشنگر دنیای من  
کو ندانم قدر تو ایوای من  
مادرم ای مادرم ای مادرم  
خاک پایت سرمه چشم ترم

در اجتماع کنونی زن و مرد سهم  
مساوی دارند البته مادران و خواهران  
فیلم و بادرگ بیشتر مورد نظر  
ماست که آنها با استعداد خود به  
اعتماد بازوان و دانش خود یقیناً  
علاوه از اینکه حیات فامیلی را  
صمیمانه تعقیب می‌کنند و ظرفیه  
دارند تا برای رسیدن به اهداف  
قدس اجتماعی نیکو بیند یشند  
اینکه گفته اند زن بیکدست گپواره  
وبه دست دیگر جهان را تکان میدهد  
نیکو گفته اند.

زیرا همین زن‌ها و دختران  
امروزی در بی‌دیزی و تریسه  
اجتمع سالم رول برازنده دارند  
تدویر امور منزل انسجام بخشیدن  
به امور منزل و بالاخره رهنمایی  
عده از اطفال امروز که آینده‌داران  
جوامع بشری اند، وظایف بسن‌سنگینی  
است که زنان به عهده دارند.  
انعکاسات اعمال اطفال ایشان است  
فرزند سخن شنو، با تریسه  
که در حیات اجتماعی آینده خواهند  
وظیفه شناس امروز جوان صادق، دید و شنید.



بزرگترین آرزوی من است که برای تمام کودکان جهان، آینده  
سعادتمدی در دنیا که صلح حکم‌فرما باشد ترتیب داده شود.  
من معتقدم که زنان ایجاد کننده این بیروزی می‌باشند.  
«اوّلی گوتون»

# شعر

## گلبدار گ خو نیم

زخون رنگین بود چون لاله ، دامانی که من دارم  
بود صدباره همچون گل ، گریانیکه من دارم

مپرس ای همنشین احوال زار من ، که چون زلفش  
بریشان گردی از حال پریشانی که من دارم

سیه روزان فرا وانند ، اما کی بود کس را  
چنین صبر کم و درد فرا وانی که من دارم

غم عشق تو ، هردم آتشی در دل بر افرو زد  
بسوزد خانه را ، نا خوانده مهمانی که من دارم

بترک جان مسکین از غم دل راضیم ، اما  
بلب از ناتوانی کی رسد جانیکه من دارم

بگفتا چاره کار دل سر گشته کن ، گفتا  
بسازد کار او ، بر گشته هزارانی که من دارم

ندارد صبح روشن ، روی خندانی که او دارد  
ندارد ابر نیسان ، چشم گریازی که من دارم

زخون رنگین بود چون بر گل اوراق این دفتر  
مصیبت نامه دلهاست ، دیوانی که من دارم

رهی ، از موج گیسو نی دلم چون موج میلرزد  
بمو بی بسته امشب ، رشتة جانی که من دارم

## فیز

حکایتی است نگاهت :

ز گمشدنم

- به وسعت غم و پنهانی بیکرانه درد

ومیدانم :

که در وسط چشم تو خورشید نیز

تیر بازان شد .

رفعت

## آقینه روشن

ز کینه دور بود ، سینه ای که من دارم  
غبار نیست بر آئینه ای که من دارم

ز چشم بر گهرم ، اختران عجب دارند  
که غافلندز گنجینه ای که من دارم

به حجر وو صل ، هرا تاب آر میدن نیست  
یکیست شنبه و آ دینه ای که من دارم

سیا هی از رخ شب میرو د ، ولی از دل  
نمیرو دغم دی رینه ای که من دارم

تو اهل در د نه ای ، ور نه آتشی جان سو ز  
زبانه می کشد از سینه ای که من دارم

رهی ، ز چشم خو رشید تابناکتر است  
بروشنی ، دل بسی کینه ای که من دارم

از وہی معیری

## ۵۰ آتشمناک

چون شمع نیمه جان ، به هوای تو سوختیم  
با گریه ساختیم و بیا تو سوختیم

اشکی که دیختیم ، بیا د توریختیم  
عمری که سوختیم ، برای تو سوختیم

بروشه سو خت یکشب و آسودجا ن او  
ما عمرها ، ز داغ جفا تو سو ختیم

دیشب که یار ، انجمن افر و زغیر بود  
ای شمع ، تا سپیده بجا تو سو ختیم

کو تاه کن حکایت شبها غم دهی  
کز برق آه و سو ز نوای تو سو ختیم

## سنه‌گ ودر دا

ادبي ټونه :

### پو ند ۵ میدا فند

خیل دلکش پرواز در طراوت ابر  
به خواب میماند .  
پرندہ در نفس خویش ، خواب می بیند  
پرندہ در نفس خویش  
به رنگ وروغنا تصور باع مینگرد

پرندہ میداند  
که باد بی نفس است ...  
پرندہ در نفس خویش ، خواب می بیند .  
از: سایه

### بیو فایار ټه!

زما نازوله .... آتنا :

بیو ساعتونه تیریدل ، او سپهخ په نمیلووو ، مگر ساعتیخ خوک نه لکیده ، له ټپره انتظاره  
نورستی شوم ، اوستا د ... به نعمونو کس لاهوم دخوب خبو ستر ګئی پهی کړی .

خوا ددی سی خوب چېر بداؤنواوره و ، او دا خکه جي ته می هېبکښی ولیدلی ، ما چې  
ستاندیوکړی . بیلتوون ناب یه خان کې نه لیده ، خوختکه من کولای شول ، چې ستا ابدی بیلتوون  
و زغم ؟

### شنه خالو ټه

ناجی به لتهی . زنه خالونه شنه خلود ګړه  
لاردي دانکر یز کړله که میں دی په رنگ تور ګړه  
عاسفر بیزوان دی جي به نرم و شوندو سود ګړه  
ل دی به اور ډل کې په رنگ رنگا بینی عالمونه دی

ناجی به لتهی . زنه خالونه شنه خلود ګړه  
لاردي دانکر یز کړله که میں دی په رنگ تور ګړه  
عاسفر بیزوان دی جي به نرم و شوندو سود ګړه  
ل دی به اور ډل کې په رنگ رنگا بینی عالمونه دی

سبام سرو شوندو پهی نیولی وونه  
پیکاه می هې به خوب لید لسی

(زمس)

بل دی به اور ډل کې په رنگ رنگا بینی ګلاب  
چار ګل دی تعطی ګوی یعنانی دافتار  
ستم به عاشق هکوه اختر به شی تراب  
سرمه دی به اترنکو همیشه دواهه لاسونه دی

سره دی همیشه دواهه لاسونه به اترنک  
زلف دی ماران دی به مینه دی ګوی جنگ  
منه دی لکه شمعه نسل پری چنی دینک  
سترنگی دی ګولی دی بری وشنتلی عالمونه دی .  
(نوره دین)

اولسی ادب :

### دز ره ۵ داغ

بدن دی ګل ، زه یم بلبل در یسی زایم مسادام

ماګرہ

انعام به سین صدر دی منجری ګړلی نن

صدر دی باغ ، به زړگی داغ دی راله راکړو یساره

چي

په یاند هندوستان لبانی سری ګړلی نن

زه دی جمال کړمه حلال ، چېرته دی سیال نشنه دی

ستا

په دبارما غمگا خکه یسری ګړلی نن

محمد دین رنگ دی په دعا دشخ رحمکار عالمه

د یار له تاوه یمی رنگارنک جو پی مسرو ګړلی نن

((محمد دین نیلی))

زنا سناخته راهی دور  
سپیده وار درخشیدی  
دری بکوجه سب بودم  
صفایه سوی من آوردی  
امید بخشیدی .

چوږی ګردد خزان دیده  
نم نهی ز طراوت بود  
تو نیز سبز بهاران را  
تو عطر نرم ګیاهان را  
به نارو یود من آکندي

چکونه میرود از یادم  
که موج هست نکاه تو  
مرابه خویش فرا میخواند  
و گاهواره پندارم  
ترا چو کوک کشیرین کام  
به شیر خطره ها میراند .

نو هیچ دیده ای دختر  
نکستن دل دریا را  
خموس میشکند در خویش  
نعمن و سرد و درونکا وا

تو سنک قلة نم بودی  
وقلب من همه دریا بود  
ترا بخویش نهان میکرد  
دوین شکست ، شکیبا بود .

شناختن نتوان الفوسوس  
کلی که بوي چغا دارد  
مرا بخویش کشانیدی ،  
مرا زخویش رهانیدی

پرندہ ها چو بهار آید  
ترابه نفهه فرا خواند  
درختها و بیابانها  
ملال دوری ها دانند .

د ګر به رفته نیندیشم  
تو نیز رفتة از پیشم  
دلم به سوگ تن خویشت  
و من به سوگ دل خویشم .

پوسته بگذشت

# فریادهای موگ

لیز ممکن است دوست من . وضع زخم  
را تکاه کن ؛ بعلاوه اگر او خودش را کشته  
باشد ، سلاح کجاست ؟ زیرا درین اساق  
سلاحی که دلیل براین مطلب باشد ، و جسد  
نماید .

- به هیچ چیزی نباید دست بز نیم . من  
به بلیس تلفون می کنم . معماه متنگلش  
است . تو اورا در چه حالت یافتنی ؟

- چند دقیقه قبل آمد و سراغ شما را  
گرفت . به او گفتم که شما هر جا رفته باشید  
بر هیکر دید و اینراهم به او گفتم که آقای

بروتیر و نیز در اتفاق کار در انتظار شما  
نشسته است . سپس او هم بطرف اتفاق  
کار شما رفت و حالاهم آنجاست .

لیز اینراهم بمنظور میرسد . یعنی لیز از بن  
چا تعبیری ازان میشود کرد ؟ چیز خیلی  
است . واقعاجه کسی تایین اندازه از او منتظر  
بوده است ؟

- این را گه زیاد دوستش نمیداشتند .

نمیدانستند ، هیچام ولی به این سبب که  
نمیشود دست به ادراک قتل زده کند شنه

ازین یک هو ضوع دیگر نیز خیلی عجیب  
است . شام امروز یعنی تلفون گشته مسرا

بایین کسی که در حال مرگ بود ، احساس  
کردند ولی وقتی به آنجا رسیدم دهن اسان

هزاره هر راهیت استقبال نمودند و گفتند  
یمار از جندها عفته بهاینسو حالت بهتر

نمود واز آنجا کسی برایعن تلفون نکر ده  
است .

بایدک ، ابرو هارا بالا کشیده ای تپهار

دانست : این خیلی جال است . فوق العاده  
را ازینجا دور گردیده . زنگ کجاست ؟

لندن رفت .  
خدمتکار چی ؟

در مطبخ درانسوی حیاط است .  
سلام است که وی از آنجه در اینجا

اتفاق اتفاده ، بی خبر هانده است . این کار  
خیلی بدی است . ازینکه بروتیر و امروز ازینجا

خواهد آمد چه کسانی اطلاع داشتند ؟  
او خودس امروز صبح در خیابان مرکزی

دهکده به او از بلند اینها موضوع را اعلام  
کرد .

لیز مخواهید بگوئید تمام اخالی دعکده  
میزانستند ازین مساله آگهی داشته باشند .

علاوه موضوعی نیست که دها تیان از آن  
آگاه نباشند . چه کسی اورا جدا د نمی  
میدانست ؟

در نظرم برای یک لحظه چیزه رنگ بریده  
لیورانس ریدینگ و چشمان نشیه گون او

بدیدار شد ولی فر صت جواب دادن ناپرداز  
برای دوستم دوکتور بایدک گفت : اینکه بلیس  
حاضر شده .

شوردست ، مامور بولیس فوای  
این دهکده ها بود . ظاهر او حالتی رانشان

هداد که گویا هم خیلی هنگز وهم شده است  
بسار بیم است . و قنی متوجه او شد بیم

دا سلام گفت و افزود که هفتش بلیس  
هر کجا باند چند لحظه بعد حاضر خواهد

بود . طبعی مرده است . تصور هی کنم نیم  
ساعت قبل .

- اتحاد کرده ؟

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

گشود و گفت : (یعنی برگشته ؟)

برسیدم : آقای برو تیرو اینجا هست .  
آری . در اتفاق کار نان منتظر شماست .

از ساعت ۶ و بیست و نهانتو ن در آنجا انتظار  
نمیگشید .

- مدتر ریدینگ هم اینجا آمد بود ،  
به بلیس تلفون می کنم . معماه متنگلش

است . تو اورا در چه حالت یافتنی ؟

- چند دقیقه قبل آمد و سراغ شما را  
گرفت . به او گفتم که شما هر جا رفته باشید

بر هیکر دید و اینراهم به او گفتم که آقای

بروتیر و نیز در اتفاق کار در انتظار شما  
نشسته است . سپس او هم بطرف اتفاق

کار شما رفت و حالاهم آنجاست .

لیز ، آنجا نیست . من چند لحظه قبل اورا  
در گوجه دیدم .

- من متوجه رفتن او ننمیم . پس در اتفاق

لیز ازینکه دو دقیقه نمانده است . خانم هم  
ناشوز از- هر برگشته اند .

بانگرانی و آندیشه سرتکان دادم . ما ری  
سوی مطبخ رفت و منیم از طریق دهیز

کرد سته درب اتفاق کار خودرا گشودم .  
ساع آخرین لمحات خورشید سما مکا هی که

ازینجه کتابخانه گشته بود ، برای بسک  
دو قدم بسوی وسط اتفاق برداشته بعد یکباره

رجای خود سینه ماندم . برای یک لحظه  
نمیگیرم معنی آنجه هی بینم چیست .

برو- برو بوضعنی وحشت آور که به عیج  
عنوانی نمیشند آن را طبیعی قبول کسر دروی

میز من خواهید بود . خون تیره که از گشته  
تفیقه اش جربان گرده بود ، و حوض

از خون تیره در سطح هیز تشکل مداد واز  
آبها چکچک بر روی زمین میریخت .

بخود آمده بطرف بروتیر و پیش در فسم  
زدنی به او دست زدم کاملا سرداشده بود و

دست بینجا نش گفته بله دشکرده بودم . دوباره  
رسی هیز فروافتاد . مردک مرده بود و کلو له

درست بشقیقه و مغزش آشسته بود .  
بسی در رفته هاری راصدا زدم و به او گفتم

زیرا بمعنی دوکتور بایدک بشتابد و اورا  
بنزدیک من فر خواند و به او گفتم که یک

حادثه رخداده است . آنکه بطرف اتفاق خود  
برگشته در رابست و در انتظار دو کنور

نمایند .

عجب اینکه هاری دو کنور را در هنر لش  
نافته بود . بایدک مردی جدی . ندرست و بلند

زم است که خطوط چهره سردی دارد .  
خوشانه میز کار خودرا به او نشاندند ولی

از هنر تمام دو کنوران خوب . سیماش

طوری بی تفاوت بود که نهی شد احسا من

بغضوی اورا دران لحظه حدس زد . روی  
چشم دیده خم شده بسرعت معاشره گرد . سپس

بلند شده بمن گفته است :  
چشم شده ؟

- طبعی مرده است . تصور هی کنم نیم  
ساعت قبل .

- اتحاد کرده ؟

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

دادار طیب بود . قیل از آنکه به درب حریاط

رُوندون

لیز مغلوب نمیشود یعنی باز است معذلک

زیگ زدم . هاری در حالکه دستان خود را

مفتیش بانگاهی آتشباد بسوی من دیده  
فریاد زد: خاموش!  
نهیم از او فرمان برد خموش شدم و او که  
هنوز هیز کارها معاينه نمیکرد، پر سید:  
برو تیرو چرا آنجا عقب هیز نشسته بود؟  
آیا میغواسته بیامی بنویسد؟ ها! آینما  
کفته بیروزه‌ندانه پارچه کاغذی را از روی هیز  
بلند کرد. ازین بیروزی بعدی بوجود آمده بود  
که بنا اجازه داد تا به اونزدیک شده نگاهی  
به آن کاغذ بیانگیریم. یکورق از یادداشت‌های  
سیدمن بود که روی آن ساعت ۶:۰۰ نوشته  
شده و اینطور آغاز می‌شد:

«باقدار».

معاینه جسد هم از طرف شماچند دقیقه وقت  
گرفت. آری و این حساب درست بتفاسر  
می‌آید.

بایدیوک گفت: درهورد ساعت هعن قتل  
من نمیتوانم بطور دقیق ابراز نظر کنم. من فقط  
حدس زدم.

عهمن برای ما کافی است.

من خواستم چیزی را تو ضمیح بدهم و گفتم:  
آن ساعت ...

ولی مفتیش حرف هرا بپریده گفت:

باچازه تان این هن که باید سوال کنم.  
وقت ماخیلی کم است از نجات ترجیح میدهم  
زیاد حرف نزنید.

سامادر آن ساعت ...

هر دلک بزر مین اتفاده ساعتش نیز  
خواهد است. با این تو تیپ فهمید ن  
ساعت دقیق جنایت آسان می‌گردد. ساعت  
سیز و بیست و دو دقیقه وانشان میدعده.

دزکتور بنتار شما اینمرد چه ساعت فوت  
کرده است؟

- نیمساعت قبل اما ...

مفتیش نگاهی ساعت خود اگند: حال  
ینجده فله از هفت می‌گذرد. درساعت پنج  
دقیقه هانه بیفت یعنی ده دقیقه قبل اطلاع  
داده وجود هم درساعت دفع کم هفت کشش  
شده بود. قرار معلوم بالاصله شمارا به اینجا  
خوانده بودند. حال اینطور حساب کنم که

بسیار ماه هینگریست که گویند هنتر توضیح  
بیشتر است. من به او شرح دادم که جسد را  
چگونه و در چه حالتی پیدا گردم. پس از آنکه  
نام تو فضیحه مرایه آهستگی در دفتر خود  
نوشت، روی بیسوی دو کنوار گرده پرسید:  
از نظر شما علت مرگ چه هست؟

آنای دوکتور؟

ساز نزدیک روی هنر شن فیلم گردیده.

- اسلحه؟

- ناآقتی هرمن را بیرون نیاورده‌ایم، نمیتوان  
بطور قطع درباره نوعیت اسلحه سخن گفت.  
وی تصور هیکتم آقای بروتیرو باطنانچه  
کو چکی از نوع ۲۵ میلی متری بقتل  
رسیده باشد.

من جنکه خوردم. زیرا شب قبل مو قدر  
که بعثت اسلحه به میان آمده بود رانس دیدیگ  
گفت، بود که یک تپانچه هوزر ۲۵ میلی متری  
دارد. مأمور پولیس بانگاه سردی که فقط  
خاصه چشم هایان باید باشد، بسوی من  
کریسته پرسید: آقا شما چیزی تفتقید؟

جواب دادم: خیر.

بدلیل اینکه این فقط یک شبیه ذهنی  
من بود و نبایستی بخاطر آن کسی را در  
مقام اتهام قرار دهم. مأمور از دو کنوار  
پرسید: بنظر شما این حادثه چه وقت رخداده  
است؟

دوکنوار پس از کمتر تردد جواب داد: ذکر  
میکنم نیمساعت قبل هرده باشد. خیلی بیشتر  
از آن نه.

هورست بسوی من پر گشته پرسید:  
- آیا خادمه چیزی شنیده است؟  
- گمان نمیکنم چیزی شنیده باشد. ولی  
اگر از خودش سوال کنید، بهتر خواهد  
شد.

ولی درست در همین لحظه مفتیش سلکالند در  
استانه در پیدیدار شد وی از قصبه (بیتم)  
که در دو کیلومتری قصبه هاواعق است، آمده  
بود. او دارای چشمان سیاه در خشنده، پر  
تعزیزی بود. بقایت سرد و گستاخ  
معلوم می‌شد. دفتر هورست را برد اشته  
بعده مطالب داخل آنرا از نظر گزارانیاب و بعد  
گفت: حتی همه چیز را بیهوده و علایم دانابود  
گردد.

بایدیوک گفت: من ببین چیز دست  
نیزه ام.

من افزودم: بنده نیز.  
مفتیش نگاهش به اشیای روی میز و حوضچه  
نیزه خشکیده خون اگند.  
پس با صدای پیروز هنداش گفت: ها،  
اینک آنچه خیلی بدرد همی خورد. وقتی



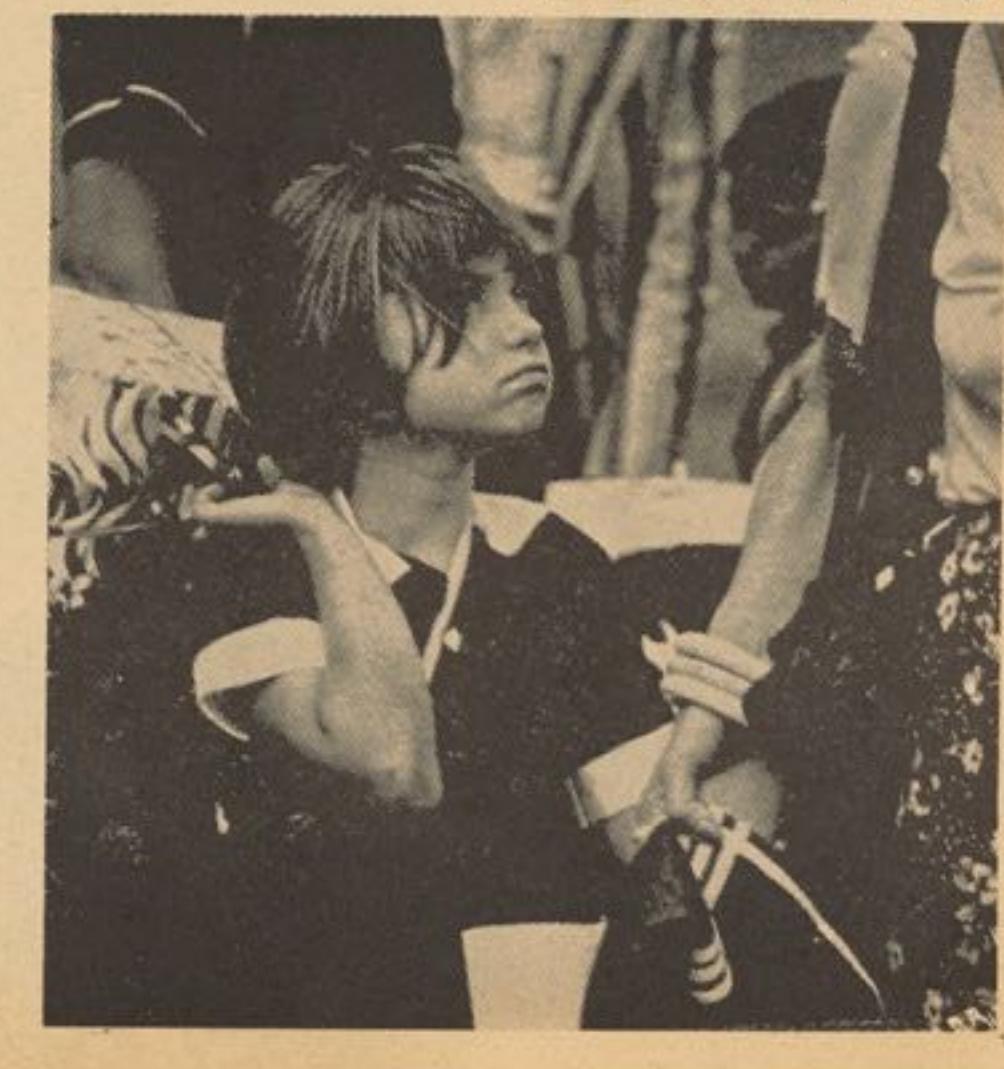
## ذخیره خوشبختی



روان‌شناسی

### آیا کار مانع دزدی کودک می‌شود؟

کار تحت هر شکل و عنوانی که ممکنست بدزدی داشته باشد باشد، یک مقابله ایست با این منصرف می‌کند. آیا تنبیه بد نی دزدی را از بین عمل ناپسند که از کودک سرمیزند و این میل دزدی را در کودک ازمیان میبرد؟ کار نه تنها کودک را بسوی راستی و درستی میراند و رهنما باینکه فرزند ما هر نوع وسا یل بازی و سرگرمی را دارند باز هم می‌کند بلکه افکار متشتت و ناراحتی دست بدزدی می‌زنند. روانشناسان های ناشی از وضع خانوادگی رامجو می‌کند. بسیار نادرست است که کودک طبیعتاً دزد و غیر قابل اصلاح باشد، باید کو دکانی را که بد نبال این اعمال میروند و سبب ناراحتی فکر پدر و مادر می‌گردند، بکارهای تجربه نشان داده است که درستی و داریم. این سرگرمی وعشق بکار کم کودک را از عادتی



- بعضی از مردانه، مثل آهوی اند.
- ۱- این نکات عبارتند از: گریز با، از خانه و خانواده فراری هستند و شادی و شاد کامی را در خارج از کانون خانواده می‌جویند. طبیعی است که همسران این قبيل مردان از زندگی خود و وضعی که شوهر شان برایشان تهیه میدارند ناراضی اند و رنج درد آلودی را احساس می‌کنند. در حالیکه هر زنی با در پیش گرفتن روش حساب شده و معقولی میتواند خودرا یک همسر نمو نه جلوه دهد و شوهرش را نیز در سایه این روش به خانه و خانواده علاقمند سازد.
- ۲- خانه را تمیز و پاک نگهدارید.
- ۳- غذا را مطابق میل او بپزید.
- ۴- صبح زودتر از خواب بر خیزید و گوشش نمایید که شوهر تان را با خوشبوی از خواب بیدار نمایید.
- ۵- میزبان شایسته ای باشید.
- ۶- راز دار باشید.
- ۷- در مقایسه با دیگران «طرف» او را بکثیرید نگذارید که از شما دلخور باشد.
- ۸- در مقابل دیگران و در غیاب شوهر تان از او دفاع کنید.
- ۹- گوشش کنید که در مقابل یک سلسله مقررات و قوانین و نژاکت هایی است که باشد زنان دیگران او را مسخره نسازید.
- ۱۰- او را همانطوریکه هست که روا تشناشان امر یکای تهیه کرده اند، زنانی که این نسخه را بکار برده اند در تا مین نظر خویش توفیق یافته و شوهر ایشان به خانه و خانواده علاقمند ساخته نشان دهید.
- ۱۱- از رویدادهای خوب با او حرف بزنید.
- ۱۲- خود را همانطوریکه هستید،

## اندیشه‌های جوانان



پیغله سیما افاق :

بنظر من مشکل بزرگ دختران ما اینست که زندگی را در جامعه‌ای میکنندند که در حال انتقال از سنت های قدیمی به روش‌های تازه‌زندگی است.

درین مرحله اعتقاد‌ها نسبت به سنت گذشته سنتی می‌گیرد ، در حالیکه هنوز چیزی بظا عنیجای آنها نشسته است.

نسل جوان ، بطور اعم ، در این مرحله ، از نظر روانی دچار اختلالات بسیار است . از طرف وجود سنت‌های قدیمی و رسم‌های متداول ما نو عی فاصله بین نسل فر زندان و نسل او لیاء بو جودی آورد که گاه باعکس العمل های خشن رو حی عمراء است و این عکس العمل ها سبب میکردند که بعضی ناراحتی هایی را در بین خانواده ها ایجاد نماید .

**بناغلی محمد اکبر اکبری :** یکطرف و فر زندان آنها از طرف روابط بین پدرها و مادرها از دیگر ، همیشه مورد گفتگو و مباحثه بوده است .

آگاهی والدین به اصول تعلیم و تربیت و اطلاع آنان از نحوه بار آوردن فر زندانی که روحا و جسمی سالم باشند ، مسئله‌ای است که هنوز بسیاری از خانواده های مارا بخود مشغول ساخته است و کسانی در این راه تو فیق یافته‌اند که خواسته ها و مشکلات زندگی امروزی جوانان را درک گرده اند .



دو نادانشجو فارغ التحصیل  
لیسه آریا نا :

اجتماع امروزی تشریک مسما عی را در پیشبرد امور کشور بین همه افراد ملت خواهان است و تمام افراد جامعه یک بدیگر احتیاج مبهم دارند . چه فرد نمی‌تواند که به تنهایی زیست نماید همانطوریکه مملکت بدون کمک جوانان و افراد باهوش و دانشمند نمی‌تواند به یاده

تر قیات نایل گردد پس بن جوا نان لازم است که در راه ترقی و تعالی کشور عزیز شب و روز گام های فراخ تری بور داشته و زحمات زیادی را متحمل شوند .

گل محمد غوتنی :

اگر دختر و پسری واقعاً بهم علاوه‌نمی‌باشند و بخواهند خانواده تشکیل دهند ، مهریه نمی‌توانند برای آنها مسئله‌ای باشند . هتا سفاته بعضی بدرها و مادرها تصویر میکنند با تعیین مهریه سنگین ارزش دخترانشان را بالا میبرند در صورتیکه حقیقت غیر ازین است و مهریه نمی‌تواند ضا من خوشبختی یک دختر باشد .



## استقلال

- بزرگترین همه غنیمت های زندگی بشری یا آنکه لا اقل بی آن نمیتوان از دیگر غنیمت ها لذت برداستقلال است .

- کلمه استقلال با اندیشه‌شرافت و تقوا همراه است و کلمه عدم استقلال با پستی و فساد .

- خدا آزادی را بکسانی می‌بخشاید که آنرا دوست میدارد و همیشه آماده هستند که آن را نگهداری کرده از آن دفاع کنند .

- آزادی گیا هست . آنگاه که ریشه گرفت بسرعت رشد می‌کند .  
«ج و اشنگن»

- مملکت به دارایی خود هیچگاه مراجعت نمی‌نماید بلکه تناسب آزادیست که افراد از آن ممتعه‌اند .

- بزرگترین نیک نامی که بدان آزارسته است عبارت از مقدار و اندازه آزادی افراد آن مملکت می‌باشد .

- هر کسی باید سعی کند در حیات خود خستی محکم بر اساس کاخ البرت نیل

- هر گاه می‌خواهید آزاد باشید باید پرستش حقیقت را بیشه خود

- یکی از خصوصیات آزادی اینست که از نظر فردی نمیتوان تصور واد را کرد . آزادی هر فرد بستکی نزدیک به آزادی دیگران دارد .

«لا نژون»  
«فرستنده فریمان، ن»

## ویلو تو یا چار چرخه

چندی قبل بازار بایسکل و تری سایکل گرم بود . اما امروز چهار سایکل ( چار چرخه ) بمعانی آمده و دیده شود که آیا این پدیده نواز طرف مردم استقبال خواهد شدیا خیر ؟

بحر حال چار چرخه که تازه‌به بازار آمده است دارای دو متر طول ، یک متر عرض و ۸ کیلوگرام وزن است و دو نفر برای حمل در آن میتوانند سوار شوند و از مزایای این و سیله نقلیه یکی هم راندن آن در زمستان است .

اما نواقصی هم از قبیل پار کنگ و نقل دادن آن از یکجا به جای دیگر دارد . و دیده شود که در آینده استقبال مردم از این پدیده نوچه خواهد بود و بازار فروش آن به شکل ؟

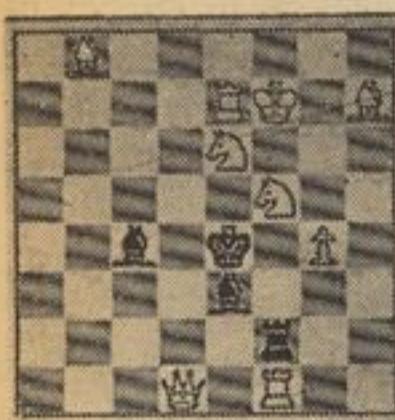


ویلو تو چار چرخه جدید که تازه بیان آمده است .

مسائل شطرنج

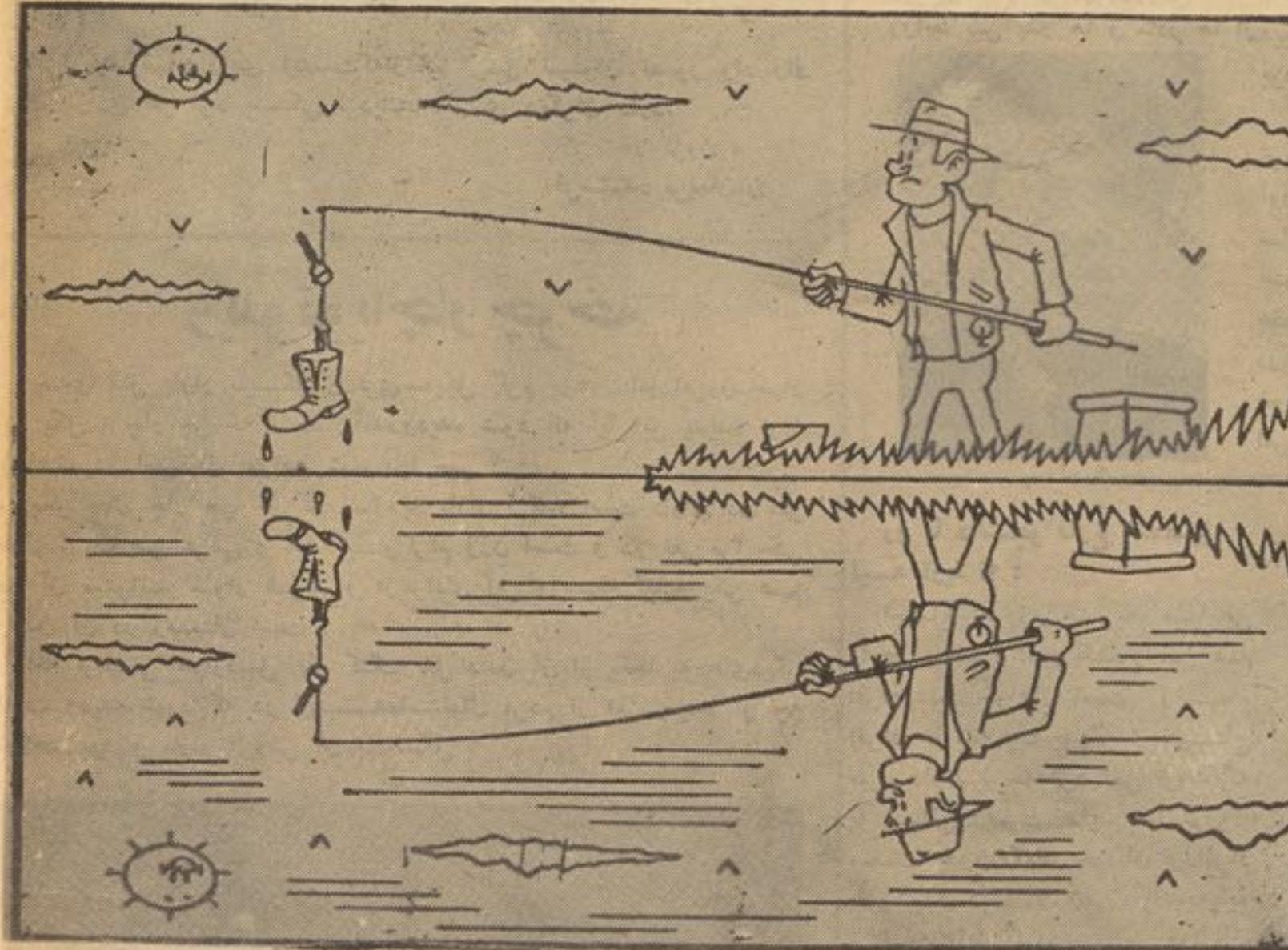
# سو گردی ها

مرتب صفحه صالح محمد کهیسار



## چند اختلاف

بادقت میتوانید در یابید که رسم این تابلو هنگامیکه نقش ماهیگیر را در آب رسم میکرده است، چه اشتباهاهی را مرتب شده و در کدام قسمت شروع نموده در دو حرکت سیاه را ها ماهیگیر با تصویر خوبش در آب اختلاف دارد.



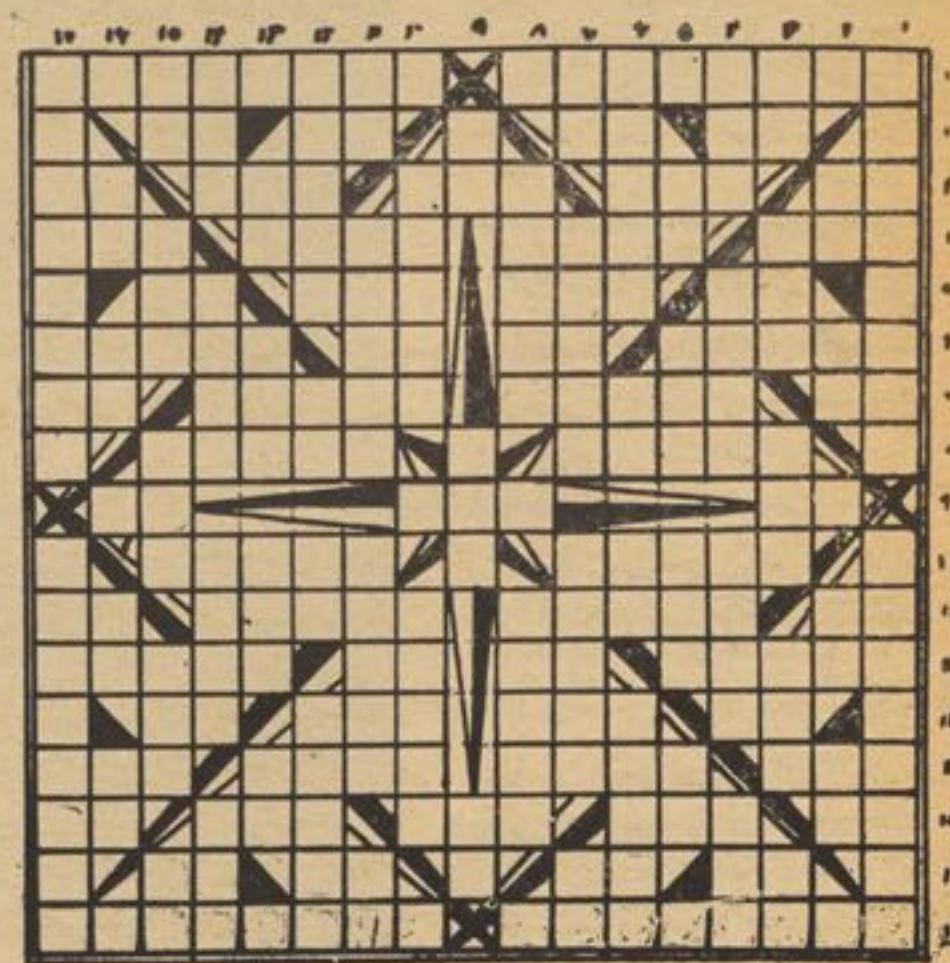
## کودک دیروز چه و سرشناس امروز

کاز تان سهیلتر باشد یاد آوری  
در دو طیاره ۲ خد و ۳ بولن  
میکنیم که یکی ازین چهار نفر امروز  
رئیس جمهور یکی ملکه سومی ستاره  
ای بر جسته و چهار می هنر پیشه  
معروفی است . بدین ترتیب شناختن  
آنها کار ساده ای است .

قیافه آدمیزاد طی سالهای دراز زندگی تغییرات محسوسی پیدا میکند اما آنچه باصطلاح مایه اصلی آن است ثابت میماند نمونه آن چهار نفری است که در اینجا می بینید این قیافه امروز چه میکنند . ۶۰۰۰ اما برای اینکه



## جدول کلمات متقاطع



- چیزی رانگاه کردن - از ولسوالی های غرب کشور ما - در نده -  
۱۲- از جواهرات قیمت بها - نصف صلیب - هردو یش یکی  
است - منکر -  
۱۳- مرگ دوام دار - همه اش یکی است - از خزنده گان - حرف  
ربط -  
۱۴- آمر میکنند - مهربانی - ساکت و بی شر و شور - از اسم  
ژان زاک رسو -  
۱۵- از اعداد - دل محبت - از آتش خیزد -  
۱۶- دست گوتاه - رسیدن - محل - کر معکوس -  
۱۷- از کشور های جهان - اثری از تولستوی -

### فلمهای هنری پیشه ها



مسابقه این هفته ما درین صفحه عکس هشت هنرپیشه زن و مرد را چاپ نمودیم شما باید برای مابتویسید کدامیک ۱ زن هنرپیشه کشان زن در کدام فیلم با یکی ازین هنرپیشه های مردمیازی بو دند و درین صفو رت اسامی هردو هنرپیشه و فیلمی که آن دو مشتر کا در آن بازی کرد ها ند ضروری است کسانی که میتوانند حد اقل اسم چهار فیلم را با نام صحیح هنرپیشه آن برای ما بنویسد عکس حل کننده را چاپ میکنیم.

آن است -

- ۱- از کشور های جهان - ۱۵- شروع و پایان تیم - یک کشواریست در آسیا اما کوچک - لسان - شاخ شکسته - کارگر میکنند - خود ما - باغ نارسیده - سنبیل باریکی -  
۱۶- نام گوتاه - از فلزات - داغ نشده - دیوار -  
۱۷- نویسنده کتاب فاجعه آسیای سبز - اثری از گراهام بل -

**عمودی**

- ۱- علم هستوی - ملکه مصر قدیم که باز هر مار خود را کشته -  
۵- برادر پدر - با روز های باران ضد راست - دو حرف در دو خانه -  
۶- از پایخت های جهان - نزدیک - از دروازه دهن - حرف جمع - کوه های میوه جات مفید - آتش پستو - موسیقی شبان - است در آسیا -

۷- نصف زاله - از خوانندگان

- رادیو کابل - در عدالت میکنند - ضرر - از خوردنی ها - عددی است -  
۸- از آلات آهنی - متلاطم به املای بیسم «رس» معکوس - جنگ انداز - غلط -  
۹- نصف میله - مخترع کاغذ از ربط - سرش را ببرید تالیمو باقی جوب - کلمه ربط -  
۱۰- از سبزیجات - جمع قمر -  
۱۱- صد هزار - معشوقه جلالی -  
دعن پرنده کان - اجداد -

۱۲- وجیبه - دو حرف هم جنس

- در دوازه - معکوس جن - اله تعقیب کورکی - طیاره -  
۹- از غله جات - مخترع سیم داخلی جراح - در شب میسو زد -  
۱۳- در بین خوبی - محبت - احتیاج به خوردن غذای ضد سفید در سر می روید -  
۱۰- از لیسه های کشور - عددی در پستو -  
۱۱- شان و شوکت - اثری از زیاد - فسخ شده -  
۱۲- مار مغشوش - فیر کردن -  
تول براگنده - موڑ مخترع ماشین

اگر کار نکند به تو اقصی و اشتیاهات  
خود بی برده نمی توانند حالا اداره  
لیسه و تر تیرها به همراه هی معلمین  
مسلکی تلاش دارند تا ورزشکاران  
این لیسه بقدر کافی تمرین کنند تا در  
رشته های مطلوبه شان پیروزی بد  
دست آورند و تربیه بهتر شوند.

گفتم ممکن است درباره مسا بقات  
کمی بیشتر صحبت کنید؟ گفت:  
سیما ر خوب لیسه آریانا  
امسال چند بار مسابقه تمود، اما  
مسابقه ایکه برای بار اول این  
لیسه با لیسه جمهوریت اتحاد دادند  
فوق العاده خوب بود من از استعداد  
و بازی همه ورزشکاران بخصوص ص  
پیغلو زر مینه سلطانه، ۱۳ اکره و آریانا  
که از لیسه عایشه درانی آمده بیاد  
نموده آثارا قابل تمجید بودند ناما  
دیگران رایه نسبت که بازیهای  
بی هزه و حساب نشده نی دارند نام  
گرفته نمی توانم.

باز از این معلمه سوال میکنم که  
برای اینکه مسابقه بهتر و خوبتر  
جربان بیداکند کدام نکات باشد  
مد نظر باشد؟

فورا میگوید: برای جربان بهتر  
مسابقه نخست اعضا هر تیم  
اتحاد و همکاری داشته باشند و  
سپس در مسابقه باید از تاکنیک  
های سیبورت استفاده شود آنهم  
تاکنیک های جدید تا ورزش شکل  
بهتر را بخود اختیار کند و مسابقه به  
شكل دوستانه و رفیقانه بینداز  
کشیده شود.

پر سیدم که آیا با مسابقه (۹)  
ساله ورزش به دریافت کدام جایزه  
نایل شده بی؟ به پاسخ گفت: بلی  
یکبار در مسا بقات با سکتبال  
که بین تیم سرخ و آبی دایر شده بیک  
فعالیتی از خود نشان بدهد و این  
راه مصدر خدمتی گردد از وی -  
که تا هنوز در صنف ۱۵ دارالمعلمین  
در مسابقه دو می عنین مداد از طرف  
بوهنون بمن داده شده است که  
برایم ارزش تنبیه بزرگ دارد و بدان  
افتخار میکنم. و قتنی می بینیم تا حال

سیما واحدی



خاطره خوشی از سیما واحدی هوچیکه در تورنمنتی بغا طرانتخاب بهترین باسکتبال لو بر مزار شده بود اشتراک داشت

در مسا بقات تیم سرخ و آبی یک مداد نقره بی از طرف پو هنتو ن  
برایم داده شد که علاقه هم باشد به سیبورت زیاد نمود

## بهترین و نخستین مسابقه باسکتبال بین لیسه آریانا و لیسه جمهوریت

قدرتانی از یک ورزشکار ما یه افتخار او بوده می تواند

مادراین شماره به سلسله معرفی عضو کلب پو هنتو ن انت و با مسابقه  
و آشنایی چهره های ورزشی مصاحبه (۹) ساله سیبورت باسکتبال یک  
بامعلمه ورزش لیسه آریانا انجام تن از چهره های درخشان نسوان در  
داده ایم که اینک مختصران تقدیم عالم ورزش محسوب میشود.

سیما واحدی که تازه (۱۸) بهار  
می شود. این معلمه، ورزشکار خوش خلق زندگی را دیده و از آغاز امسال به  
و تمرین پرداخته میتواند شما میدانید همه سوالاتم در پیرامون ورزش بود  
لذابی مقدمه از او می برسم: اوقات  
ساعات درسی این ورزشکاران کم و  
فراغت تازرا چگونه می گذرانند؟  
ناکافی است از اینرو کمتر به مشق  
سیما لحظه چشما نش را به میز  
و لایقی است که از سال ۴۹ بدینسو حیث معلمه ایقای وظیفه مینماید - عدم وقت کافی برای ورزشکار باعث  
بنابر علاقه مفرطی که به ورزش دارد آرزو دارد که درسا حه سیبورت - عقب افتادن ورزش میشود ورزشکار میگوید:

بقیه در صفحه ۵۳



# ازدواستان



عبدالرشید ایوب

## گل و بلبل

سرش مست از غرور های جوانی  
به ناز و عشه وهم دلرباییس  
به مثل شمع و پروانه فساییس  
کسر فتار منست او جاودانیس  
که میخواند سرود مهربانی  
عهه رازو نیاز زار خوانیس  
ولی از من نینند با وفاییس  
و زید از بستان باد خزانی  
تش لرزید ورنگ شد زغوانی  
که زود وقت ازین دنیایی فانی  
تش لرزید و برمیباشد بر افتاد  
دلش سرد شد زاب زنده گانی

گلی در باغ میگرد خود نهائیس  
هزاران عاشق دیرینه دارم ...  
نسیم هر صبح آید بر طوافم  
همیشه عاشق من است بلبل  
صدای نالش بلبل بکو شم  
ولی هر گز بگوشم ره ندارد  
طنین نفعه اش خواند وفا دا  
در آن ساعت گهگل میگفت بالخود  
فسرده شد از آن باد وغمی شد  
بگلنا : آه ! افسوس ودینها  
تش لرزید و برمیباشد بر افتاد  
دلش سرد شد زاب زنده گانی

## الکساندر دوما

الکساندر دومایکی از مشهور ترین رمان نویسان فرانسه است که در سال ۱۸۰۳ در دریاویس به معرض نمایش گذاشتند. از آن ویلر کوت دنیا آمد. وی پسر یکی از جنرال های فرانسه بود. از فروش واژدادهای زندگی مجلل و با شکوهی ترتیب داد.

دوما چون دارای خط زیبایی بود پس از تمام تحصیلات ابتدا در یک دفتر خانه پکار تفتکدار، گردن یندخانم موسورو، ملکه هارگو، نوزف بالسامو، پاسداران چهل و پنج ساله، وارد خدمت یکی از بزرگان آن دوره گشت. آموری، لالة سیاه، تاثرات سفر، گودال چینم خداوسیله سازاست، تبعید شدگان، ابوالبول سرخ، برج کج و کنت مونت کریستو رامینتوان نامبرد.

دو مادر سال ۱۸۷۰ با جهان فانی وداع گفت. ارسالی : احمد اجمل امین

نوشته صامد

پیوست به گذشته

## هنگام غروب

صبح سر کارم می رفتم و غروب ها میخواستم او شمع زندگی من سکوت آزار دهنده بین ما ایجاد آنوقت که خور شید با تن خسته به شود و من با استفاده از نور آن تاریکی گردید. بستر می رفت من هم یکنواخت بخانه های زندگی ام را در یام. می بنداشتم او چون فانوسی هست که مرا از ظلمت احسان تنهایی میگردم، احسان خابریکه و فلان وزارت خانه و فلان میرفتم. آنجاییکه بی چیز بودیم همه در ها با دیدن یک جفت چشممان سیاه که بروی ما بسته بود دیگر آهسته نگاه اش از عشق می در خشید، آهسته نامید میشدم که یکی از احساس کردم، ستاره هستی ام در دوستان پدرم به یاری ام شتا فست آسمان چشم (او) نهفته است. از سیاه و قشنگ او را نوازش میگرد، در اثر کوششها او استخدام آنروز به بعد دیگر شبها و روزها شدم. بدهدمی اندیشیدم. و آنروز که در اخیر برج معاشر را گرفتم خوشی عجیبی برایم دست خود را به دیدارش که در یکی از شعبه های وزارت کار میگرد می رسانیدم داد. هر طوری بود یکی دو بار درست آنروز را بخاطر دارم. هوا خنده دار، لبخند ساختگی و بی رمقی بخواهد. همچنان دست خود را به دیدارش که در یکی از شعبه های وزارت کار میگرد می رسانیدم درست غروب روز بود، نسیم لذا نگاه (او) بود که درد سوزنده ام بهاری روی بر گها و شاخه را تسکین می بخشید. تا بالاخره های درختان میخزید و من در حاليکه روزی از (او) دعوت کردم تا با هم ملاقاتی کنیم. همه چیز را بخود آشنایی بنداشتم باشوق و علاقه خاصی روانه خانه دیگر با گذشت هر روز خود رادر کنار فخریه موفق و خوشبخت بودم، عکس آنروز های که از رفتن میدانستم. به خانه احسان خجالت میگردم. زندگی بخور و نمیری داشتیم تصمیم داشتم هر چه زودتر با او من می ترسم از همه چیز میترسم فقط و بدینترتیب روزها و ماه ها ازدواج نموده حلقه محبت را فشرده در کنار توست که احسان آرا می ناپدید شده بود.

ناتمام

صفحه ۴۵

شماره ۳۰



# حـوـچـهـ خـسـ نـولـ كـروـ

يو فلسطيني پار تيزان دتمرين پهحال کي

دبي وزلو يهودانو دتصفيي او چان او تر هفه را وروسته بو ری عملیي کولو اووزلو په کار کي له هيتلريانو کريده.

سره مرسته کريده. هفه معتبری انگريزى لیکوال « ارسکين چيلدرز » مقالی چه بدی برخى کي خيرى شوي دير كلونه هخه وکره چه دا خبره دی ، دا خبره به داگه کوي چـهـ نابـهـ کـرـيـ اوـ بـهـ پـاـيـ کـيـ بيـ 1961ـ سـهـ صـهـيـوـ نـيـسـتـانـوـ پـهـ هيـتلـرـيـ گـمـبـونـوـگـنـ کـالـ دـمـسـيـ دـمـيـاشـتـيـ بهـ 12ـ نـيـتـهـ دـيـتوـ پـولـيسـوـ تـشـكـيلـاتـ منـخـ تـهـ دـسيـكتـاتـورـ پـهـ جـريـديـ کـيـ خـپـورـ رـاوـسـتـلـىـ وـ هـغـوـيـ بهـ «ـکـتوـ»ـ گـاـ نـوـ کـانـدـيـ اوـ دـاـ هـفـهـ مـقـالـهـ دـهـ چـهـ «ـکـتوـ»ـ گـاـ نـيـ دـارـوـپـاـيـيـ بـهـ بـارـوـنـوـ دـبـيـ نـومـوـيـ لـيـکـوالـ پـهـ دـيرـ زـيـارـ زـحـمـتـ وـزـلـوـ يـهـوـ دـاـنـوـ دـاـسـتـوـ گـنـيـ سـيـمـيـ سـرـهـ بـرـايـرـهـ کـرـيـدهـ دـاـ هـفـهـ مـوـئـقـعـ بـلـلـيـ کـيـدـلـيـ )ـ دـگـشـتـاـ بـوـ وـظـيفـيـ پـهـغـاهـ رـيـوبـ دـيـ چـهـ دـصـهـيـوـ نـيـسـتـيـ

تروريزم ديلو تبلو له عملياتو خخه درلودي .

برابر شويدي . دا چه دغه دلـيـ «ـکـتوـ پـهـ خـپـلـيـ مـبارـزـيـ کـيـ»ـ نـومـيـ خـنـگـهـ يـهـ نـيـوـلـ شـوـيـوـ سـيـمـيـ دـخـلـكـوـ پـهـ دـلـهـ آـيـزـهـ توـگـهـ دـنـشـتـ کـولـوـ عـمـدـيـ بـرـمـخـ بـيـاـيـيـ :

\*\*\*

«ـ ماـ دـاـ اـنـكـلـ وـکـرـ چـهـ 1948ـ دـاـلـ 1948ـ کـيـ رـسـماـ جـوـرـهـ شـوـهـ اـوـدـکـوـچـنـيـ يـهـ اـکـتـوبرـ کـيـ خـيرـيـ شـوـيـ دـاـکـوـ نـوـ بـورـزـواـزـيـ گـونـدـ وـ )ـ دـمـرـکـرـيـ کـمـيـيـ مـيـسـتـ مـجـلـيـ دـوـيـهـ گـهـ دـمـجـلـوـ لـهـ لـهـ خـواـ خـپـرـهـ شـوـيـ وـهـ دـاـ خـبـرـهـ يـهـ دـاـگـهـ شـوـيـدـهـ چـهـ هيـتلـرـ يـانـوـ دـاـسـيـ وـيـتـيلـهـ، چـهـ دـيـبـودـ يـانـوـ آـرـائـسـ دـيـ نـرـيـ کـيـ خـپـورـ شـوـيـدـيـ اوـ اـحـتـمـالـهـهـ مـتـنـ يـهـ هـمـدـيـ گـهـ کـيـ وـ خـوـ ماـ پـخـراـ بـهـ هـفـهـ کـيـ دـيرـ عـجـيبـ شـيـ لـيـدـلـيـ وـ لـاسـلـيـکـ کـرـيـ .

هرـتـسلـ يـهـ خـيلـ «ـ دـيـبـودـوـدـولـتـ»ـ دـيـ دـيـوـيـ «ـ بـيـنـيـ»ـ پـهـ وـسـيـلـهـ هـيـبعـ نـومـيـ کـتـابـ کـيـ خـپـلـوـ بـلـوـ يـانـوـ نـهـ لـاـرـ باـ اـنـصـافـهـ کـتـونـکـيـ اوـ شـاـهـدـ جـهـ بـيـوـونـهـ کـوـيـ چـهـ «ـ دـدـغـوـ خـنـاـورـاـنـوـ دـاـلـ 1948ـ کـالـ پـهـ فـلـسـطـيـنـ کـيـ بـيـ ژـوـندـ تـرـمـتـخـهـ بـمـونـهـ وـجـوـيـ»ـ اوـ دـصـهـيـوـ کـرـيـدهـ هـفـهـ خـهـ چـهـ دـهـمـاغـهـ کـالـ بـهـ نـيـسـتـانـوـ پـلـوـ تـبـلـوـ دـيـبـودـ دـغـهـ سـيـارـبـشـتـهـ اـبـرـيلـ کـيـ دـدـيرـ يـاسـيـنـ يـهـ کـلـيـ کـشـيـ دـهـرـتـسلـ لـهـ وـخـتـهـ بـيـاـ دـمـوشـهـ دـاـيـانـ بـيـتـنـ شـولـ «ـ بـيـتـهـ»ـ نـهـ بـولـيـ . دـاـيـوـ

سرـيـزـهـ

پـدـيـ مـقـالـيـ کـيـ هـفـهـ موـتـقـ اـسـنـادـاـوـهـفـهـ عـيـنـيـ کـتـنـيـ اوـ مـشاـهـدـاـتـسـتـاسـوـ لـهـ نـظـرـهـ تـيـرـيـزـيـ چـهـ دـانـگـرـيـزـيـ لـيـکـوالـ بـسـاـغـلـيـ اـرـسـلـكـيـنـ چـيلـدرـزـ لـهـ خـواـبـراـبـرـ شـوـيـدـيـ چـهـ هـفـهـ دـيـوـيـ ژـورـيـ خـيـرـيـ بـهـ وـسـيـلـهـ بـرـاـبـرـ کـرـيـدهـ . چـيلـدرـزـ پـهـ عـربـيـ اـشـغـالـيـ سـيـمـوـ اوـ پـهـ تـيـرـهـ بـيـاـبـهـ بـيـتـ المـقـدـسـ کـيـ دـعـفـوـ خـونـيـوـ وـذـنـوـ اوـ جـنـاـيـتـونـوـ خـخـهـ بـرـدـهـ يـورـتـهـ کـوـيـ چـهـ صـهـيـوـ نـيـسـتـانـوـ تـرـسـرـهـ کـرـيـدهـ . دـخـلـكـولـهـ منـخـهـ وـبـلـ اوـوـ ژـلـ بـلـدـنـيـ شـكـنـجـيـ ، خـانـکـرـيـ ، قـتـلـونـهـ ، کـوـاـبـنـ اوـ دـوـيـرـيـ خـپـرـولـ اـوـدـكـلـيـوـالـوـدـلـهـ اـيـزـيـ قـصـابـيـ اوـ دـاـسـيـ نـورـ هـفـهـ صـحـنـيـ دـيـ چـهـ شـرـحـهـ يـيـ پـدـغـيـ کـتـنـيـ کـيـ رـاـغـلـيـ دـيـ . دـمـالـكـيـتـ سـلـبـولـ ، لـهـ بـيـارـ اوـ کـورـاوـ بـلـارـنـيـ سـيـمـيـ خـخـهـ دـعـرـبـانـوـشـرـلـ ، بـهـ تـكـ رـاتـنـگـ دـبـنـيـزـونـوـ لـكـولـ ، تـيـرـيـ اوـ تـجـاـوـزـ ، دـخـلـكـوـ دـحـقـوقـوـ لـوـقـلـ ، دـصـهـيـوـنـيـسـتـيـ ذـدـهـ کـرـوـدـمـرـ کـزـوـجـوـرـولـ اوـ پـهـ عـربـيـ سـيـمـوـ کـيـ دـصـهـيـوـ نـيـزـمـ خـپـرـولـ تـولـ هـفـهـ مـسـاـيـلـ دـيـ چـهـ دـغـهـ اـنـگـرـيـزـيـ لـيـکـوالـ تـشـرـيـعـ کـرـيـدهـ . دـاـ تـاسـوـ اوـ دـاـ مـقـالـهـ .

يـهـ نـيـوـلـ شـوـيـ فـلـسـطـيـنـ کـيـ دـ جـهـانـيـ جـيـكـرـيـ کـيـ دـيـبـولـنـهـ دـنـيـولـ بـهـ صـهـيـوـ نـيـسـتـانـوـ دـجـنـاـ يـاـ توـ يـوـهـ اوـبـرـدوـ کـيـ دـدرـيـ سـوـهـ زـرـهـ يـهـودـيـانـوـ لـنـدـهـ کـتـنـهـ دـصـهـيـوـ نـيـسـتـيـ نـهـضـتـ لـهـ بـيـلـ دـاـكـتـرـ اـسـتـوفـ بـلـيـوـفـسـكـيـ چـهـ خـخـهـ بـيـاـ تـرـ اوـسـهـ بـورـيـ ، جـنـاـيـتـهـمـ دـجـكـرـيـ کـيـ دـيـبـولـنـهـ دـهـغـيـ کـمـيـتـيـ يـوـمـمـ غـرـيـ دـيـ چـهـ گـامـ يـهـ کـامـ وـرـسـرـهـ رـاـغـلـيـ دـيـ اوـ دـجـكـرـيـ کـيـ دـيـبـولـنـهـ شـوـيـ جـنـاـيـاتـوـ دـخـيـرـنـيـ لـيـارـهـ منـخـهـ تـهـ رـاـغـلـيـ دـيـ دـدـيـ خـبـرـيـ وـجـهـ دـادـهـ چـهـ دـصـهـيـوـنـيـسـتـيـ نـرـيـ لـيدـ (ـاـيـدـيـالـوـرـيـ)ـ وـهـ ، يـهـ خـبـلـوـخـاطـرـ وـ کـيـ دـدـغـيـ مـوـضـوـعـ دـصـهـيـوـنـيـسـتـيـ بـيـدـ کـرـيـدهـ . هـفـهـ هـيـداـشـانـ زـيـاتـوـيـ بـهـ طـبـيـعـتـ کـيـ تـرـ وـرـيـزـمـ خـرـگـنـدـ دـيـ اوـ دـغـهـ خـبـرـهـ خـهـ دـتـنـوـ دـورـ هـرـ تـسـلـ جـهـ «ـ صـهـيـوـنـيـسـتـ سـازـهـانـ»ـ دـيـ بـيـ اوـ دـغـهـ خـبـرـهـ خـهـ اوـخـهـ دـعـفـوـ دـلـهـ وـزـلـوـ اوـ نـيـسـتـمـنـوـ يـهـودـانـوـ بـهـ وـزـلـ دـلـيـکـنـوـ لـهـ تـرـخـ خـخـهـ اوـخـهـ دـعـفـوـ دـلـهـ کـيـ لـهـ نـازـيـانـوـ سـرـهـ هـمـكـارـيـ اوـلـاـسـ دـدـاـخـلـهـ وـزـيـرـ (ـمـ.ـ بـكـنـ)ـ يـهـ اـمـ سـرـهـ اـيـونـهـ کـولـهـ . اوـ دـاـ بـخـيـلـهـ دـيـبـامـوـرـ خـبـرـهـ دـتـرـ وـرـيـسـتـيـ دـلـوـ لـهـ خـواـ کـيـرـيـ ، دـهـ چـهـ (ـمـ.ـ بـكـنـ)ـ بـخـيـلـهـ يـوـ نـيـازـيـ خـرـگـنـدـيـرـيـ . صـهـيـوـ نـيـسـتـيـ تـرـوـرـيـزـمـ مـنـصـبـدارـ ۲ـ

بهـ لـوـمـرـيـ سـرـ کـيـ هـمـ دـعـر~وـ اوـ هـمـ ھـفـهـ يـوـ زـيـاتـ شـمـيرـ کـتاـ بـونـهـ چـهـ بـدـيـ بـرـخـيـ کـيـ خـيـارـهـ شـوـيـدـيـ ـ هـدـفـ دـدـيـ لـيـارـهـ يـهـ نـظـرـ کـيـ نـيـوـلـ دـنـهـ رـدـ کـيـدـوـنـکـوـ اـسـنـادـوـ سـرـهـ دـاـ پـهـ شـوـيـ وـ چـهـ دـاـرـوـيـاـ يـهـودـيـانـ دـخـيـلـوـ دـاـگـهـ کـوـيـ چـهـ دـنـرـيـوـالـ اـمـرـيـاـ لـيـزـ مـ هـيـادـوـ بـرـيـتـنـوـ دـوـ تـهـ اـبـاـسـيـ اوـبـدـيـ دـصـهـيـوـنـيـسـتـيـ پـانـگـولـيـ قـوـتـونـوـ بـهـ لـارـهـ کـيـ صـهـيـوـ نـيـسـتـانـوـ بـهـ دـوـيـمـيـ لـهـسـتـانـ اوـنـورـ اوـرـبـاـيـيـ هـيـادـوـ کـيـ



### دفلسطینانو دفدا یانو و پارتیزانانو یوه دله

چهما به اورشلیم کی تیره کره، ر عنوان لاندی لیکلی ده واپی: « ټول ددغو جریا ناتو په علتو تو بشه پو هیبری: نپیوال امپریالیزم او دهفعه کوچنی دولت احمقانه او له تظاهر خخه ٻاک اعمال چه خان دخاوند دارادی غوره عناصر بولی... خوانمردی او شرافت په انسان باندی حکم کوي چه لـ حقیقت سره مخا منځ شی له چه خان ترینه تیر کړي».

مسیحی خور ماری ترز لیکی: « دندکری دپاسه دری تنه ماشو ما ن دخنکنند په حال کی دی، اسرائیلی الوتکی اسلامی سیمی یمبار ما ن کوي . دهفعه سپری پېښه او پېښه ماشومان چه له « ټول » سره راغی ټول مړه شویدی . دغه دری ماشومان په یوی بلی کورنی یوری اړه لري . مور هقه روغنون ته بیايو . یوچارونکی یوی او لو ګی له کومی خواتر سپړه هو کېږي . زه دخنک دروازه خلاصون دانسانی جسد و نو یوه کو ټه دې نیمه ور بېرته ترم او اسرائیلی سپایان تو ته وايم چه دا روغنون دی مسلخ نهای تاسو دلته خه کړیدی؟

- نوربیا-

تلخکو ته خرگند دي . کله چه بیبری غوبنتل تر منځه و یره خبره کـه بشار ته یې دتو یکو نو خو له برانیستله او پدی توګه او دهندغی مقاماتو دغی بیبری ته دننو تلو داجازی له ور کولو خخه ډډه وکړه . اوله بیبری خخه یې غوبنتل چه له خپلو مسابرانو سره دما وریکا ټایو نه ولاړه شی . او په هماغه کش او کرب کی دصهیو نیزم انتلیجننس سرویس دبیری او دهفعی دسورلیو دوزلوا او نشت کولو تصمیم ونیو ... سه په همدي وخت کی خینو محافلوا او صهیو نیزم دټولو یهود یانـو متحدو ایالاتو کی دهندی هدف لپاره کار کاوه . (جان دوید کیم چـی) ته زغرده سره لیکی چه « هفه علتو نه چه دپاتریا دبیری دجاوندی سبب شول ، هیڅکله په ډاګه نشول خو ټول پدی خبره پو هیبری چه ددی پېښی شاته د « هاګانا ساز ما ن ولار ۹۰ »

مسیحی خور ماری ترز دشپن ورخنی جکړی په هکله په خپلو پدغسى شرایطو کي ڏ چه خاطراتو کي چه ده تیمو نیاز کرستین » دیهودی بیبری ، پاتریا دمسا پرو دمجلی په ۱۲۰۳ کهه کي خباره شوی دی دیوی مقالی په ترڅ کی چه ۱۹۶۷ دنیوں شو .

ددی بیبری دسر نوشت پای ټولو دجولابی په ۲۷ نیټه یې د « هفه جکړه

غیر پوځی او عربی بې طرفه کلني رـ له ۲۵۰ تنو خخه زیات نارینه، پېښه او ماشومان ده ایرګون زواي لعومه دصهیو نیستی ساز مان دغرو له حوا قتل عام شول او له لوبت هاری سره سره یې دهفو لاس او پېښی بری کړل او په کوهی ګانو او خا ګانو کې توبي کړی شول .

په ها ګانا ، باندی دبرید خخه خلور ورخنی دمځه ایرګون دېښاري خلور ورخنی دمځه ایرګون ( دېښاري عربی ټولنو ) ته اخطار وکړ چه دا بېړل په میاشتی کې په تیغوس وبا او هغه ته ورته ناروغی خپری شی . نتیجه خرگنده ده ، دووه اوونی وروسته همدهغه ایرګون - چه ظاهراً یې دوهره نسبت عربانو ته زړه سواند بنوده ، ددیر یاسین دکلی او سیدونکۍ قصابی کړل . وروسته بیا ایرګون یوه مطبوعاتی مرکه ترتیب کړه خو بدی توګه له هغه پېښی خخه نور ده . او بیا یې پېښل شوی عرب ن یېودی سیمیو ته په اور شلیم کېښی ولپردو . خو چه خلک د هغوي په مخ باندی لاړی ورتو کړي . او بیا یې هغوي خوشی کړل خو هغه خبره خپلو خپلوا نو ته وکړي چه پدوي باندی دهغه « پېښی » په نتیجه کېښی تیره شوی وه . آرتور کوستنر ددیر یاسین د « دنبو حمام » دایر ګون ددلی روحي عامل وباله . نو موږی په خپل کتاب کی لیکی چه دهاګانو راډیو قول ور کاوه چه دهفعه بشار شول . یعنی حیفا او سیدونکۍ عربان په

دهفعه د اسکورت تر را رسیدلو بشار ساتی . ټپر شا هدان شته دی چه له لودسپیکر ونو خخه داستفاده پدغسى نمونو باندی شاهدی ورکړي . په اور شلیم کي هغه اخطار چه په عربی زبه دلودسپیکر ونو په وسینه خپریده داسی و چه : « مخکښی تردی چه دیو هه دلے انسا نانو دخلاصون په فکر کې وی، غوبنتل یې چه یو زیات شمیر یهودان دله ایزو ګډوالو په توګه فلسطین ته ولپر دوی . دغه سیاست دامیریا لیستی ګټو سره چـه صهیو نیزم له ټپر پخوا خهدور بوری نېښتی و، سمون در لود . او سمون لوي .

او هغه منصبدار چه ددغه جریان مسؤول قو هاندان او بولند وي وـ ، موشه دایان په سینا باندی دبرید بولندو په ۱۹۵۶ کې او د اسرائیل د کابینې دفاع وزیر دی . کمیشې تشریع کوي چه خنګه ۱۹۴۸ د جولاۍ به ۱۱ نیټه موشه دایان دڅلکی قوماندی لاندی قوتو نو سره دلیدا

ترجمه رشید پور

# چهره‌هایی از جهان سینما و هنر

## هنرمندان، نویسنده‌گان، و فاهمبردارانی که هنگامه‌ها ایجاد کردند

در جای خود دش حایز اهمیت بزرگی میباشد و مشهور ترین کتابهای او کتابی است بنام (فهرست فلم‌های بریتانیا بی از سال ۱۸۹۵-۱۹۷۰) و این یک مرجع و منبع خوبی است برای آنها بی که بخواهند در مورد سینما و فلم‌های انگلیسی مطالعاتی و معلوماتی داشته باز طرز کار و شیوه سینمایی طراحان و کارگر دانان سینمایی بریتانیه، چیزی در یابند و یا بیا موزن.

این نویسنده در باره (چابلن) می‌نویسد: قصه‌ها و فلم‌های او یک ادراک واقعی است: او حقاً یق تلح را در زیر پرده کمیدی، از نه میکند و فلم‌هایش همه آموخته دهنده است. آموخته‌برای همه و تکان دهنده است. که حقایق و موضوعات روی یق بوده سینما را تنها از چهره‌ای ظاهری قالب و چوکات بندی جملات



جان واین

دید بلکه موضوعات را طوری طرح میکند و به شیوه‌ای قالب و چوکات جملات و عبارات را شکل میدهد که خواننده نخست را وی طرزکار و فعالیت‌های او در کارنامه های فلمی و سینمایی اشن چشم میدوزد و سپس خود بخود از خلال عبارات و کلمات، به خصایل و ارزش‌های معنوی او میرسد و عمقانه باوی‌آشنا میشود. نویسنده کتاب که در شمار نویسنده‌گان بنام و سر شناس اهلستان قرار دارد، مزید برین تو ضیحات، بخش‌های دیگری نیز در کتابش افزوده که سراسریش بازنگ های کمیدی رنگ آمیزی شده است و بدین ترتیب، روایی از کمیدی و تاریخ دران دیده است.

این نویسنده تنها نویسنده نیست و مطلب را فقط از طریق تحریر سطرها شرح نمیدهد بلکه او یک رسام بر قدرت و با مهارت انگلیسی نیز شمرده میشود، علاوه از آنکه موضوعات را از طریق طرح و رسم کار تون ها، تعبیر و تشریح میکرد، مسلسلات تلویزیونی انگلیسی را نیز در طرف ده‌سال نوشته است و غیر از اینها کتابها و آثار دیگری نیز ازین نویسنده تالیف گردیده و هر کدام

که یک نام بزرگ تو یک شخصیت ممتاز جهان هنر بشما ر میرود، شخصیتی که تو جهه هر آنکه نشرات و اندیشه نویسنده‌گان را بخود معرف ساخت تا از وی حر فهایی بگویند و چیز هایی بتویسند، چنانچه اخیراً کتابی بنام (چابلن) بر شتنه تالیف در آمد و در معرض همکان اشاعه گردید، این کتاب از طرف یکی از نویسنده‌گان معروف موسوم به (دینس جیفورد) تالیف گردیده دران، نویسنده با همه چیره‌دمستی و مهارتی گذارد، زندگی (چابلن) را با همه مزایا و خصوصیت‌هایش مورد بحث قرار میدهد و در هر جهت از جهات مختلف حیا تشن، روشی خوبی می‌اندازد. این روشی خوبی می‌اندازد. این نویسنده تنها کرکتر و ارزش‌های معنوی او را در کتابش بطور مجرد و خاص، تحت بررسی قرار نمی-



چار لی چابلن

شاید در میان علاوه‌قندان سینما و آنها یکی در جهان سینما و هنر، مطالعاتی دارند کمتر کسی وجود داشته باشد که با تمام (چارلی چابلن) آشنا بی شده، او یکی از طراحان بزرگ و سازندگان جهان سینما سنت و شخصیت با تعقل و صاحب مغز خلاقه هنری و سینمایی بحساب می‌آید، امتیاز بیشترش درین نقطه است که انسانیت را بصورت عام موردنظر قرار میدهد و همه را با حرف‌ولفت واحدی، طرف صحبت خویش می‌آورد، در شخصیت او مظا هر گوناگونی از آدم‌های گو ناگون، بظهور میرسد و احوال هر فرد را مطابق باصل درجه و مقامی که داشت، در ضمن هنر نمایی های کمیدی خویش، تعبیر و تمثیل میکرد، تلحی های زندگی و خاطرات زندگانی را، ما هرانه مجسم میسازد و دیدگاه آموخته ای در برابر انتظار همکان قرار میدهد. زندگی را تعبیر میکند، تعبیری که از هلال حرکات و حر فهای آموزنده‌اش، بیرون می‌جده و در مقابل نگاه مردم، قدمی کشید و می‌درخشد، بنا بران (چارلی چابلن)



جزیلا در تیاتر «غبار ارغوانی»



سعاد حسنی

A black and white photograph of a woman singing. She is wearing a light-colored, ruffled dress and a necklace. She is holding a microphone and singing into it. The background is dark.

جوز وفین بیکر

عروف سینمای عرب است که  
خیرا از طرف فلم ساز شهپر -  
لمنیر ب موسویم به (عبدالله  
المصبا حی) دعوت شد تا در فلمی  
که در دست تهیه دارد نقش دختر  
سینما نوی را بازی کند وهم عوض  
ستاره مشهور ایتالیا جینا لو لو  
ریجیدا کار رقص راهم بدوان  
نگیرد المصبا حی وقتی ازاو دعوت  
گرد که رقص و هنر او را در  
لکنی از محاذل مشاهده کردوزیابی  
قدرت هنر نمایی اش اورا مفتون  
سا ختو هم بسا از شبا هست  
خشو صیت عای دختر هسبانوی  
روی پیدا بود .

محمود یا سینه که در جهان  
سینمای عرب نام اورا همه کس  
یداند، چند هفته قبل برای  
شترالک در جشن سینما بی که در  
لقطا ورق بنده



دران تمثیل و بازی کرده است فلمن  
است بنام ( برانیکان ) و درین  
فلم نقش یک جا سوس را بمعهده  
گرفت ، جا سو سی که یکعده  
اشخاص مورد نظر را زیر هرا قات  
گرفته مخفیانه در شهر عای ارو با  
آنها را دنبال میکند و در نتیجه  
موفق میشود وظیفه خویش را  
انجام میدهد .

فشار و برانگیزی) نام زبانی است که اخیراً یکی از ستاره های شمپر هالیود بنام ( لانتیژن ) در انگلستان رول عمداتی را بدست میگیرد و بازی های ما هرانه اش را در بر ده سینما ظا هر میسا زد و درین فلم نقش یک زن ثر و تمدن را بازی میکند و هنرمند دیگری بنام ( تریفورهاورد ) نیز باوی همراه بوده و فلم توسط یکی از طرا حان و فلم برداران مو سوم به ( دون شافی ) تهیه و کار گر دانی شده است .

( فرید الا طرش) فلم بردار و کار  
گردان شناخته شده سینما عربی  
اخیرا فلم تازه ای میسازد که در  
میان فلم های دیگر از نگاه طرز و  
محظوظ امتیاز و بزر از ند گشید،  
قرار است سه تن از آواز خوانان  
معروف فجهان عرب در آن آویز  
بخوانند و اکنون یک بخش آن در  
لبنان فلمبر داری شده و قسمت  
دیگری نیز در شهر ف آمادگی و  
اکمال است و تصمیم اواین است که  
باید کار فلم تاعید قربان پایه  
اکمال بررسی و روی برداش  
نماید.

صلاح ابویو سف که در جمله  
فلم سازن دنیای عرب دست کم  
از دیگران ندارد، اینک در راه تهیه  
فلمنی بنام (کذاب) است. قصه و  
داستان فلم از اثر نویسنده معروف  
عرب مو سو م به (صالح مو سی)  
گرفته شده و او خودش نیز اثرش  
راتحت همین عنوان نوشته است.  
درین فلم ممثلین از قبیل محمود  
یاسین، نجوى ابراهيم، شو یکار،  
فائز حلا وت و برخی دیگر، نقش  
های عمدۀ را بدست دارند و صلاح  
موسی اکنون در ستودیوی  
(نخاس) کار فلم را بیش می برد و  
میگوید که عجالتا درین کار شن مبلغ  
سه هزار پوند ضرورت او لی می  
باشد.

ممت می چرخد.

( ناتالی وود ) یکی از جمله ممثلین سرشناس فلم های سینمایی است، و اخیرا در یکی از فلم ها یکه تازه بنام ( فر صت طلایی ) تمیه گردیده و تئیل و هنر نمایی برداخت و زین تمثیل ، رقیب دیگری هم اشت که بنام ( ما یکل کین ) معروف

ود، هر چند او در فلم های زیادی  
زی نکرده و این دو میان  
لمی است که در آن هنرمند را روی  
رده سینما میکشد، ولی بد لیل  
نکه او یک هنرمند عادی مثل صد  
ما هنرمند عادی دیگر نیست، بلکه  
ز کار و طرز تمثیل و شیوه هنر  
ما بی اش، استعداد و سلیقه  
ناصی نمایان است که تمثیل در یک  
فلم کافی است تا شخصیت و ارزش  
هنری او را بیشتر از هنرمندانی  
دهد ها مرتبه یک مشت هنر شان  
روی پرده سینما نثار تماشاگران  
ده اند، و آنmod گند.

جان وین) نام ممثل پر کار  
بردباری است که اکنون به سن  
بری رسیده است و با آنکه از نگاه  
من و سال، بیش شده و لی باز هم  
حاضر نیست اعتراف کند که بیش  
شده است و اعتراف نماید که دیگر  
و قشن، طرز کار و فعالیت های او  
سردی گراییده است، او که در  
جان ستار گان سینمای اروپا خودش  
کمتر از هیچ هنرمندی نمی -  
نمایند درین روز ها سال هفتاد  
نیم کی اش را جشن گرفته، در  
ایام ها ما نند همان دوره های  
خشستین جوانی اش، با نشاط و  
حماسه بازی میکند و موفق بازی  
بکند و آخرین فلمی که جان وین

و عبارات، رانعی خوانند ...  
 عنقریب فلم بر داری و کارتیه  
 یک فلم عربی که در صحرای المغرب  
 ساخته میشود، آغاز میگردد، در  
 تهیه این فلم در هر باری ده تن از  
 ستاره های بنام اشتراک می کنند  
 و ستاره معروف سیتمای فرانسه

این فلم بر دار چیره دست و بر کار ، تهیه فلم دیگری را با یکی از هنرمندان و فلم بر داران ایتا لیا ، رویدست مگفته است و این فلم نیز بیشتر موضو عا تش در اطراف معزه های صحراء که در بین قوای فرانسه و نیروی آزادی المغارب ،

## چهار هایی از جهان سینما و هنر

موفقانه اشتران کرد و آوازه بلندی بدست آورد، مسابقه در تحت عنوان (شباهی سفید) دایر گردید و او درین وقت بیش از سیزده سال نداشت. سپس از آنجا وارد مسکو شد تا تعلیمات عالی خویش را بر همراهی و مردم میگیرد. امر وزارت فرهنگ ایشان را نزد خود آورد و از آنها بدرستی و مهربانی برستاری و حفاظت نمود، تا آن هر جله که ایشان به سن رشد و بلوغ رسیدند درین مرحله نیز از آنها درست نگرفت بلکه مووضع ازدواج شان را بادختران و پسران مورد نظر سربراه ساخت و زندگی هر کدام را بdest تشکیل اماده ساخت آنها نیز هیجگاه اورا ازیاد نمی بردند و با قدردانی و احترام از وی پذیرایی بعمل می آورند. هنگامیکه جوزفین روی ستیر قرار میگرفت، بعضاً یک تاریخ انسانی تبا رز میگرد.

اگر از (ولا دی میر سبیقا کوف) در باره جواز و موقیت هایش که حایز گردیده بپرسیم، در نظر اول این رسمند حتی قدرت و توان از جا برخاستن و راه رفتن را از دست می دهند لیکن جوزفین بیکر، همواره او اولین جایزه هنری اش را در مونتریال سال ۱۹۶۹ بدست آورد، جایزه دو می اش را در مسابقات انسان اورادر هنکام آواز خوانی اش چا یکو فسکی که در سال ۱۹۶۷ در مسکو دایر گردید، کمایی کردو عمیقا نگاه کند، فکر میکند که او همچنان در مسابقات (باکینی) که در سال ۱۹۶۷ در زیتوی برگزار شد، جایزه مهم و با ارزش دیگری بدست آورد. این هنرمند چیره دست، بزرگترین جایزه هنری خویش را در سال ۱۹۶۵ در پاریس، حاصل کرد و این مسابقه بنام (مار گریت لوتنک) و (جاک شیبو) برگزار شد، گردیده بود.

ولادی میر سبیقا کوف که از نوازندهای بزرگترین جایزه هنری خویش را در سال ۱۹۴۴ در لیننکراد چشم بجهان گشود و فرانکری موسیقی را در مرکز آموزش موسیقی (کوسنر و توکلیننکراد) شروع کرد و درین وقت بیش از هفت سال نداشت. او تختست تعلیمات خویش را زیر نظر بروفسور (سیکال) سپس تحت مراقبت و ارشادی بروفسور (شیر) آغاز کرد و هنگامیکه مسابقات در جشن لیننکراد سال ۱۹۶۱ آغاز یافت.



**محمد**

برخاستن و راه رفتن را از دست می دهند لیکن جوزفین بیکر، همواره آواز میخواند و انشاط رطراوت کا مل برخور دار است، هرگاه انسان اورادر هنکام آواز خوانی اش چا یکو فسکی که در سال ۱۹۶۷ در مسکو دایر گردید، کمایی کردو عمیقا نگاه کند، فکر میکند که او هنوز در سن بیست سالگی خواهد بود.

مبصرین جهان هنر، او را بحیث بیشتر ترین آواز خوان، در اوایل قرن ما نمیدانند و شیرت او را متعلق به سال های بیش از ۲۰ سال است، زیرا جوزفین بیکر هنوز میسراید، با حماسه می سراید و نشا طدر سرا پای آوازش نمایان است و در معروف ترین مجامع و سرگردانی های پاریس آواز اورا می بینندند و او را بحیث آواز خوان با ذوق و با نشاط عصر



**صلاح ابو یوسف**

مینما ید جنابه یکی از ناقدین موسیقی و هنر بنام (ف. کلیموف) میگوید: موسیقی و هنر این هنرمند را نمی توان در پهلوی هر موسیقی و هر هنر دیگر قرار داد، چه هنر او در میان نوازنگان و موسیقی از آنرو بخارتر اینکه این تو هین را دانان، مقام برآنده و مخصوص از سر خود عقب زده باشد، جایزه بخودش را دارد.

(سعاد حسنی) جایزه تمثیل سینمایی را نپذیرفت و آن را رد کرد بخارتر اینکه او را در پرا بر مقایسه با (نجلاء فتحی) در جمهود داده بودند و او این درجه را نمیگفت، این هنرمند و تحقیر میدانست خودش اهانت و تحفیز میدانست اوردن میان نوازنگان و موسیقی از آنرو بخارتر اینکه این تو هین را دانان، مقام برآنده و مخصوص از سر خود عقب زده باشد، جایزه بخودش را دارد.

(شین او کیزی) که در ۱۹ قیروی سال ۱۹۶۴ چشم از جهان بخشید، یکی از مشهور ترین و نا مور ترین تو بینندگان تیاتر ایرانی بود و ایرانی بینندی ها او را یکی از بینندگان تیاتر ایرانی بود و ایرانی بینندی و نویسنده که در جهان تیاتر اروپا با بحساب می آورند و مخصوصاً در



تیاتر عای المان دیمو کرات، بیش از هر جای دیگر، مورد بینند و تقدير قرار میگیرد و المانی ها نیز

## ماجرای اختطاف

آخرین نفر که داخل سالون ترازیت گردیدن بودم بعداز چند دقیقه انتظار طیاره که من باآن بررواز میکردم آماده گردید.

من در سالون ترازیت دو هرودی را که لباس ملکی به تن داشتن ملاحظه کردم که خیلی به عجله اینطرف و از طرف میرونده یعنی از آن دوان دوان به طرف محلی رفت که طیاره هادر آن جا توقف داشت بعده برگردیده و به دریق خودجیزی گفت و آنها در سالون ترازیت منتظر ماندن.

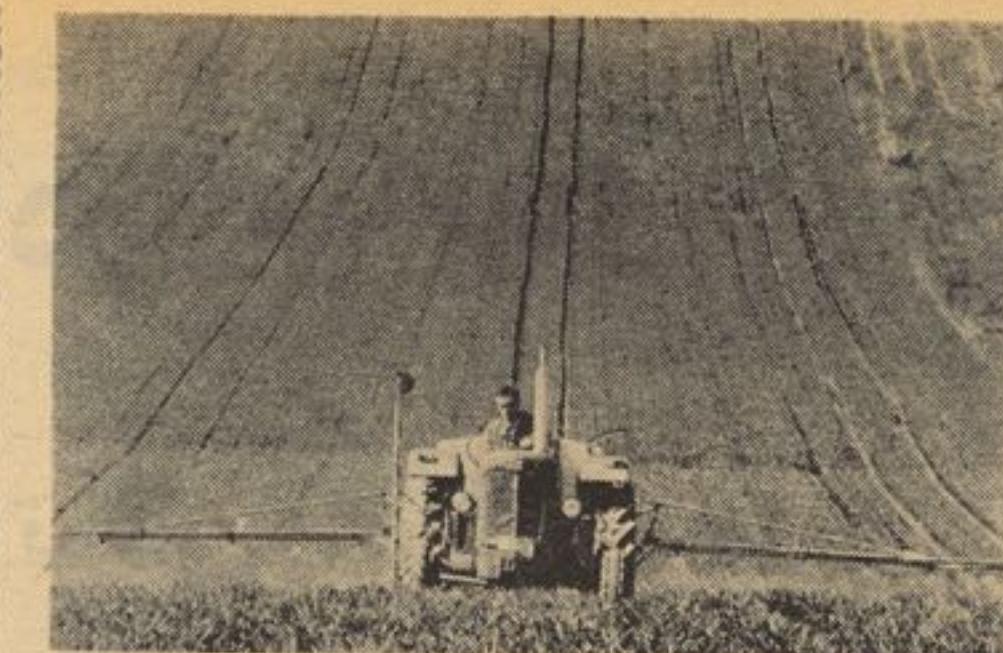
من خیلی عصبانی گردیده بودم هن فکر میکردم که آنها آدولف هایشمن را بیاند و آیا بینکه برای دستگیری ها آمده اند.

من سوار طیاره شدم اما هنوز هم تو س داشتم طیاره حرکت کرد ولی اکارمن هنوز هم ناراحت بود.

من در جوکی خودنشسته چشم های خود را بسته بودم وقتیکه طیاره از خط دنیوی بلند شدم چشمان خود را باز کرده شهر چراغانی بپیش آبرس را دیدم چند دقیقه بعد ها لزلزه و فضای ارجتاین خارج گردیدم.

به این ترتیب بزرگترین و برعیجانی توین اختطاف عصر خاتمه پذیرفت.

چند روز بعد دستگیری آدولف هایشمن از طرف اسرائیل اعلام گردید آدولف هایشمن در اسرائیل به هرگز محکوم گردیده و به دار آویخته شد. (ختم)



میکانیزه گردن سکتور زراعت در ممالک صنعتی

سر هایه گذاری انسانی و تهیه وحدات رین و درد ناک توین مسئله بررسی نل فنی مهمتر و مغایر است امروز سیاره ما با اتخاذ تصامیم و امید واریم که نابرابری های که معقول و مطلوب نمودن جریان تولید در جهان وجود دارد از بین بروود حاره جوئی گردد.



گر سنگی و بی سر پنا هی

ششم: حق تحصیل برای زنان و معادله بخاطر بیشنهاد نمود: جهانی تاسیس کمیسیون های آئی رابه کنکره

اول: تساوی حقوق زنان مطابق قانون هفتم: زنان و مبارزه بخاطر بقای صلح، امنیت جهانی، تخفیف کشیده گی ها بخاطر و تطبیق آن در تمام ساحات اجتماعی.

دوم: دادن حقوق مساویانه در اجرای کار صلح و خلع سلاح عام و تام و حفظ معیط زیست.

پنجم: نوع کار زنان در صنعت وزرایت. هشتم: ارتقای سویه علمی، دستمزد کار، سوم: ارتقای سویه علمی، دستمزد کار،

چهارم: زنان و رول آنها در پیشرفت و نهم: تاثیر ورول آنها در پیشرفت و

جعی، هنر و ادبیات برای ارتقا و بوجود آوردن اصلاحات اجتماعی.

هشتم: تأمین واجتمع، حمایه طفل و مادر، مفکرها های خلاق اجتماعی در ارتباط زنان با اجتماع.

## په اسسه قبیال کانگرس جهانی زنان

هیات نهایتدگی کنکره عمومی درین جلسه که برای آمادگی کنکره عالمی

بخاطر بزرگداشت سال بین المللی زن جوانان اروپا، هیات اتحادیه محققین جهانی،

هیات سازمان صلح جهانی، سازمان جهانی دایر شده بود هیات نهایتدگان بین المللی آئی استرالیا زیده بود: فدراسیون بین المللی کاروکارگر، هیات سازمان همبستگی خلقیانی

آسیا و افریقا، هیات فدراسیون بین المللی زنان جهان، فدراسیون زنان افریقا، فدراسیون آسیا و افریقا، هیات فدراسیون بین المللی فامیل یلانگ و هیات فدراسیون بین المللی

زنان عرب، هیات نهایتدگان کلیسا ها، فدراسیون دیموکراتیکی جوانان بین المللی، حقوق بشر، هیات فدراسیون بین المللی کمیته اجرایی بمنظور تنظیم کار کنکره هیات جوانان و محققین سرتاسری جهان،

ترجمه: رهپو

از: سندی تایمز

# درزید آبهای آرام

در کنیا،

## توفان دگرگونی هادر خوش است

کینیا باز می شود. در شمال کوه های در کیامبو ۲ زمین کشت قبوه دارد و در اوتکای ۳۳۶۳ اکر دیگر در سر حد تانزانیا زمین به مساحت ۷۰ میل مربع را دارد و می کند. پترھر کینیاتا و پدرش دارای بیش از چندین کینیانا سربرافراشته و در افق دوردست دریچه نایواسا دیده می شود.

زمین این که تا ۳۰ میل امتداد دارد به پتریس، هارگرت دختر و سه وزیر کابینه کینیانا تعلق دارد که ساحه ۱۱۹۱۴۰ اکر زمین را دربر می گیرد. در آنسوی این زمین دهقانانی دارد. مبوبیس دیگر کینیاتا که وزیر داخله است وجودارند که بایم ایکرزنین گذاره شباروزی ۱۵۲۴ اکر زمین دارد.

بت همک خواهر زاده اس با شوهرش از هرده نفر کینایی نه نفران ازدواج کشت زمین زندگی می کند. برای آنان مشکل کمبود کاریست بلکه کمبود زمین است.

اعضای کابینه طولانی ترکرد. زمینداران نفعی: زمینداران نفعی در دو ساحه دره ایقت و کیامبو، قلب کینا تسلط دارند. خود کینیانا بیش ازده هامرزعه دارد. زمین های انگلیس غاییکه سابق مقیم کینا بزرگترین آن در اوتکای ۳۵۰۰ اکر مساحت دارد. او با کمپنی نقش ایشوه سی. اس. اس. است این بول بجای بازخرید زمین بجیب نجاتان کینا رفته و آنان برای خود زمین من خرد. سیز کیامبو واقع شمال نایرویی است.

سازمان بین المللی کار که بادقت اوضاع در اینجا دهقانان متوسط دواکر زمین دارند در حالیکه زمین ۱۱-اکری خانواده کینیاتا اکنون در ۲۰ اکر توسعه یافته است. در اواسط سال ۱۹۷۰ زمین های شرقی کنار دریا را از جورح کریتو کوس یونانی خرید. در ساحل غربی دریای تیریکا، خود کینیاتا ۱۴۶۳-اکر زمین دارد که به آن ۱۰۰-اکر کشت چای رامی توان علاوه کرد. در جنوب نایرویی ۲۵۰۰ اکر زمین دارد که برای ایارتمان سازی خیلی مناسب است.

در پیشوی او، اعضا خانواده اش نیز زمینداران بزرگ می باشد. کینیاتا زن ۴۲ ساله اش یکس کاریکیه کینیاتا زن از بارگان ایارتمان است در سال ۱۹۶۹ تامبوا یکی از اذانشمند ترین (یکی از فرشتگان ناشرهایی کرد و خداوند از جمله زمینداران بزرگ بحساب می آید.

وزرای کابینه دریکی از خیابان های نایرویی توسط یک آدم بی سرویا کشته شد. این تیریکا موقعیت دارد، می توان اضافه کرد. مردادم شد و لی کسیکه واقعادر توشه دست نوطه قتل نشان میدهد.

بن گیتی رئیس پولیس کینیا

مل بیست چهار ساعت اخیر، باور ناگی مراهق کاریوکی بود. شب بیش به کازینوی بین المللی جاییکه کاریوکی مشغول قمار بود تلفون کشید، همچنان صبح همانروز بخانه اش سرکشید و بالاخره به مسابقه اسب دوانی باور بود. در هوتل گیتی به صورت مخفصر باکاریوکی کی حرف زد و خارج شد.

در اطراف هوتل گروهی از پولیس و گانگستر های راگنه شده بودند. کاریوکی خودش این مساله را دید. شاهدی می گوید که کاریوکی ذکر کرد که اینان بظاهر مساله بمپ باز به دنبالش می شوند. کاریوکی نیز بدنبال گیتی خارج شد. دونفر مستخدم هوتل دیده بود که هردو باهم برآمدند.

کاریوکی را به هوتل هرسنس ب منت سپیدی همانند موتو خودش سوار کردند. و گیتی از دور مراهق حادته بود. این بروی آخرین بار بود که کاریوکی را زنده دیدند.

یک ساعت بعد یعنی درست ساعت ۸:۳۰ سه بچه از قبیله ماسای نور چراغ های هوتزی را دیدند که نزدیک می شد. آنان خارج حلقه خیمه های قبیله خودکه برگزار کوره راهی بر په های تکونگ واقع ۳۰ میلی نایرویی کشیده شده بود قرار داشتند. خیمه های هارا بته های خار معاصره کرده بود. هواتاریک بود.

موتر بالاتر رفت. لحظه ای خاموشی بر همه جا بال گسترد و سپس فریاد انسانی باصدای پنج گلوله این سکوت را برم زد. آنان گریختند.

کاریوکی را بادست های بسته به آنجاورد بودند. اورا لت و گوب گرده بودند. زیرا آثار آن بر تهام بدن کاریوکی دیده شد. اودر قتلگاه هم جدال گرده بود زیرا تا فردای آن حلقه های محل بایمال باقی مانده بود. گلوله اول اورا نکشته بود. ولی با سومین گلوله روی زانویش افتاد. دونتفنگدار دیگر که از عقب آتش گردند به شانه وی شست گردنش ضربه زدند.

بعد چیز هایش را خالی گردند و فقط دستمال بینی اش آویزان باقی ماند. چندرا پنج یار در دورتر از راه اندخته بودند.

در آن محل چویی روان بوده و هرشب گفتار های روشیدن آب بدانجامی آمدند.

این مطلب را بخوبی می دانستند زیرا به گفت افراد قبیله ساسای تاحال سه چند راه آتیا آورده بودند که از جمله روسای آن توسط گفتار های زین بوده شد. ولی چند کاریوکی همچنان باقیمانده بود.

وکیلی در بارگان بیان گردکه: (گفتارها بخاطری به چند کاریوکی دست نزدند که مردیاکی بود) ولی علت اصلی را باید در ترس گفتارها از شنیدن صدای گلوله باید دانست. از پلندی عاتیه تکونگ بسوی دره هرگزی

# آیا کارهای فوج دزدی کودک میشود

الر معکوسی دارد و عمل را تشیدد  
می نماید .

فایده مشت و لگد چیست؟ این تنبیهات بدنی و ایجاد رعب برای مدت کوتاه ممکن است موثر باشد اما مو قتی است و بطور کلی این نوع تنبیه نه تنها مفید نیست بلکه مضر نیز می باشد . پس بهترین راه در همان آن دست یافتن به اصل و منتهی آن است که چه چیز کودک را تحریک به دزدی مینماید . و بعد بکار بردن روش موثر است که این عمل را در کودک نابود سازد . برای یافتن این نقیصه او لتر از همه درک کردن اخلاق کودک است . اگر نتوانید که اخلاق کودک را درک کنید هر گز امکان ندارد که موافق شوید که کودک را از این عمل ناپسند بازدارید .

نهایت به آن علاوه‌مند هستم غالباً اوقات رابه تمرين سپورت ، مطالعه کتب اجتماعی و اخلاقی و دیدن یگان فلم خوب سپری می‌کنم .

مشکر م اگر ممکن باشد در - قسمت مود لباس حرف بز نید؟ او عقیده اش را چنین اظهار میدارد به نظر من دختران باید با درنظر داشت اقتصاد فامیل وطن شا ان از تولیدات ملی لباس تهیه کنند چه امتعه داخلی از یک طرف ارزان و مقبول بوده و از جانبی هم از نگاه کیفیت و مرغوبیت با محضو لات خارجی رقابت کا عمل مینماید دختران اگر رشد و انکشاف اقتصادی و مطلوب کشور را درنظر اقتصادی و مطلوب کشور را درنظر بگیرند در آنوقت بدن تردید کیفیت وزیبی که از پو شیدن لباس های که مواد خام آن از خود و طن تهیه شده باشد بیشتر و بهتر از لباس های است که از خارج برای مامیرسند

ایجاد کرده بود ؟

خدوش میگوید که این فلم مشتبه بهمه فلم های یش و حتی مقایسه بسا از فلم های دیگران ،



فرید

فلمنی است ممتاز و در خور تقدیر و این فلم در نگاه من باید بنام (نشنیده حیات) شناخته شود .

(خواهش من) و (تانگو درباریس) را میتوان از فلم های پر شمیرت او بیاد داد ، او درین اواخر فلم دیگری را تهیه کرد که بنام (فقط ۱۹۰۰) یاد میشود ، این فلم که از یک مز رعه ساخته شده است در اطراف چگو نگی ده هفوان و گوناگون حیات دهقا نی ایشان که باز گو کننده روز گار دو قرن قبل آن منطقه است ، دور می زند و قصه هاو صحته های فلم بسا اسرار و نهفته های زندگی ایشان را فاش میسازد و شرح میدهد که دنیا فا شیزم و بیرون آن ، چه روز گاری را در ایتالیا ایجاد کرد و قدرت و نفوذ بی حد و حصر فیو دالیزم تا کدام اندازه به تاخت و تاز خویش ادامه بخشید و تا آنکه به تاریخ (۲۵)

اپریل سال ۱۹۴۵ که ایتالیا توائیست گلیم خویش را از زیر زانوی فاشیست ها بدر آورد ، چسان او ضناعی را در زندگی مردم آنجا نشانیده حیات ) شناخته شود .

## چهارھایی از جهان ...

که برایش قابل شده بودند ، نباید برفت و مسترد کرد ، اودر فلم : (محبتی که بود) بازی کرد و این جایزه درجه دوم را برا یش دادند ولی او که میخواهد به قله های بلند هنر سینمایی با لا زود از قبول آن سر باز زد .

سعاد حسنی که از هنرمندان بنام سینمای جهان عرب است پر طرز کار و نظر دهنی هیئت بررسی و ارزیابی مسابقات هنری سینما ، انگشت گذاشت و گفت که اعضای هیئت چون از اشخاص غیر مسلکی و ناوارد در کار سینما و هنر ، تشکیل گردیده ، لذا ظهور نظریات غیر هنری و دور از واقعیت های هنر سینما ، یک چیز بیشینی شده است و این درست نیست که هیئت متشکل از اشخاص نا آشنای به مسلک سینما ، در محل از زیارت کار های سینمایی قرار داده شوند و از همین جهت است که من حاضر نیستم از طرف چنین عناصری مورد ارزیابی و تقدیر شناخته شوم وهم تا کید کرد که هر گاه هیئت

بررسی سینما بهمین سویه دوام نماید او دیگر از کار های هنری

سینما و بازی در سینما دست خواهد گرفت . در روز های پیش ،

این هنرمند زیبای سینمای عرب به بیروت دعوت گردید و این دعوت

از طرف یکی از طراحان و فلم سازان معروف آنجا بنام (محمدعلی صباح) صورت گرفت و از وی خواهش کرد تا در چهار فلم که ساخته و طرح شده خودش بود ، بازی کند و نقش قهرمانی را دران بعضه گیرد او این دعوت را پذیرفت و وعده هر گونه فعالیت را داد .

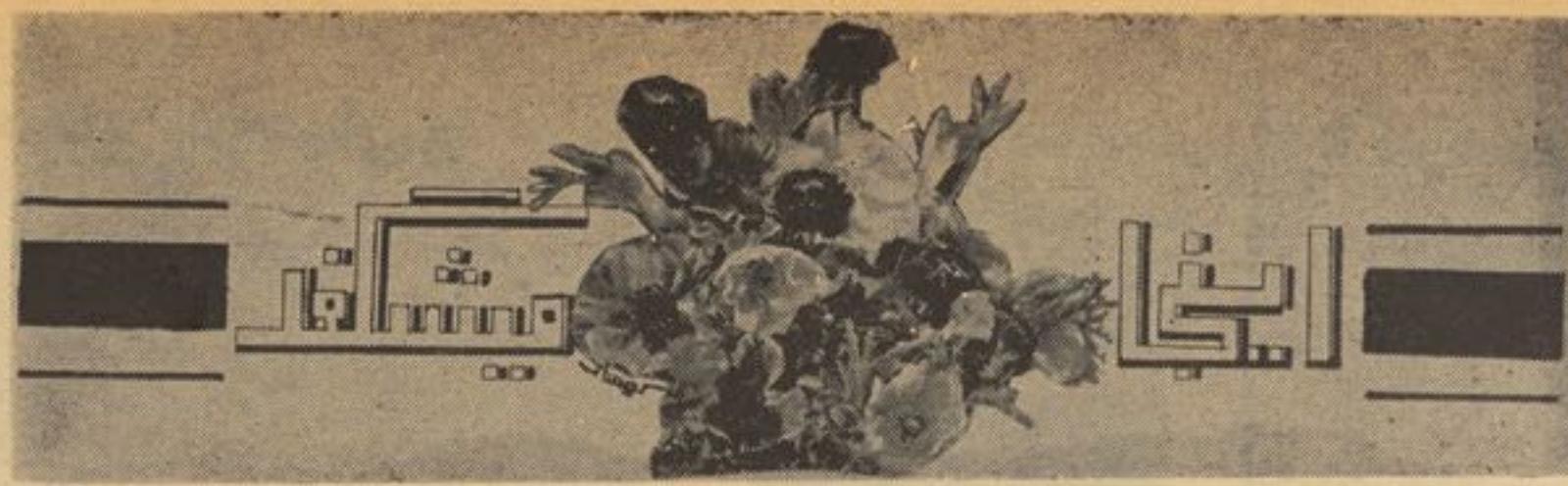
(بر ناردو بر تو لوشی) یکی از طراحان معروف جهان سینما بشمار می‌رود ، او فلم های متعددی که همه مضا مین و مطالب احثوا کننده انسانیت را در خود دارد ، ساخته است که برای مثال فلم های :

## بهترین و خسته‌یمن

از اینکه علاقه و ذوقم به ورزش روز بروز زیاد شده می‌رود و بسی



این هم شاگردانیکه تحت تدبیر محترم واحدی گرفته شده است .



ترجم: ژرف بین

## خصوصیات کودکانه

چقدر دلم ما میخواست هاکی  
بازی کنیم من گفتم:  
سما کارهای جدی تری داریم  
که به بازی هاکی و قتنی نداریم من  
میروم تا در شستن ظروف مادر  
کلام را کنم کنم.  
سوئی گفت:

میروم تابوت های تما ماعضای  
خانواده مارا واکس بزنم.  
پدرم طاقت نیاورد و فریاد  
زد:

پس بیایید فضا نورد شویم و  
باکشتهای فضایی خود بازی  
کنیم از چو کی هاکشتهای فضایی و  
راکت بسازیم، ماشین رختشویی  
و چراغ سر میزی ... را هر چه  
دل ما میخواهد جور کنیم سوئی  
جوایداد:

این سخنان تان جدی نیست  
بهتر است اخبار مطا لعه کنیم ..  
پدرم پشت سر ش را خار اندو  
از اتاق ما خارج شد. در ایار تمان  
ما آنقدر خاموشی بود که حتی  
صدای نجواه پدر و مادرم در مطبخ  
بگوش میرسد و صدای تک تک  
 ساعت سر میزی مرتبه و ضجع  
شنبده میشد.

پدرم گفت نمی دام که اولاد  
هايم را چه شنده است. بکلی آنها  
عرض شده اند.

مادرم حدسی زدو گفت:  
شاید اعصاب آنها لطمه دیده

پدرم گفت:  
هر بلایی است به سر آنها  
آمده این خاموشی قریب است  
مرا دیوانه بسازد ... خواب از  
چشمانت بربیده نمی دام چه کنم.  
پدرم گفت:

من هم همینطور.

دل بحال والدین سوخت. پس پس  
کنان به سوئی چیزی گفت: «او  
هم از گوشم گرفت و به مسترسی  
شروع کردیم گاهی من او را زیر  
میگرفتم وزمانی او مرا. لحظه‌ای  
بعد متوجه شدم که پدر، مادر و  
مادرکلام بالای سر ما ایستاده اند  
باتوب آن آورد و به ما گفت که بعد  
ازین هاکی بازی کنید. ولبخند شیرینی  
یکی بطری دیگر نظری انداختیم  
نقش بسته است.

های خود را جمع و جور کنیم که  
پدر ما از دفتر سر رسید و مادر  
شده، نشود که مریض شنده  
کلان مانیز از مغایزه بزرگشست، باشند؟

پشت میز نان برای اولین با در  
زندگی کو تاه خود بحال (تیارسی)  
نشستیم یک مرتبه هم حتی یکدیگر  
خود را چند که هم نکنیم مادرکلام  
برگفتند.

پدرم گفت:  
برای آخرین بار برای تان می  
کویم خجالت بکشید آدمهای کلان،  
متعلمن مکتب کارهایی میکنید فقط  
در کودکستان باشید.

راجع به اینکه حالا ما بزرگ  
شده ایم و یکگونه روشنی را باید  
انتخاب نماییم هزارها بار برای ما  
صرف غذا پدرم گفت:

معیتوانید حالا ساعت تیری -  
کنید و با چیزی بازی کنید ...

سوئی در حالیکه بکس کتابهای  
خود را میگیرد فت جواب داد:

- بازی کردن چه مفهوم دارد

صدای سوئی را از گوشه اتاق  
باید به کار هارسید گی کرد.

روز دیگر بخاطر این روشنما  
مادرکلام من و سوئی را نزد دکتور  
برد.

دکتور به بسیار دقیق هارامعاشه

کرد برای ما پولی ویتا میان  
نوشت و تو صیه گرد که ما را نزد

دکتور اعصاب ببرند.

دکتور اعصاب به مادرکلام

گفت:

مثال اینکه آنها از مادر مالیخولیا  
خوبیها بدین آمده اند.

چقدر آنها بی حال و افسرده  
اند.

برای اطفال این حالت غیر  
طبیعی است.

روز چهارم پدرم دو دندنه هاکی

باتوب آن آورد و به ما گفت که بعد

ازین هاکی بازی کنید.

یکی بطری دیگر نظری انداختیم  
نقش بسته است.

راکت من به مر پیغ فردیک شد  
در سفینه دیگر برادر بزرگ سوئی  
پهلوی پهلوی کشتی فضایی من در  
حرکت بود وی به شدت هر چه  
تمامتر اشتر نگ سفینه را چرخاند  
و عجله داشت که درین سیاره نا  
آشنا اولتر از من قدم بگذارد.  
بر او فریاد زدم:

زخمها ت بهدار می رود مشکل  
است از من جلو بیفتد.

ودر حالیکه دستهایم را محکم تر به  
بیلر سفید بالای سر خود چسبانده

بودم اشتر نگ رافشار دادم.

سوئی طاسی مسی را که در سر ش

گذاشته بود پر خی داد مثمل ایکنه

شیلیم (گله مخصوص فضا نورده)

خود را در سر عیار میکند و دویا به

به متکای چو کی کوبید و گفت:

- از تو جلو میافتم: سفینه من

فوق سرعت نور حرکت می کند.

بداخل اتاق بیشتر از گرد و غبار

(کیهان) گرد و خاک بالا شده بود

در هوای اتاق میتو رایت ها (سنگ

های آسمانی به وضاحت معلوم

میشند و پر های بالش همه نوکزده

بودند. تاسیاره خیالی ما فقط

قدرتی فاصله داشتیم و عنقریب می

رسیدیم.

من ترتیبا ت بر ک راسو ج نمودم

و این ترتیبا ت راما شین گوش

تشکیل میداد. عینک های ذره بین

دار مادرکلام را بچشم گذشتند

فقط میخواستم که به سطح سیاره

مادرم را از عقب شنیدم:

- از برای خدا، این چه حال

است؟

و درحالیکه مادرم را ازین گرد و

خاک به مشکل تشخیص میدادم -

گفت:

- به مریخ پرواز میکنم.

- عجیب فضای نور دانی چه

حالا پدر ت میاید و سبق تانرا

میدهد..

تمام سماهان را بجا یشان

بگذرید:

عنوز موفق نشده بودیم که راکت

گوید:

صفحة ۵۴

# کوچک‌الحیسه خواندنی

## رادیوی نجات دهنده



همسایه‌های خانم زنو یو  
کرد و دید خانم زنو بیمه‌وش در  
گوشید هلیز افتاده و سراسر  
وجود او را خون فرا گرفته است.  
خانم زنو یو را به شفا خانه منتقل  
کردند و بن حمت زیاداً از مرگ  
نجات دادند. بعداً معلوم گردید  
که در زندگانی او را باز نکرد.  
آنها در اول فکر کردند که خانم  
زنو به اساس عادت همیشگی اش  
لجه‌بازی میکند و در را باز نمیکند. را نشوند، صدای رادیو را بلند  
کردند و لی سر انجام همین رادیو  
لذا به پولیس خبر دادند و درنتیجه  
پولیس آمد و در آپارتمان را باز  
باعث نجات خانم زنو یو گردید.

## زندانی ژرو قمند

رئيس محکمه آغاز جلسه را اعلام کرد و بعد رأی محکوم می‌باشد «سو فیما  
باسی خوانده شد. و او که داماد خود را بضرب گلوله بقتل رسانیده  
بود به یازده سال زندان محکوم گردید.

«سو فیما» باشندگان رأی بکریه افتاد وزار، زار گر یست در زندان  
مدتها حالتی دیوانه وار داشت و مرتب گیریه میکرد. اتفاقاً رو زی  
کا غذ و قلم خواست و به نقاشی شروع کرد.

وبعد رنگ خواست و تا باشندگان اولین تابلوی او را بولیس  
زندان به بیست دالر خرید و تابلوهای بعدی اش را که در زندان  
کشید، شهرت یافته و ازین راه بول زیادی فراهم کرد و بول خرید  
تابلو هایش را در حساب پس اندازو وارد کردند. «سو فیما» که اکنون  
۵۳ سال از عمرش می‌گذرد و باشد هنوز هم در زندان باشد تا بحال  
بانک بیش از ۴۵ میلیون افغانی بول پس انداز شده است و بدین  
ترتیب زندان او را تبدیل به یک میلیون ساختمان است.

## مدال نجات دهنده

کمیته حمایت کودکان در «پادر بورن» آدرس، نمره تیلفون، مشخصات  
واقع در انگلستان چندی پیش مداری خون و غیره کودک را می‌باید واژ  
را ساخته است که با وجود زیبا چگونگی تزریق واکسین و مریضی  
بودنش میتواند کو دکتر را در هنگام هایش در گذشته اطلاع حاصل  
نمیکند، می‌تواند او را به آسانی خطر نجات دهد.

مدال ابتکاری جدید دارای اوراق تداوی کند و دیگر احتیاج به  
کوچکی است که در آن اطلاعات معاينات و آزمایش‌های قبلی نیست  
فوری و لازم راجع به کو دکدر موارد از همین سبب مدال‌های ابتکاری  
بروز حوادث و اتفاقات نوشته شده در تمام انگلستان مورد استعمال  
است و هنگامی که دکتور در یک حادثه ناگوار خودش را بمالیت  
کودک میرساند، نام، نام خانوادگی،



موتور پاک شد. حالا نو بسته توست تاخوب شستشو بد هم.



کار سازی

## عیب مختصر

مردی پس از ماه ها یکی از دوستان خود را دید . دوستش با خوشحالی او گفت :

رفیق خبر داری که در یعنی تازگی هازن گرفته ام !؟

پرسید :

راستی ؟ بول از کجا کردی ، حتما زن بد بخت و بیچاره یعنی را به دام انداخته ای ؟

گفت :

- نه بول دار هم هست و خود شان خرج کردن .

رفیقش گفت :

البته بیر است .

جواب داد :

- جوان هم است ، تعجب هم است !

گفت :

البته گرفتار بیمای من من و خطر ناکی است ، باید رش بد نام است .

جواب داد :

- اتفاقاً چاق و چله و خوب است ، از خانواده خیلی محترمی هم داشت ، وهیچکس در باره آنها تا کنون حرفی نزده است .

رفیقش تعجب کرد و گفت :

پس البته دست و یا پا یش فلچ است یا کور است ، یا عیب بزرگی دیگری دارد .

جواب داد :

- نه هیچ نقص و عیبی هم ندارد هنر مند هم است ، زیبا هم است ، و با سعادت هم هست ، چیزی که هست فقط مختصه ای را حمل دارد !



## حنند فروشی



چه کنم آب بسیار سرد است و زده می خواستم چند ساعت دیگر را نیز با آب بازی بپردازم

## خرس و دزد

صاحب باغ انگور وارد باغ شد و دیدیک خرس و یک دزد مشغول خوردن انگور است صاحب باغ دزد را گرفته به درخت بست ، و خرس را بیرون کرد و چوب را برداشت که دزد را بیند .

دزد گفت :

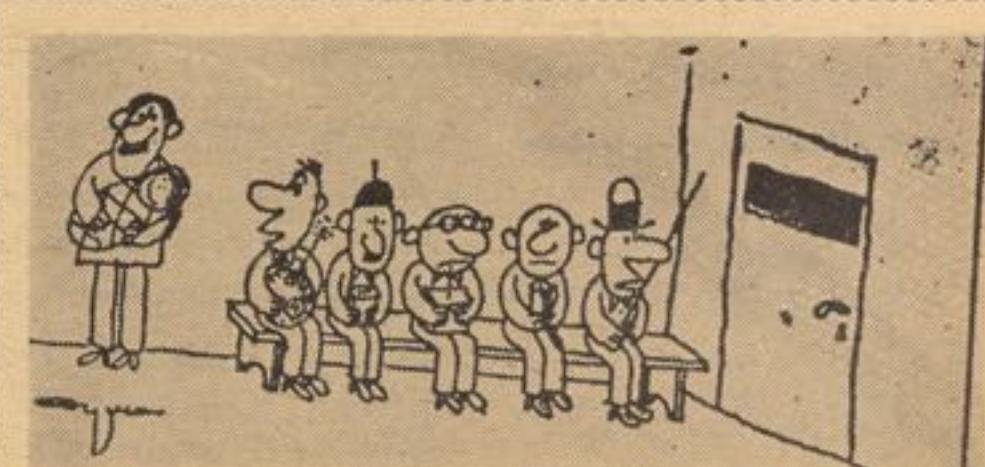
- چرا تبعیض قایل شدی ؟ کاری به خرس تداری و مرا لتوکوب می

کنی ؟

صاحب باغ جواب داد :

- برای اینکه خرس میخورد و می

رود ، اما تو می خوری و می بری .



بدون شرح

## وکیل مدافع

خانمی وارد دارلو کاله بی شده از آقای وکیل مدافع بر سید :

آقای وکیل ، جریمه یک بچه بی کی راشکسته چقدر است ؟

وکیل لحظه بی فکر کرد و گفت :

- پنجاه افغانی از پدرش مطالبه نمایید .

خانم گفت :

- بسیار خوب ، پس خواهش می کنم ، پنجاه افغانی هر حمت کنید ، زیرا این هنر را پسر شما گرده است .

وکیل بلاfaciale گفت :

- خانم ، بیخشنید ، شما با یه پنجاه افغانی لطف کنید زیرا حق مشاوره قضایی من در هر تو بست صد افغانی است .

## قاچیر کتاب!

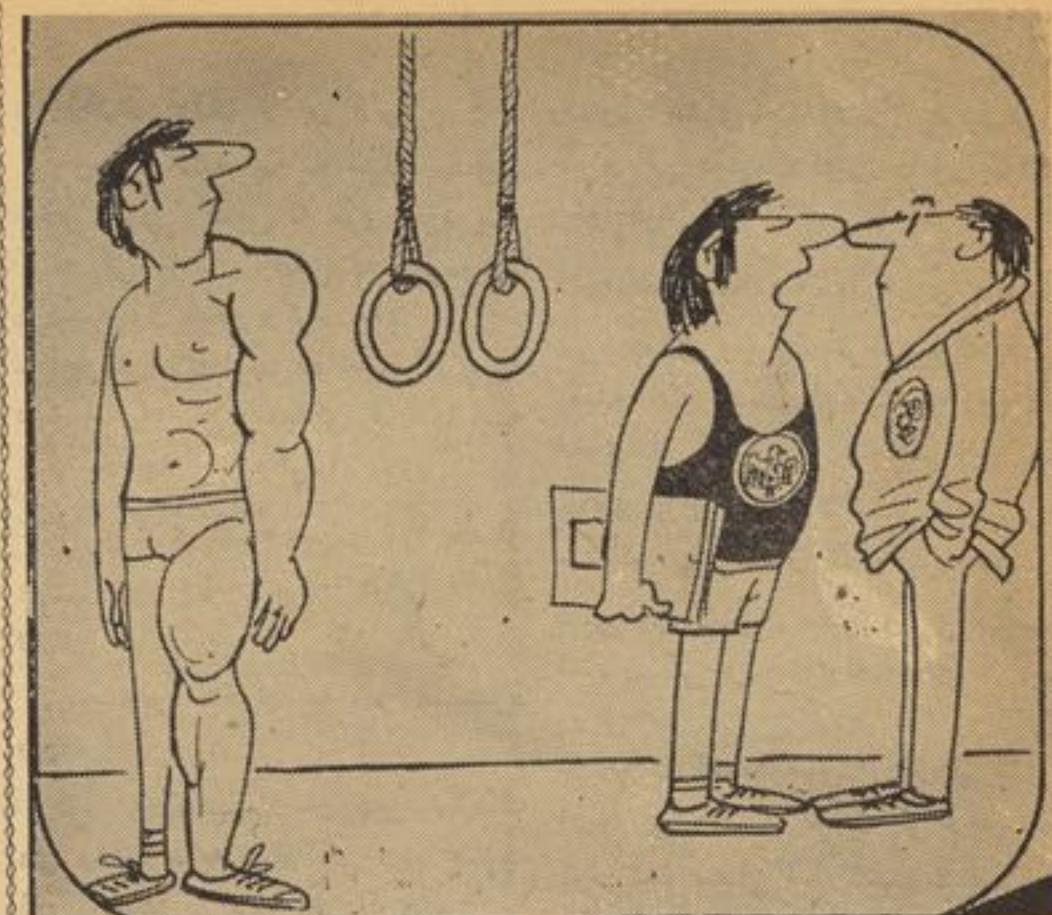
شخصی گفت:

- ذنم که طفل زاییده، و اتفا قاهنگام حمل هم کتاب سه تفکنگدار می خواند!

از این قرار تصور می کنم سه تفکنگدار مؤثری است!

شتو نده لبخندی زده گفت:

- اگر مطالعه کتاب تایین حسدمور باشد، بس باید خدا راشکر کنید که کتاب چهل طوطی نمی خواند است.



بدون شرح

## غسل گنجشک

دیوانه‌ای گنجشکی را در آب می‌شست شخصی به او نزدیک شده گفت:

گنجشک در وقت شستن می‌میرد دیوانه به سخن او توجه نکرده به کار خود ادامه داد بعد از مدتی آن شخص بر گشت دید گنجشک مرده است. به دیوانه گفت من نگفتم گنجشک در وقت شستن می‌میرد دیوانه جواب داد: در وقت شستن نمرد بلکه در وقت فشردن مرد.

## لبخند

در مجلس رقصی که گروه کنیری از جوانان اشتراک داشتند،

مرد جوانی، از نامزدش که با او می‌رقصید برسید:

- چرا شما همچ حرف نمی‌زنید مگر از من قهر کرده اید؟

دخترک گفت:

چرا... چرا... مگر هر دفعه که پایم را لگد می‌کنید نمی‌گویم

\* آخ \*



کار سون: گفاید غذا را ینجا بگذارم

## شوهر یا آقا

آقا وقتی وارد خانه شد و به اطاق خود رفت، بیش خد مت نزد خانم رفته گفت

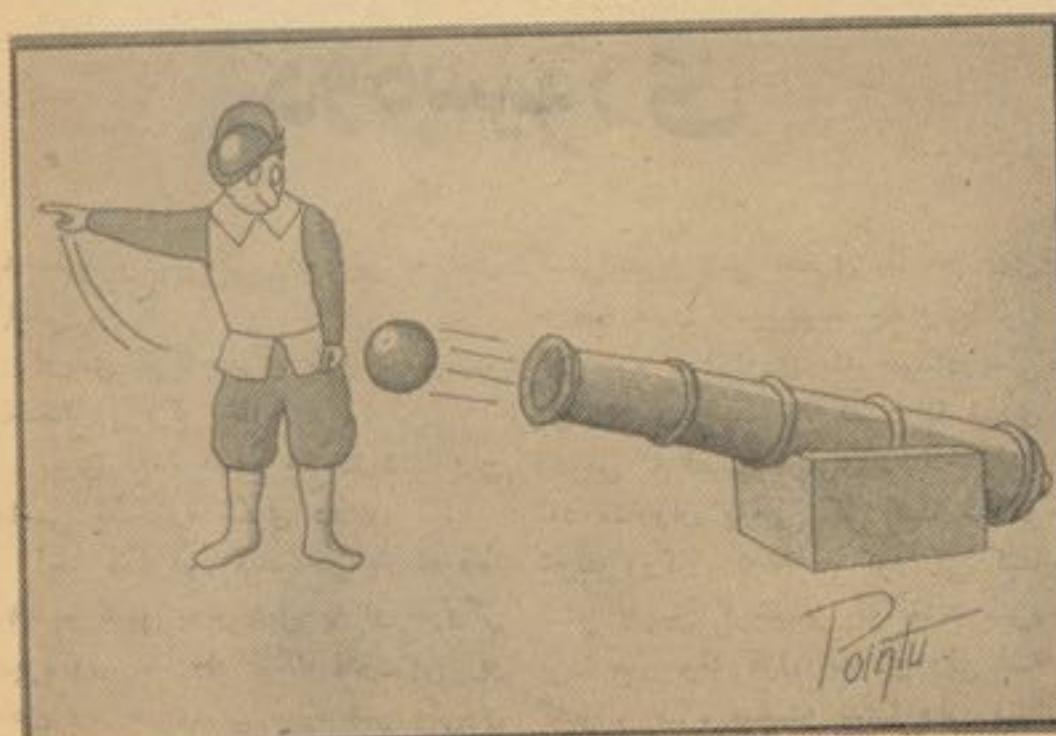
خانم شوهر شما از اداره آمد

خانم گفت:

شوهر شما یعنی چه؟ باید بگویی آقا،

پیش خدمت جواب داد،

خیلی ببخشد، معدرت می‌خواهم من تاحال خیال می‌کشم که شما با هم ازدواج کرده اید.



## پیراهن جدید

درویش بی‌سر و پا، خواجه بی‌را گفت:

- اگر من بر در سرای تو بیمیرم، بامن چه می‌کنی؟

خواجه گفت:

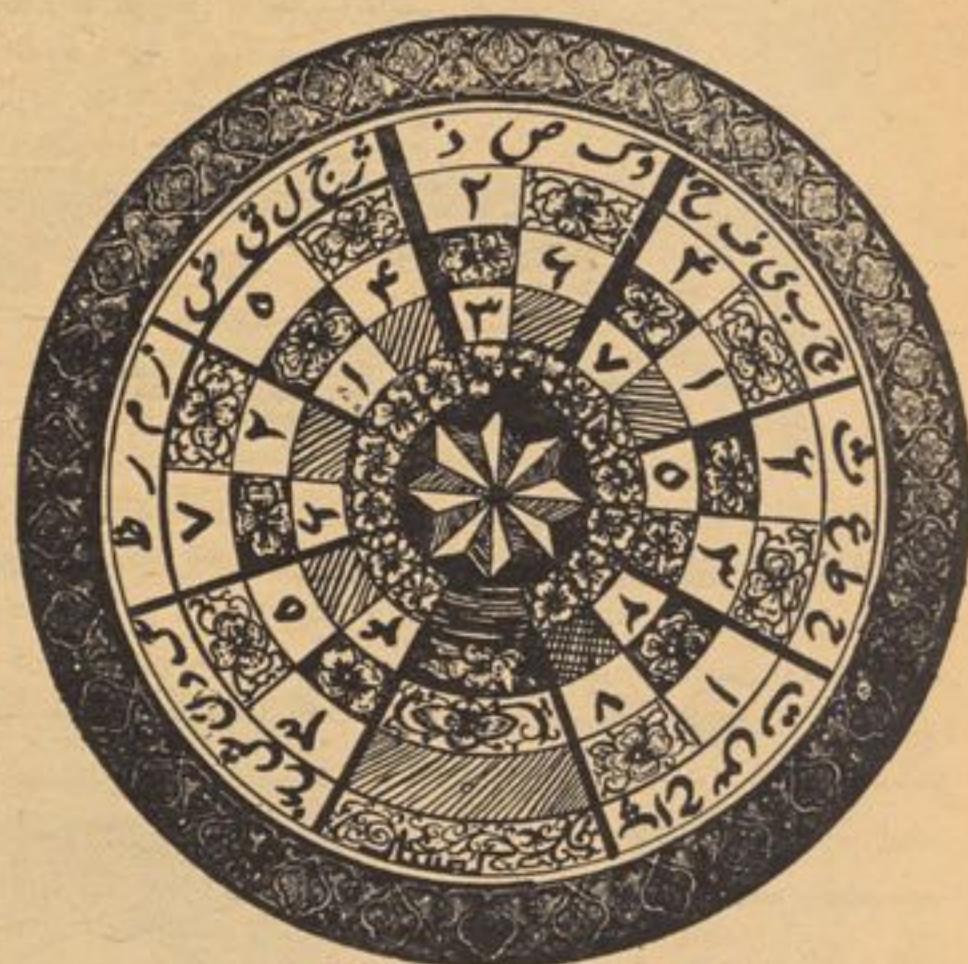
- ترا کفن کنم و به گور سپارم.

درویش گفت:

- امروز بهزندگی، مراییر اهن بوشان، و چون بیمیرم، بی کفن به خاک بسپار.

خواجه بخندید و را برآ هن بخشید.

## فال حافظ



دوزار هفت که میخواهد فال بگیرید به تصویر بالا توجه نموده یک حرف از حروف نام خود را انتخاب کند و آنرا از دائرة بزرگ کنید نهاید. (فرق نمی کند که حرف اول باشد یا دوم یا سوم یا چهارم) در زیر همان حرف مثلث قرار دارد که دارای خانه های سفید و سیاه میباشد و در داخل خانه های سفید آن سه عدد تبت شده است ازان سه عدد هر گذم را که دلخواه شماست انتخاب کند و آنرا به همان شماره در زیر نام همان روزار هفت مراجعت کنید و جواب خود را از زبان حافظ شیرین سخن دریافت نهاید.

متلا روز یکشنبه حرف چهارم نام خود را که سیاه است انتخاب و از جمله سه عددی که در زیر قوس مربوطه به این حرف دیده می شود بسته ۷، ۶، ۵ را اختیار نموده اید. باید به بیت هفتم روز یکشنبه به اشعار صفحه مقابل مراجعت کنید و بخوانید لسان اللقب بشما چه می گوید؟

## دو سیوری

په سلکونو نوری داسی ولی؟  
ولتاوه. هغوي هما غسی په خبر و  
خو یوه شبه چه له چلی مشری خبر و کی دواره دگلت دکور خواته  
بنخی یعنی دگلابی له مور سره په و خو خیدل.

کوبه کی فاست و هفی په ویره ویره  
هماغه شبه کله چه ببری دگلت  
سره دودی و خورله نور سره له هر

یکینه اود گلت له کشنه زویه د  
هغوي له کوره راوت اود خبل کور  
خواته روان شو. په خبلو زعیرو

ستگو یی آسمان ته و کتل. دمنی  
شیی وی دمیزان ستوزی یی به  
آسمان کی ولید. اوله خانه سره بی  
وویل:

«دمابو تنجواه به خو مره  
وی؟»  
«دا گلونه عجب زرزر تیریزی!

اویبا یی خان په خادر کی و نغشت.  
یوه تنده سیلی مخ کبته دگلت  
دکور به خوا الوته. همدا سی یی چه  
په خان پوزی خادر سماوه، سر یی  
اوشهی ورخی همداسی تیریدلی.  
دلاری به خوا کی په ولاپ توت ولکید  
تنده یی زوبل شو. خو خه یی ونه

یوه ورخ چه په کلی کی مهی شوی  
ویل اود گلت کش زوی یی رسخت  
واو یول کلیوال دکلی په هدیره کی و  
کو.

• • •

دوه هفتی تیری شوی: یوه ورخ  
دله دل چه ببری دگلت لاس و نیواو  
دهدیری بل گوت ته ولاپ. هلتنه به  
مه و باندی شناختی ولاپی وی.  
دوارو مه و ته دعاوی و کری اویبا  
دهدیری بلی خواته ولاپ هلتنه یو  
ورید. اود چزو سره غیرگت ددی  
ستدری غر چه!

کجاوی او شا لیلا وروا کجاوی  
کجاوی! یو بل ته یی سره  
وکتل دلو مهی خل لپاره دبیری  
خای یه دوکان کی تشن و دواپو دیو  
بل له ستگو نه په یوه فکر با ندی  
پوه شول:

ببری خبله منخومی لور کلا به  
دگلت زوی ماپو ته ور کری وه!

همدا سی هم وه. همدا چه بیگاه  
توولو کلیوالو تعجب کاوه چه دوی

خنکه یو له بله سره گر خی او  
ساروان او بازگل دوکی محفل ته

خبری کوی. اوچه ددوکان خوا ته  
ورغلل تویی و لیدل چه ببری اوده

زوم ماپو دواره سره ولاپ دی. دبیری  
په خبلی نوکری کی واد کلی ته ندی کبته همیو دبل ملکری و. خو پدی  
حکمت هدو نه پوهیده چه ولی یول

به تعجب سره هغوي خارل .  
چه خو دساروان ستگی به گلت

ولکدی لولا شو او به غیر یی  
په بنتنه ورسه وکر او یی ویل:

«بیگاه یی تیل یووپل. ما دی  
زوی ته وویل چه که بیسی نه وی  
باندی نخول. یو کوب سیوری اویو  
پروا نلری!»

اویبا یی دخبلو خبر و عکس العمل  
کابل - شاشید. ۱۳۵۴ دتلی(۵)

هرسته ور سره کری وه اویه خوانی  
دبری به خیره کی چه موسکی وه

زوندون



# فال

دلبرگه درگف او مومنست سنت خارا  
۶- آئینه سکندر جام هی است و بتکر  
تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا  
۷- حافظ از باد خزان دوچین دهر منج  
فکر معقول بفرما کل بی خار کجاست

به بند ودام میگیرند مسرغ دانسا را  
۶- جزا یافتد نتوان گفت در جمال توعیب  
که وضع مهرو و فانیست روی ذیبا را  
۷- سرکش مشوکه چون شمع از عزت بسوزند

۱- صبا به لطف بکوان خزال رغنا را  
که سر بکوه و بیابان تو داده ها را  
۲- شکر فروش که عمرش دراز باد چرا  
تفقدی نکند طوطی شکر خا را  
۳- به خلق ولطف آوان گردصید اهل نظر

## شنیه

عاقلان دیوانه گردند از بی زنجیر ما  
۶- اسای فروع ماه حسن از دوی رخشان شما  
آب روی خوبی از چاه ز نخداش شما  
۷- غم دیدار تو دارد جان برب امده  
باز گردد یا برآید چیست فرمان شما

میرسد هر زده گل بلبل خوش العان را  
۶- در خوابات طریقت ما بیم هنرلشون  
کاین چنین رفتست در عهد اذل تقدیر ما  
۷- رونق عهد شبابست دمگ استانرا

۱- عنقا شکار کس نشود دام باز جین  
کانجا همیشه بساد پسستست دام را  
۲- ساقی بر خیز و درده جام را  
خاک بر سر گن غم ایام را  
۳- رونق عهد شبابست دمگ استانرا

## کیشنه

رحم کن بوجان خود پرهیز کن از تیرها  
۶- هر گونه میردانکه دلش زنده شد به عشق  
تبت است در چریده عالم دوام ما  
۷- چندان بود گوشمه و ناز سپس قدان  
کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما

مطرب بکو که کار چیان شد به کاما  
۶- هادر بیاله عکس رخ یار دیده ایم  
ای بی خیر ز لست شرب هدام ما  
۷- تیراه ما زگردون بگذرد حافظ خموش

۱- بخت خواب الودها بیدار خواهد شد هر  
زانکه زدیر دیده آین روی رخشان شما  
۲- بادل سنتگیست آیا هیچ در گردشی  
آه آتش ناک و سوز سینه سبکر ما  
۳- ساقی بنور باده برافروز جام ما

## روشنه

زنپار ای دوستان جان هن و جان شما  
۶- ای شاهد قدسی که گشید بند تقابت  
وی مرغ بیشتری که دهد دانه و آین  
۷- خواهیم شد از دیده دوین فکر چگرسوز  
کاغوش که شدمتری آسایش و خوابست

زانرو سبزدم اند به مست زمام ما  
۶- حافظه به دیده دانه اشکی هم فشان  
باشد که مرغ وصل گند قصد دام ما  
۷- دل خرابی می گند دلدار را آگاه گنید

۱- ای باد اگر به گلشن احباب بگذری  
زنبار عرضه ده بی جانان بیام ما  
۲- گو نام ما زیاده حمدنا چه می بروی  
خود آید آنکه یاد نیاری ز نام ما  
۳- مستن به چشم شاهد لبند ماخوشت

## سشنه

تا غول یا یان نفرید بسراست  
۶- تا در راه پیری به چه این روح ای دل  
باری به غلط صرف شد ایام شبات  
۷- خون که ابروی شوخ تودر گمان انداخت  
به قصد جان هن زار و ناتوان انداخت

تاباز چه اندیشه گند رای صوات  
۶- هر ناله و فریاد که گردیده نشندی  
بیداست نکارا که بلند است چنایت  
۷- دور است سر آب ازین بادیده عوشنار

۱- درویش نمی برسی و ترسم که نباشد  
اند بشه آفریش و بیروای توابست  
۲- راه دل عشق زد آن جشم خماری  
بیداست ازین شیوه که هست است شرات  
۳- تیریکه زدی بر دلم از گهزه خطوارت

## چهارشنه

خرقه ایز سر بدر آورد و بشکرانه بسوخت  
۶- ای نیم سحر آرامگاه بارگجاست  
منزل آن مه عاشق کش عیار کجاست  
۷- هر گه آمدیه جهان نقش خرابی دارد  
در خرادات مکونید که هوشا کجاست

خانه عقل هوا آش میخانه بسوخت  
۶- چون بیاله دل از توبه که گردیده بشکست  
همچو لاه جکرم بی می و میخانه بسوخت  
۷- هاجرا کم کن و باز آه که هرا مردم چشم

۱- سینه از آتش دل در چنانه بسوخت  
آتشی بود درین خانه که کاشانه بسوخت  
۲- قنم از واسطه دوری دلدار بگداخت  
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت  
۳- خرقه زهد هر آب خرابات ببرد

## پنجمشنه

ساقی کجاست گوسبب انتظار چیست  
۶- بنال بلبل اگر بامنت سر یاریست  
که مادو عاشق زاریم و گار مازاریست  
۷- دلش بناله یازار و ختم کن حالت  
که دستکاری در کم آزار یست .

کاین دل غمده سر گشته گرفت رکجاست  
۶- عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو  
دل زما گوشه گرفت ابروی دلدار کجاست  
۷- خوشتر زیش و صحبت و باع و بیار چیست

۱- دل دونیم شدو دلبره ملامت بر خاست  
گفت باما منشی گز تو سلامت بر خاست  
۲- عرسو و موي هر ای ای ای ای ای ای ای  
ما کجایم و ملامکش بیکار کجاست  
۳- باز بر سیلز گیسوی شکن در شکنش

## جمع

ترجمه و نگارش: پوهن‌دوی گوهری

## واکسین

# وادامه حیات

طرز درست و فایده محت اطفال نوزاد مقابله امراض، نه تنها از وظیفه طبیب هیباید بلکه مادران نیز باید ازان اطلاعی درستی داشته باشند. امروز در سراسر جهان تعداد کثیری انسخاف علیل و بیچاره ای وجود دارند که طور مثال عدد انتی‌جین ذریعه حرارت، گروهی به نحوی درایام طفولیت از پرستاری صحیح بواسطه مواد کیمیاگری ویاره ای توسط شاعر ایکس وغیره غیرفعال ساخته می‌شوند. مادران خود برخوردار نه گردیده اند.

از هبخت گذشته میدانیم که وقتی فردی تکن العمل جسم بعد از ازدیق راکسین‌کولر: در مقابل انتی‌جین کولرادر مثال ذیل بوضاحت واکسین گردیده و به مقابله هرمن، معافیت کسب می‌نماید، طور خلاصه حالات ذیل در روی گرفته وبلکه علیه پروتین وی انتی‌بادی هارا پذیرد: هرگاه شخصی را واکسین کولررا نهانیم، در هفته اول به مقابله میکروب واکسین، حجرات پلازما فعال شده و در اخیر همان هفته به تولید انتی‌بادی کولررا بدارت می‌ورزند. بالاخره میگردد:

۱- انتی‌بادی هادردوران خون او تشکیل میگردد. بعداز ده الی چهارده روز تعداد انتی‌بادی درخون به سرحد اعلیمی میرسد و سپس بعداز چند هفته از تعداد انتی‌بادیها کاسته شده و آهسته آهسته ازین میروند. هرگاه چنین شخصی بعداز جند هفته دوباره واکسین مذکور را ازدیق نماید در آنصورت طوریکه دیگرام میگردد که درائر آن میتواند که امراض مذکور را بخوبی کنترول نماید. این حادثه وادر علم طبیان معافیت امعاوی میگویند.

۲- هرگاه شخصی هرتبه اول واکسین شود وارد جسم میشوند، (خوردده می‌شوند) معافیت ناجیه وی در اعماق دروی بیاید.

۳- هرگاه شخصی هرتبه اول واکسین شود خواص مختلفی را از خود نشان میدهدند. یعنی علمای سائنس، طرقی مختلفی را امروز شخص میتواند معافیت دائمی را در متن این میکردد.

درین صورت اگر میکروب زنده همان هر فر انتی‌بادی هادر مقابل انتی‌جین های مختلفه امراض، قبل از وقوع آن جلوگیری نمایند. جسم در مقابل واکسین‌های بعدی عکس العمل انتی‌بادی کولررا ساخته میشود جسم انسانها یکی ازین طریقه ها، واکسینشن بوده که بیشتر نشان میدهد اینست که اکثر حجرات قادر به اینست که در مقابل تعداد کم انتی‌جین، درائر آن حجرات پلازماهال گردیده و تولید پلازماهای که در جسم درائر و انتی‌بادی های اولی دوران خون او انتی‌بادی های باسرعت و به تعداد زیادی انتی‌بادی را بسازد، که قسمتی انتی‌بادی را میگیرد.

ازین انتی‌بادی های میکروب حمله نموده وان واکسین هادر حقیقت مولدین امراض مختلفی به ارزعوامل نامعلومی از فعالیت بازمانده‌اند، را ازین هی برطبقه در جسم باقیمانده و معافیت هستند که به نحوی در لایر اتوار غیر فعال بعداز تزریق واکسین دوم و سوم، خلی ها را تولید و سپس در مقابل ورود میکروب های ساخته شده ولی تنها خاصیت تحریک نمودن فعل گردیده و مقادیر هنگفتی انتی‌بادی هارا جدیده‌وار غول نموده و انتبار اغیرفعال میسازند. حجرات پلازماهارا میداشته باشند. تخفیک هاییکه هرگاه شخصی هدتی پس از گذشتاندن میسازند، بواسطه آن میتوانند انتی‌جین هارا غیرفعال اتفاق خویش را ازیعه و اکسینیشن داشته و تباواری مدت کوچکی بتواند علیه در پی دوباره با میکروب آن مواجه شود - درین سازند، هربوت به نوع میکروب، می‌باشد.

از امراض نجات دهید:

صورت انتی‌بادیها که درخون بجا مانده‌اند، فوراً برمهیکروب وارد اثر نموده و آنرا درهمان مرحله، اول نایود میسازد. آلتی درجه حجرات جسم موارد شخص درهمان لحظات اولیه از خطرات انتی‌جین رهانی یافته و اصلًا علایم هرمن در اواسکار نه میشود. همان فرد از خود نشان نمیدهدند که این حالت را در استلاح علم بمالو زی، بنام امیونولوجیکل تالرنس گویند.

از برخی حالات غیر عادی، بعضًا چنان انتی‌جین های متجلی را هرسپ و گروهی خویش انواع زیادی دارند. چنان نچه برخی انتی‌بادی‌ها مساد سمعی را خشی، عده‌ای از برخی انتی‌جین های زیادی را بهمیکر وصل نموده مقابل پارچه‌ها بالغه هادر می‌آورد. همان وبلکه علیه پروتین وی انتی‌بادی هارا نشدم وبلکه علیه پروتین وی انتی‌بادی هارا نمی‌ساند. این حالت غیر عادی را بنام اوتو امیونیک گویند. انواع واشکال مختلف این انتی‌بادی هی ترسیب‌گشته، انتی‌بادیها خشی مرض وجود دارد که حجرات نموده نایموس در کشته، انتی‌بادی های حل کشته، انتی‌بادی های ذیل مسما مینهایند.

امیونیک گویند. کسب عضلات مختلف این انتی‌بادی هی ترسیب‌گشته، انتی‌بادیها خشی مرض وجود دارد که یعنی آن عبارت از مرضی کشته، انتی‌بادی های حل کشته، انتی‌بادی های لخته کشته وغیره.

مقابل پروتین عضلات جسم - انتی‌بادیها ساخته می‌شود. شخص هریک شخص بتدربیخ زیاد شده‌می‌رود. عضلات اینست که در آن در می‌گذرد. در طول عمر یک شخص بتدربیخ زیاد شده‌می‌شود. عضلات جریانات عصبی را بدمعاگ انتقال می‌خورد. چند سپس به مرور ایام در مقابل انسواع می‌گردد. برخی ها عقیده دارند که ممکن می‌گردد که برخی های روماتیزم و مرض کرده پروتین گوشت ها، باکتری های محیط زیست یکی از عمل بیماری های روماتیزم و مرض کرده پروتین گوشت ها، باکتری های محیط زیست تغیر نمی‌او توییو نیتی باشد. وسایر مواد کسب معافیت می‌نماید.

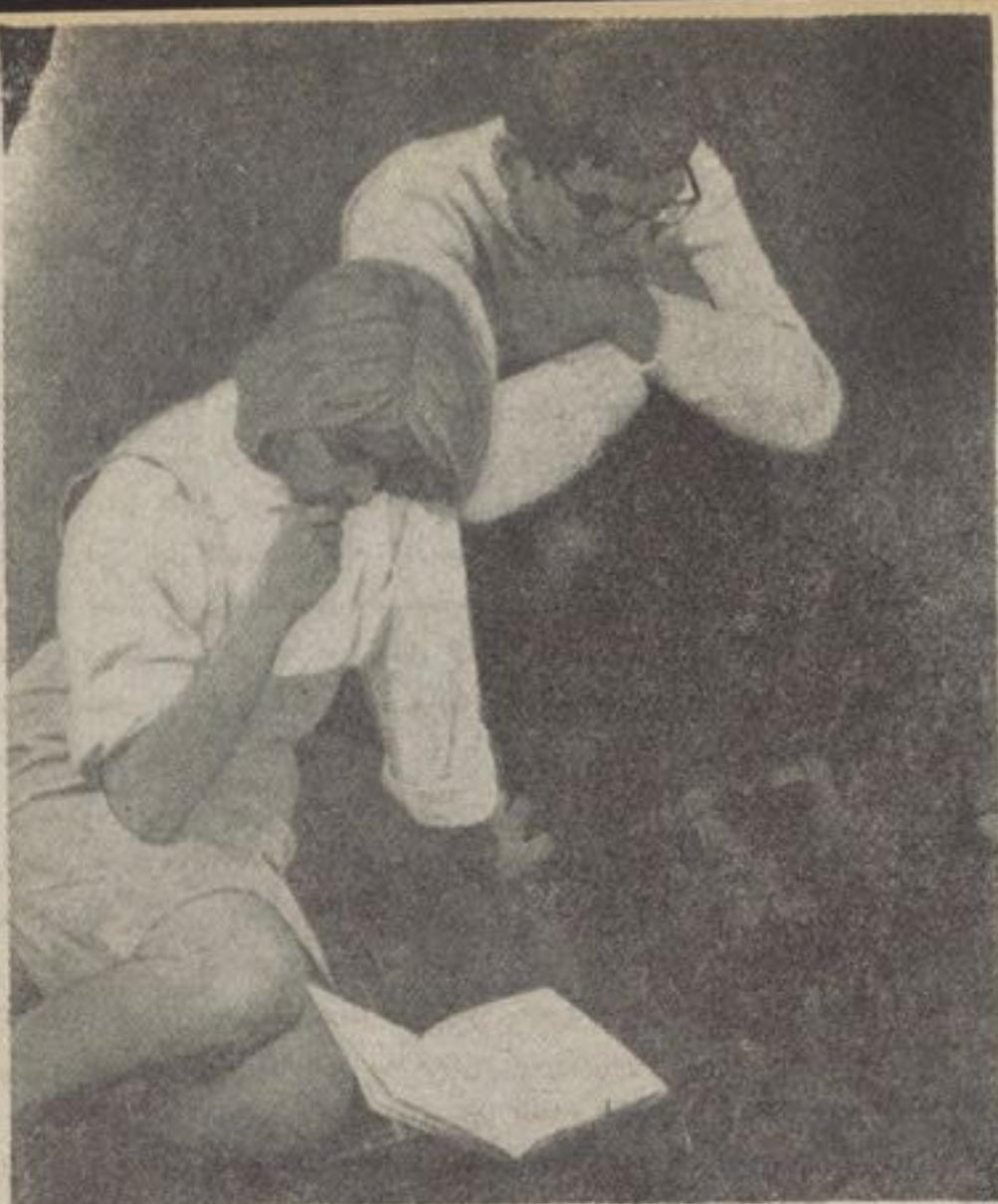
اسام انتی‌بادی‌ها:

انتی‌بادی چیزک و در مقابل انتی‌جین کولر، ها در جسم:

خواص مختلفی را از خود نشان میدهدند. یعنی علمای سائنس، طرقی مختلفی را امروز کشف نموده اند که به ارائه میتوانند از برخی هرمن کسب معافیت دائمی را دارند. چنان انتی‌بادی هادر مقابل انتی‌جین های مختلفه امراض، قبل از وقوع آن جلوگیری نمایند. انتی‌بادی کولررا ساخته میشود جسم انسانها یکی ازین طریقه ها، واکسینشن بوده که بیشتر نشان میدهد اینست که اکثر حجرات دوران خون او انتی‌بادی های اولی تولید و تحریک شده اند بعد از مدتی زیاد شکل می‌شود.

ازین انتی‌بادی های میکروب حمله نموده وان واکسین هادر حقیقت مولدین امراض مختلفی به ارزعوامل نامعلومی از فعالیت بازمانده‌اند، را ازین هی برطبقه در جسم باقیمانده و معافیت هستند که به نحوی در لایر اتوار غیر فعال بعداز تزریق واکسین دوم و سوم، خلی ها را تولید و سپس در مقابل ورود میکروب های ساخته شده ولی تنها خاصیت تحریک نمودن فعل گردیده و مقادیر هنگفتی انتی‌بادی هارا جدیده‌وار غول نموده و انتبار اغیرفعال میسازند. حجرات پلازماهارا میداشته باشند. تخفیک هاییکه هرگاه شخصی هدتی پس از گذشتاندن میسازند، بواسطه آن میتوانند انتی‌جین هارا غیرفعال اتفاق خویش را ازیعه و اکسینیشن داشته و تباواری مدت کوچکی بتواند علیه در پی دوباره با میکروب آن مواجه شود - درین سازند، هربوت به نوع میکروب، می‌باشد.

# درس زندگی



فکر کنیم و به مسایل زندگی توجه نهایم...

این هو ضو عات نه تنها برای خود دولت نیز از آن بپره مند می‌شود. اشخاص حایز اهمیت اند بلکه گردد.

## شیک پوش

هر یک رامیخواهد بینید.

این مدل های گوناگون و زنگارنگ برای این است تا پیروان از لایلای آنها بهترین و مناسبترین را برای رفع ضرورت انتخاب نماید. اینکه کورکرانه هرچه بستش رسمی و لوچل و زنده مود روز گفته بپوشد و فخر هم بپرسد ای اینکه توجیه به اقتصاد ضعیف خانواده اش بنماید.

کیم وزرفتربیانیشیم در خواهیم یافت که مود بذات خود رشت و زنده نیست، بلکه این پیروان و گرویدگان آن الدکه با انتخاب مودنامناسب و نه یعنان زیبا و افراد درآیش سروصورت و پوشیدن لباس های زنگارنگ از مردم یک هولا ساخته اند.

مود، آنچه متصوری از آن داریم، غیرازآن است. مودعبارت است از تغییر در طرح های قبلی وارانه طرح تازه، مود عبارت از نمونه های مدل های نویست که توسط طراحان لباس پیره کسو... طرح و به بازار عرضه میگردد. مودهای نمونه های متعدد و گوناگون است که به دسترس مشتری قرار دارد تا این همه مدل های مطابق به سلیقه و ضرورت خود

## زرغونه انا

نادرستی گفت:

«بری او ماتی دنکدیر به لاس دی مکر «احمد» خان و زنی او ما تی نکوی!»

زرغونه انا در حدود سال ۱۱۸۶ هجری قمری در حالی بدرود حیات گفت که فر زند رو شید ش برو یکه يك امبراتوری بزرگ شرق تکیه زده بود.

جنائزه زرغونه انا با تجلیل بی سابقه و کم نظر در قلعه کوک واقع کن در ریای ارغنداب مد فون شد.

شود. و انسان فکر میکند که در اینجا گناهی ندارد و قانون عمومی میکند طفل یا بیه عرصه وجود میگذارد و مشکل اساسی زندگی را بی نور و نمک می سازد.

اعتراف درد آور یکی از آشنایانم را بخاطر آن لغو قرار نمی دهنده که گو ا را نیستم باو جوداین هم نظر مرد مو و وجودان مو جوداست.

نادرد درست است که من طفلمرا بیدا میکند و بیش عیورد بعضی اوقات ازدواج دو می گذاشتم نمی توانم زندگی کنم و هم تمیز یک طفل دیگر از محبت بدری بیدور همه اینکه من اصلاً کس دیگری را اندازد تا پرنده آبی خود را بدست دوست دارم؟

در همچو احوال دایماً چنین حواب آورد.

**میدهند:** بدون درنظر داشت عشق باشد این مسایل را بایران در بین بسوزی و بسازی و لی آیا همیشه گذاشت؟

این سخن درست است که عیگویند عشق مانابود شده دیگر ماهمیدیگر را (کسیکه با خبر است مسلح است) دوست نداریم. عشق نابود نشده این اسلحه نه تنها در سایر ادبیات و یا مضا مین اجتماعی در گرفته و تغییر خورد. دست شاگردان داده شود بلکه زن و شوهری که خانواده خویش را همیگررا را تا اعماق پیری و طریق دانش مکمل فلسفه تحلیل کمپولت نکهدا شته اند بخوبی میدانند که چه کچکرد شی های ویشرفت های علم رو انشنا سی با مهبلک و خط رنگی در شا هرازندگی آنها بیش آمده شده به معنی واقعی وجود دارد. دوران جنگی گریها آن شاگردان تنور گردند. به این تاچه اندازه ای مهر باقی هاو عطوفت اساس هدف اساسی تعلیم و تربیه زنا شوهری را متأثر ساخته حاصل شده احسانی مسو لیست است. آیا هیچگا هی نشده که درین دوران آنها همیگررا بخشیده باشند و بخاطر رسوم و عنعنات خانوادگی از گناهان و اشتباهات یکدیگر صرف نظر کرده باشند.

بلی اینها همه گذشته اند و - صفحاتی از تاریخ زندگی اشخاص خانوادگی مدت بیست ساعت درسی در مکاتب حریان دارد. به گذشته ارتباط دارد اطفالی که باید بدنی آیند و بالا خرمه تواسه ها که بدون آنها زندگی برای بدران و بذرگان ها لطفی ندارد نباید - اشتباهات اسلاف خود را تکرار کنند تمام این سخنان رایه کسیکه عشقش بزم عمش نابود شده بود گفتن و علاوه کردم: بسی اوقات ازدواج های دو می وحشی سو می هم در اثر ظبور عشق های معاذی ساز گار واقع نشده است. دائم فکر شده در مورد اینکه حکونه با مشکلات خانوادگی دست و بجهه نرم کنند و است که همینست آنچه را جستجو میکردم ولی بعد مشکلات امور از آن فایق بد رایند داشته باشند



اطلاعات و کلتور

ردیس تحریر: محمد ابراهیم عباسی  
مدیر مسئول نجیب رحیق

معاون: پیغمبر راحله راسخ  
محتشم: علی محمد عثمان زاده.

تلفون دفتر دنیس تحریر ۲۶۹۴۵

تلفون منزل دنیس تحریر ۲۲۹۵۹

تلفون دفتر مدیر مسوول ۲۶۸۴۹

تلفون ارتباطی معاون ۱۰

تلفون منزل معاون ۴۰۷۶۰

مدیریت توزیع ۲۳۸۳۴

سچبورد ۲۶۸۵۱

آدرس: انصاری وان

وجه اشتراک:

در داخل کشور ۵۰۰ الفا نی

صفحه ۶۱

## ۱۹ کمیون

### به اسمه تقبیل کانگرس

ایدیت پلا تن جلسات کمیته اجرایی را درگذشت. همکاری دسته چمعی زنان تمام‌جهان خیلی مفیدوارزنه خوانده و گفت که ماتوانستیم مسایل بسیار بزرگ و زیادرا حل و بیان کنار کنگره را ترتیب نهاییم. در جلسات کمیته

بمتوجهی خیلی جدی و عمیق روی موضوعات داخل آجندای کنگره وجود آوردن کمیسیون عای فرعی غور و فحصه نمودیم.

همچنان بخاطر تجلیل و برگزاری سال بین المللی درسناسر چنان ملکوره هاویلان های اصلاحی زیاد به این منظور ترتیب و

تقطیق گردیده و همه دستگاه های نشراتی و تبلیغاتی ممالک در خدمت تبلیغات و دادن شعار های خلاق و مردمی بخاطر زنان جهان و خاصاً

آن طبقه زنانی که روی تعصبات ملی و مذهبی این سوال گفت: که گارکمیته اجرایی مقداماتی

و ووول آن در حمل بعضی مسایل هورد علاقه جهانی خیلی ها مفید و بازرسش بود در کانگره

بین المللی زنان نهایت‌گان طبقات مختلف زنان اشتراک خواهند نمود. من آرزو دارم که کانگره

بی‌گیر و دامنه داری بمنظور اصلاحات بیشتر

واحیای حقوق زنان در اجتماع صورت گرفته تازنان تمام جهان موقف و موقعیت یکدیگر را و سعی بر آن است تادرعهه قسمت های جهان

زنان و مردان دوش بدوش هم دوراز همه انواع امکانات آنرا همیش خواهد ساخت تا همیشگی زنان را درسناسر چنان بمنظور احیای حقوق

شان و تساوی حقوق زن و مرد و بقای صلح و فردای براز شادی و آرام را برای نسل های آینده شان همیش و مهبا بسازند.



زنان امروز در ساحة ساینس و تکنالوژی سپه بارز دارند.

این مرض از تعاس با شخصیت مربی و میتوسط مکسبی آلوده با ماده افقیه که حامل مذکور باشد، از یک شخص به شخص دیگر منتقل می‌نماید. بهترین موقع تزریق واکسین فوچ در اطفال به سن دو الی سه ماهگی شروع می‌شود. عمولاً واکسین مذکور را ذریعه مواد غذایی به طفل میدهند. درین صورت علاوه بر تولیداتی بادی هادر خون، تقریباً دو سطح امعاء را بزیجود می‌آورد. تغییرات

زنان حامله و انتشاریه افراد فوچ دارند از واکسین نمودن به مقابله هر فوچ چیزیک خودداری نمایند. علاوه بر بخاطر داشته باشید که در موقع واکسین شنیده چیزک، سایر واکسین هارا تزریق نه نهاید.

۳- واکسین نمودن علیه فلنج اطفال: مذکور بعداً موقع که میکروب اصلی وارد کانال شافته میگردد، مانع تکثیر آنها میشود.

ریلاسانتا) از خون هادر اخذ نموده اند. شخص جدب شده و باعث سخت شدن عضلات داشته باشد. زیرا اطفال حین نولد خویش یعنی مخصوصاً عضلات ایسه ها می‌گردد. تعداد کمی انتی بادی های دارندگه از طریق خس بهمین نسبت عدهای هرچه مذکور را بنام هرچه از خون هادر اختنوموده اند.

این انتی بادی هاعمر طولی نه داشته و بعد از هدیت از خون طفل غایب میشوند. درین حال باید اطفال بمقابل امر افس مختلف واکسین میگردند. امراض که در مقابله آن میتوانیم اطفال کوچک را فایده نهایم عبارت اند از:

۱- سیاه سرفه، دیفتری و تیتانوس: واکسین امراض مذکور را کاهی بصورت جداگانه و زمانی دریک واکسین (یعنی به شکل مختصر آن دی. پی. تی. گویند) به طفل تزریق مینمایند. واکسین دی. پی. تی. هوتیه اول در راه عمر نوزاد سپس در عمر دو ماهگی و بعداً بعمر سه ماهگی به طفل تزریق میشود. یعنی هر سه واکسین اولی دی. پی. تی. ابتدا بفاصله های یکماه از یکدیگر به طفل تزریق میگردند، سپس واکسین چهارمی دی. پی. تی. بعمر ۱۲ ماهی

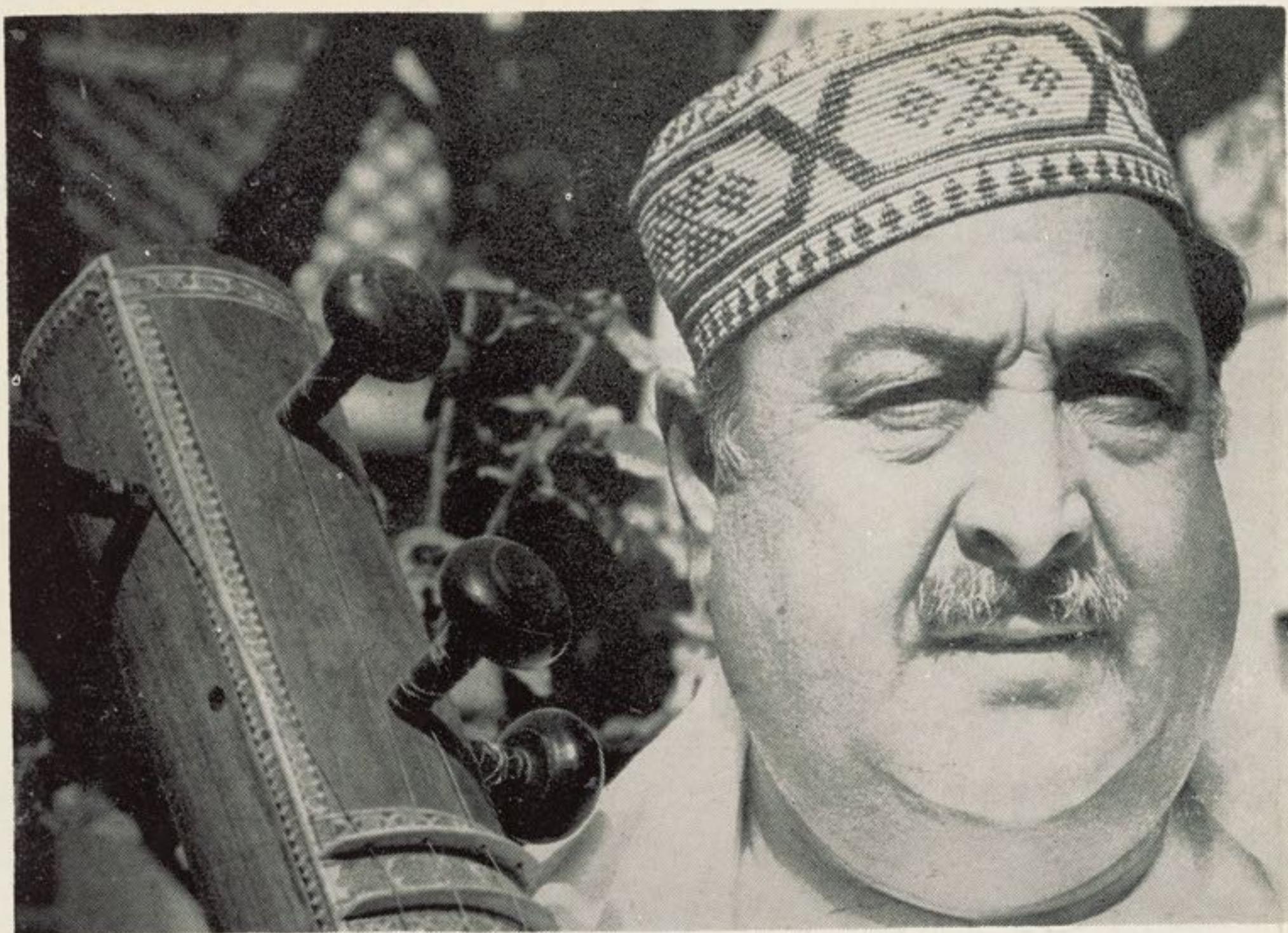
چیزک هر سه ۱ سنت که دارای عوارض وحیم بوده و سالیانه باعث تلفات زیادی در سراسر جهان میشود. مجادله علیه این مرض ذریعه واکسین شنیدن صورت میگیرد که شخص بعدها از چهارم و پنجم دی. پی. تی. را پنام واکسین های (بو ستر) یا (ریسل) گویند که درین حالت تعداد انتی بادی های

خون خیلی هاریزید شده و هم طفل بمقابله هر سه مرض فوق مغایت دا یعنی کسب مینماید. عوارضی که از اثر واکسین نمودن در

طفل رونما میگردد عبارت از بی اشتیانی، تپ وغیره میباشد که خیلی موقت و بسیار از ۴ ساعت رفع میگردد. بخاطر باید داشت که

همیشه گوشش شود که حین تزریق واکسین ها، اطفال نه باید قبل هریض باشند. سیاه سر فله (برتیوسیس) مرض خطرناک است که مجازی تنفسی را مصاب مینمایند سپس واکسین های بعدی اگر در فاصله سه الی پنج سال تکرار گردند، شخص معاشر دایمی به مقابله هر سه چیزک کسب مینماید. انتشاریه در سینه بعدی واکسین چیزک را تکرار مینمایند، باید متوجه باشند که واکسین تزریق شده خواص خود را لذت دارد که دریک هوتیه نفس کشیدن، در حدود هشت الی ده بار سرفه های پیغم نموده و سپس حالت تپوچ باودست مدهد. این مرض هفتنه عادی نموده و در حالات وحیم تا به دو الی سه ماه نیز ادامه میابد.

تیتانوس مرض است که میکروب آن عبارت از یک نوع باکتریایی بنام تیتانوس باسلامی می‌باشد. سیور باسلامی تیتانوس عمولاً در بین خالک و خصوصاً در نواحی که مواد فاضله واکسین شده کمی سرخ شده و بعداز چندی اسپ ها و گاو ها وجود داشته بکثرت وجود بدون اینکه زخمی بوجود آید، علایم آن از فرار گیرد در آنجا تکثیر نموده و مواد هر آلویی تولید مینماید که مواد مذکور ذریعه انساج



استاد سر آهنگ هنرمند مشهور گشور

لاسی بکس را و خیست اویو کاغذ شو او بیایی وویل :

لی ترینه را و ویسته هفه کاغذ چه داسی معلومیری چه نه دجا به دغله طولو دیاره به عمدو مره منزل « Sofi » دخبل دوست ور و نیک دیاره انتظار کبیسی بی او نه دی خوک یه لیکلی ژ او دوخت دکموالی به نسبت انتظار کبیسی وی نو بشه به داوی چه بی لا مخا براتو ته نه و سپارلی بی دی خوشبو ور خو کبیسی خبله شکل در لوده خو اوس باید مونبر خپل شخصی منزل ته دعوت کری که داوه مار به لور آواز باندی لیک میلمه پالنه مونبر ته و بشی . ربتیا خای غوره کری ژ خو دهقه خخه هم کلمی می ستا داطلاع دیاره لیکلی دی نه دی استولی ۱ و نن زمونبر گوتونه ودر اووه . چو پلی شو او دموترنیانکی دی او تر هعنی مودی به هلتنه یاتی ستابسی کور غوره او به زید پوری زه نن سهار در خصتیو دور خشو راغلی دی . « Sofi » امید نور قطع شو اویه

شپی ور خو په خپلی کرونده کبیسی دی یوهید له چه که چیری دغه داوه به خوشالی سره سرته ورسوم داچه ماران دخان سره کرونده ته بوزی نو هیدخوک به بی نوم هم به خوله وانخنی .

او نه چاته دا ثابتنه شوی وه چه دی اویل : « Sofi » به وارخطا بی سرمه غوبنستل می اول هفه تایوته لای شم په کوم کبیسی چه ته استو گنه لری

ترینه می صرف نظر و کری او زه فقط « Sofi » دی دغلو او داوه مارانو به منگلو کبیسی کبیسیوتی وی خود مره

یوازی خپلی کرونده ته اهمیت یوازی کبیسی ته لای شم ؟

یوه هیله و رسه ملکری وه چه ور کوم چه دخبلی رخصتی ور خو په خوشالی پکبیسی تیری کرم ته خوزما « بناغلی » « زیگو » چه دبانکو نو مدیر وه اکسلیت پکبیسی تینگکی کری داخکه هفه خه چه بی سنجو لی وو یول

بی خایه له لاسه وتلی وو او نور کوم خنگه همدا یول نه ده ؟

دخلاصون خای وزته نه و معلوم خو وروسته داوه مار سری و خندل او

« Sofi » چه حیرانه پاتی وه دستر گو « لاس لیک » .

دابه مار سری خو لحظی چپ پاتی

ناست و ورته وویل :

لی ترینه زمونبر دیل دغله طولو دیاره به عمدو مره منزل کافی وی که خه هم دغه اقدام احتیاطی

شکل در لوده خو اوس باید مونبر خپل شخصی منزل ته دعوت کری که خه هم مونبر دخان دیاره یو بل « بت »

خای غوره کری ژ خو دهقه خخه هم ستابسی کور غوره او به زید پوری دی او تر هعنی مودی به هلتنه یاتی

یو تر خو زمونبر مو ضوع له یاده دکه کری دیانک موظف ته که « Sofi » هر خومره ستر گتونه وهل او یابه بی اشماری کولی کومی نتیجی ته و نه رسیدله آخر به دی باندی و پوهیده

وویل : « Sofi » به وارخطا بی سرمه تایوته لای شم په کوم کبیسی چه ته استو گنه لری

چه بی شوم سر نوشت ورته لیاره خاری او به دی ترتیب به داوه مازانو دشو مو غرغنو نه قربان شی به زیات

نه نه - ته باید مونبر هفه خای ته بوزی اود غوسی باندی بی دموتر ور خی تیرولی هفه خای چیری دی ،

یه اکسلیت پکبیسی تینگکی کری داخکه

هفه خه چه بی سنجو لی وو یول

بی خایه له لاسه وتلی وو او نور کوم

دخلاصون خای وزته نه و معلوم خو

کله چه دیملو دیانک نه لری شول

هفه دابه مار چه دسوی تر خنگ

## دیمه‌نی سوغات

- تا ته وايم دغه راز ماشومانه لوبي مه کوه دا کارونه زما نه خوبنميری .

« Sofi » سوی اسویلی وویسته او دموتر سرعت بی کم کر او دتیلو دیانک په خنگ کبیسی بی مو تمر

ودراوه . چو پلی شو او دموترنیانکی دکه کری دیانک موظف ته که « Sofi » هر خومره ستر گتونه وهل او یابه بی اشماری کولی کومی نتیجی ته و نه رسیدله آخر به دی باندی و پوهیده

وویل : « Sofi » به وارخطا بی سرمه تایوته لای شم په کوم کبیسی چه ته استو گنه لری

چه بی شوم سر نوشت ورته لیاره خاری او به دی ترتیب به داوه مازانو دشو مو غرغنو نه قربان شی به زیات

عصبا نیت اود غوسی باندی بی دموتر ور خی تیرولی هفه خای چیری دی ،

یه اکسلیت پکبیسی تینگکی کری داخکه هفه خه چه بی سنجو لی وو یول

بی خایه له لاسه وتلی وو او نور کوم

دخلاصون خای وزته نه و معلوم خو

کله چه دیملو دیانک نه لری شول

هفه دابه مار چه دسوی تر خنگ

لاندی ورته وکتل ، دابه مار خپل



# مود و فیشن

یک نمونه از تازه ترین مود های امسال برای علاقمندان لباس های شیک و مدرن

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**